

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده اصول الدین  
osool al din college  
غیر دولتی - غیر انتفاعی

مقطع کارشناسی ارشد  
رشته علوم قرآن و حدیث

# جلوهای محبت و هدایت امام غایب (علیه السلام) بر امت در آیات و روایات

استاد راهنما

دکتر غلامحسین تاجری نسب

نگارش

زینب السادات نوابی

تابستان ۱۳۹۵



دانشکده اصول الدین  
USUL AL DEEN COLLEGE

غیر دولتی - غیر انتفاعی

کلیه اصول دین قم

قسم علوم القرآن والحديث

رسالة ماجستير

عنوان

آثار محبة و هداية الامام الغائب (عليه السلام)

بالأمة في القرآن والحديث

الاستاذ المشرف:

الدكتور غلامحسين تاجري نسب

اعداد:

زينب السادات نوابي

صيف سنة ١٤٣٧

## تقدیم

به تنها امیدم در حیات و ممات، به امیر نجاتم بر پل صراط، به او که به هوایش زندگی می‌کنم و از خدای مهربان توفیق شهادت در رکابش را خواستارم. این تلاش ناچیز را با کمال شرمندگی به محضر منور دردانه‌ی حضرت زهرا سلام الله علیها، قطب عالم امکان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تقدیم و ثواب این اثر را به روح پاک مادرم، هدیه می‌نمایم؛ همو که بذر دلدادگی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در وجودم پروراند و با رفتنش، غمی ماندگار برسینه ام ماند.

## تشکر و قدردانی

از پروردگار مهربان و امام زمانم (روحی له الفداء) سپاس گزارم که بر این ناچیز منت نهادند و کام تشنه و روح خسته ام را با اقیانوس بی کران معارف حیاتبخش مهدوی سیراب نمودند، هرچند که به دلیل محدودیت ظرف وجودم به اندازه‌ی نمی‌باشد از یمی.

از اساتید فرزانه و فرهیخته ام که در طول دوران تحصیل از محضرشان کسب فیض نموده ام خصوصاً استاد گرانقدر **دکتر غلامحسین تاجری نسب** که با صبر و حوصله و احاطه علمی و دقت نظر خویش در مراحل مختلف این تحقیق مرا یاری نمودند کمال تشکر را دارم.

همچنین از پدر بزرگوارم و همسر ارجمندم که در طول این مدت همواره مشوق و پشتیبانی دلسوزی برای من بودند، قدردانی نموده و برای تمام عزیزان از خدای منان توفیق خدمت هر چه بیشتر به ساحت مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام و جانفشانی در رکاب همایونی اش را خواستارم.

## چکیده

موضوع پایان نامه‌ی حاضر "جلوه‌های محبت و هدایت امام غائب بر امت در آیات و روایات" می‌باشد. از مهمترین اهداف این پژوهش بازخوانی جلوه‌های محبت و هدایت امام غائب نسبت به امت اسلامی، نفی باورهای اشتباهی چون خشونت حضرت یا رها بودن امت اسلامی در هنگام غیبت آن بزرگوار و افزایش گرایش امت اسلامی به انتظار و محبت نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

نگارنده با تتبع در منابع کتابخانه‌ای و نرم افزارهای تخصصی مرتبط، به دسته بندی داده‌های پژوهش در چهار فصل پرداخته است: فصل اول تحت عنوان " کلیات " به بیان ساختار و روش تحقیق و مفهوم شناسی واژگان کلیدی پژوهش می‌پردازد. فصل دوم ذیل عنوان " جلوه‌های محبت امام غائب بر امت " به واکاوی کیفیت و مصادیق محبت امام غائب به امت می‌پردازد. در فصل سوم تحت عنوان "جلوه‌های هدایت امام غائب بر امت" پس از تحلیل نقش هدایتگری حضرت در زمان غیبت صغری، هدایت حضرت مهدی علیه السلام در حوزه‌ی معارف، احکام دین و اخلاق الهی در زمان غیبت کبری مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل چهارم نیز به خلاصه و نتیجه گیری این تحقیق می‌پردازد.

بر اساس نتایج این پژوهش، رابطه‌ی امام زمان علیه السلام با امت اسلامی در دوران غیبت بر اساس قاعده‌ی لطف خداوند تا زمان ظهور آن حضرت در ابعاد مختلف ادامه دارد و بر اساس محبت، شفقت و هدایت می‌باشد و دارای جلوه‌هایی مانند "هدایت نمودن مردم از طریق توقیعات"، "انجام معجزه یا خبر دادن از غیب جهت اثبات امامت خویش"، "ایجاد شبکه و کالت و نمایندگان خاص"، "روشنگری درباره جریان‌های انحرافی"، "شناساندن مدعیان دروغین به مردم"، و "نامه‌نگاری‌های گسترده و وسیع" در دوران غیبت صغری و جلوه‌هایی مانند "تأیید فقهای جامع الشرایط و توصیه به مراجعه به آنها"، "اجماع لطفی"، "حل بعضی از معضلات علمی بزرگان شیعه"، "هدایت به امر امام غائب" و ... در دوران غیبت کبری می‌باشد. نوع منابع استفاده شده در این تحقیق، تفاسیر قرآن کریم، کتب روایی، سیره و تاریخی بوده است.

**کلیدواژگان:** هدایت، محبت، امام زمان علیه السلام، قرآن، روایات.

## فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات
۲	مقدمه
۴	۱. کلیات
۴	۱.۱. بیان موضوع پژوهش
۵	۲.۱. اهمیت پژوهش
۵	۳.۱. پیشینه پژوهش
۷	۴.۱. سئوالهای پژوهش
۷	۵.۱. فرضیه پژوهش
۷	۶.۱. روش پژوهش
۸	۷.۱. تعریف اصطلاحات
۸	۱.۷.۱. جلوه
۸	۲.۷.۱. محبت
۸	۳.۷.۱. هدایت
۹	۴.۷.۱. امام
۱۰	۵.۷.۱. غیبت امام
۱۳	۶.۷.۱. ائمت

## فصل دوم: جلوه‌های محبت امام غائب بر ائمت

۱۵	۱.۲. جایگاه محبت در دین
۱۶	۲.۲. تبیین محبت امام غائب نسبت به امت
۲۱	۳.۲. جلوه‌های محبت امام غائب به بزرگان دین
۲۳	۱.۳.۲. یاری رساندن امام غائب به بزرگان دین
۲۴	۲.۳.۲. دعای خاص امام غایب برای بزرگان دین
۲۵	۴.۲. جلوه‌های محبت امام غائب بر عموم مردم
۲۵	۱.۴.۲. مهربانی امام غائب نسبت به عموم مردم

- ۲۷..... ۲.۴.۲. نظر نمودن امام غائب با دیده رحمت و لطف
- ۲۸..... ۳.۴.۲. یاد مداوم امام غائب نسبت به عموم مردم
- ۳۰..... ۴.۴.۲. امام غائب؛ موجب دفع بلا
- ۳۱..... ۵.۴.۲. امام غائب و دادرسی ستمدیدگان
- ۳۷..... ۶.۴.۲. دعای امام غائب برای عموم مردم
- ۴۰..... ۷.۴.۲. همدردی امام غائب با عموم مردم
- ۴۶..... ۸.۴.۲. امام غائب و گره گشایی از مشکلات شیعیان

### فصل سوم: جلوه‌های هدایت امام غائب بر امت..... ۴۸

- ۵۰..... ۱.۳. جلوه‌های هدایت امام غایب بر امت در غیبت صغری
- ۵۰..... ۱.۱.۳. هدایت نمودن مردم با اثبات امامت خویش
- ۵۰..... ۱.۱.۱.۳. معرفی خود به عنوان امام در توقیعات
- ۵۱..... ۲.۱.۱.۳. ملاقات با بعضی از خواص بزرگان شیعه
- ۵۵..... ۳.۱.۱.۳. کرامات یا خبر دادن از غیب
- ۵۶..... ۱.۳.۱.۱.۳. خبر وفات
- ۵۶..... ۲.۳.۱.۱.۳. خبر ولادت و دعای حضرت در این باره
- ۵۶..... ۳.۳.۱.۱.۳. خبر از نیت‌های پنهانی افراد
- ۵۷..... ۲.۱.۳. امتداد شبکه ارتباطی و کالت و نمایندگان خاص
- ۵۹..... ۱.۲.۱.۳. روشنگری امام غائب درباره جریان‌های انحرافی از طریق شبکه و کالت
- ۶۰..... ۱.۱.۲.۱.۳. موضع‌گیری امام غائب در برابر غالیان
- ۶۳..... ۲.۱.۲.۱.۳. روشنگری امام در برابر مفوضه
- ۶۴..... ۲.۲.۱.۳. شناساندن مدعیان دروغین به مردم از طریق شبکه و کالت
- ۶۶..... ۳.۲.۱.۳. نامه نگاری‌های گسترده و وسیع
- ۶۷..... ۲.۳. جلوه‌های هدایت امام غایب بر امت در غیبت کبری
- ۶۷..... ۱.۲.۳. هدایت امام غایب در حوزه‌ی معارف دین
- ۶۸..... ۱.۱.۲.۳. تبیین خداشناسی
- ۶۹..... ۱.۱.۱.۲.۳. برهان هدایت و رهیابی بر وجود خداوند
- ۷۰..... ۲.۱.۱.۲.۳. برهان نظم و اتقان بر وجود خداوند

- ۷۰..... ۳.۱.۱.۲.۳. برهان حدّ بر وجود خداوند
- ۷۰..... ۲.۱.۲.۳. تبیین امام شناسی توسط امام غایب
- ۷۰..... ۱.۲.۱.۲.۳. زیارت نامه سایر امامان علیهم السلام
- ۷۶..... ۲.۲.۱.۲.۳. ترغیب علمای دین برای نگارش آثار علمی مرتبط
- ۷۶..... ۲.۲.۳. هدایت امام غائب در حوزه احکام دین
- ۷۶..... ۱.۲.۲.۳. تأیید فقهای جامع شرایط و توصیه به مراجعه به آنها
- ۸۱..... ۲.۲.۲.۳. اجماع لطفی
- ۸۲..... ۳.۲.۲.۳. حل بعضی از معضلات علمی بزرگان شیعه
- ۸۲..... ۱.۲.۲.۲.۳. یاری امام غایب به شیخ مفید در فتوا
- ۸۳..... ۲.۲.۲.۲.۳. حل مشکلات علمی علامه حلی توسط امام زمان علیه السلام
- ۸۴..... ۳.۲.۲.۲.۳. پاسخ دادن امام زمان علیه السلام به سوالات علمی مقدس اردبیلی
- ۸۶..... ۳.۲.۳. هدایت امام غایب در حوزه اخلاق و رفتار الهی
- ۸۶..... ۱.۳.۲.۳. تقوا، منشأ امان از فتنه
- ۸۹..... ۲.۳.۲.۳. پرهیز از دنیا دوستی
- ۹۱..... ۳.۳.۲.۳. نور قدرت در عمل (اصالت عمل گرایی)
- ۹۲..... ۴.۳.۲.۳. توصیه به برآوردن حاجات مردم
- ۹۳..... ۴.۲.۳. هدایت به امر امام غائب (ایصال الی المطلوب)

## فصل چهارم : خلاصه و نتیجه گیری ..... ۹۵

- ۱۰۱..... پیوست
- ۱۰۱..... ۱. محبت امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور
- ۱۰۵..... ۲. هدایت امام زمان علیه السلام به هنگام ظهور
- ۱۰۷..... ۱.۲. رشد عقلانی و اخلاقی توده‌ها توسط حضرت
- ۱۰۷..... ۲.۲. تعمیم دانش
- ۱۰۷..... ۳.۲. یگانگی، نه بیگانگی
- ۱۰۸..... ۴.۲. امنیت راه‌ها و از بین رفتن کینه‌ها
- ۱۱۱..... فهرست منابع



## فصل اول:

### کلیات

## مقدمه

از جمله دغدغه‌های محوری انسان، مسأله‌ی هدایت، رهبران هدایت و هدایت‌پذیری است. بر همین مبناست که مکاتب بشری، الگوهای مختلفی را ارائه کرده و می‌کنند که تأمل در آنها، بر اباطالشان می‌انجامد. اما بر اساس آموزه‌های وحیانی - که دارای جامعیت بی‌نظیری هستند - خداوند به عنوان خالق حکیم، انسان را هم از طریق تکوینی<sup>۱</sup> و هم تشریحی<sup>۲</sup> هدایت کرده است. جریان هدایت در قالب دین مبین اسلام توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کامل شد و بدیهی است که پس از آن حضرت، لازم است تا جریان مذکور ادامه داشته باشد<sup>۳</sup>. بر اساس این نگرش، امامان (علیه السلام) پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) عهده‌دار هدایت موجودات هستند و به جهت عصمتی که خداوند به ایشان اختصاص داده<sup>۴</sup>، در تمامی امور - هم مادی و هم معنوی - لازم الاتباع خواهند بود.

بدون وجود حجت الهی، ارکان هستی نابود خواهد شد<sup>۵</sup> اما امام زمان (علیه السلام) - به عنوان آخرین حجت الهی - بر اساس دلایل متعدّد، در غیبت به سر می‌برد. این مخفی ماندن عاملی برای محروم ماندن انسان‌ها از الطاف و جودِ آن حضرت نیست. بدون شک از جمله جنبه‌های ارتباطی و تاثیرگذار میان رهبر و هادی یک ملت و مردم خود رفتار عاطفی است و این امر در خصوص رهبران الهی و مردم، دوچندان بوده و نمود بارزتری دارد. بر این مبنا، یکی از جنبه‌های ارتباطی امام غائب، محبت ایشان نسبت به مردم است که در جلوه‌های مختلفی، نمود یافته است.

۱. روم/۳۰.

۲. حدید/۲۵.

۳. خرازی، سید محسن، *بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقائد الامامیه*، ج ۲، ص ۶؛ آل یاسین، محمد حسن، *اصول الدین*، ص ۲۷۷.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۲۰۳.

۵. صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۲۰۴.

بنابراین در نوشتار پیش رو تلاش شده با توجه به رهنمودهای قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام به بررسی جلوه‌های محبت و هدایت امام غایب بر امت پردازیم.

در پایان خاشعانه و خاضعانه در پیشگاه خداوند متعال به بضاعت ناچیز و کوتاهی و ناتوانی خویش در این مهم اعتراف می‌کنم و از ضعف و ناتوانی جسمی و از دانش اندک و جهل و نادانی بسیار به پروردگارم شکایت برده، به محضرش عرضه می‌دارم:

اللهم و نحن عبیدك التائقون [الشائقون] إلى و لیک المذکر بک و بنیک خلقته لنا عصمة و ملاذا و أقمته لنا قواما و معاذا و جعلته للمؤمنین منا إماما فبلغه منا تحية و سلاما و زدنا بذلك یا رب إكراما و اجعل مستقره لنا مستقرا و مقاما و اتمم نعمتك بتقدیمك إیاه إمامنا حتی توردنا جنانك و مرافقة الشهداء من خلصائك.

## ۱. کلیات

بخش‌های مختلف طرح تحقیقی پژوهش حاضر بدین قرار است:

### ۱.۱. بیان موضوع پژوهش

بر اساس باور شیعیان، آخرین نفر از سلسله‌ی امامت، امام زمان علیه السلام است و اعتقاد به وجود و قیام جهانی وی، دنباله‌ی خط‌ی اصیل امامت و ولایت بوده و بدین قرار، از ضروریات مذهب شیعه است.<sup>۱</sup> این حجّت الهی به دلایل متعدّدی از نظرها، پنهان است و در غیبت به سر می‌برند. آنچه که در دوران غیبت ایشان به عنوان مسأله‌ی مهمّی قابل طرح است، چگونگی رابطه‌ی ایشان با امت اسلامی به ویژه شیعیان است. به عبارتی دیگر، ایشان امت اسلامی را به حال خود رها کرده است یا اینکه در دوران غیبت نیز امت اسلامی از وجود الهی ایشان بهره‌مند خواهند بود. در واقع برخی از مردم بر این باورند که امام زمان علیه السلام از جامعه بریده‌اند و در بیابان‌ها زندگی می‌کنند. اما بر اساس عقاید شیعیان، وجود امام در هر حالی لازم است<sup>۲</sup> و گرنه تمامی ابعاد دینی ناظر به اعتقاد<sup>۳</sup>، احکام<sup>۴</sup> و اخلاق<sup>۵</sup> و ابعاد زندگی ناظر به دنیوی<sup>۶</sup> و اخروی<sup>۷</sup> انسان‌ها، ناقص مانده و هدف خلقت تأمین نمی‌گردد. بدین قرار، نوشتار حاضر به منظور روشن ساختن جنبه‌هایی از رابطه‌ی امام غائب و امت در غیبت و پاسخگویی به برخی از شبهات در حوزه‌ی مهدویت، آثار

۱. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، *فرهنگ شیعه*، ج ۱، ص ۶۴.

۲. حلی، حسن بن یوسف، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، ص ۳۶۲.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ص ۴۳۹.

۴. همان، ص ۴۳۸.

۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، ص ۲۲۲.

۶. همان، ص ۴۴۱.

۷. صدوق، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا (علیه السلام)*، ج ۱، ص ۲۱۴.

وجودی امام زمان علیه السلام در بعد هدایت و محبت به امت با نظر در آیات کریمه و روایات شریفه بررسی می‌نماید.

### ۲.۱. اهمیت پژوهش

بدون شک پژوهش پیرامون الطاف وجودی آخرین امام - که در تمامی ادیان به سعادت نهایی بشریت به دست ایشان اشاره شده است - و به دلایل عقلی و نقلی در دوران غیبت به سر می‌برند، نقش مهمی در هدایت و گرایش افراد جامعه در قبال آن حضرت و انتظار و زمینه سازی ظهور ایشان، خواهد داشت. در روزگار حاضر که حملات فرهنگی عقیدتی از طریق رسانه‌های عمومی و بین‌المللی در خصوص عقاید شیعی فراوان شده است، پرداختن به موضوع «جلوه‌های محبت و هدایت امام غائب بر امت» که بر بسیاری از مردم به ویژه جوانان شیعه روشن نیست، اهمیت وافری دارد؛ زیرا گرفتار شدن به شبهات رسانه‌ای، مایه‌ی گرفتاری و بی‌اعتقادی شمار زیادی از نسل معاصر شده و بسیار بجاست که در این زمینه، کار علمی دانشگاهی، صورت پذیرد.

### ۳.۱. پیشینه پژوهش

توجه و پرداختن به مهدویت و غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشینه‌ی دیرپایی دارد. این موضوع در اسلام به قدری مسلم و مهم بوده که کتاب‌های بسیار زیاد و متعددی درباره آن تالیف شده و تاریخ نگارش بعضی از آنها به سال‌ها پیش از تولد آن حضرت بر می‌گردد. به عنوان نمونه؛ حسن بن محبوب زراد؛ یکی از محدثان و مصنفان موثق شیعه کتاب؛ المشیخه؛ را یکصد سال قبل از غیبت کبری نوشته و اخبار مربوط به غیبت حضرت مهدی علیه السلام را در آن نقل نموده است. مرحوم کلینی در این باره می‌نویسد: محدثان شیعه در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام اخبار غیبت را در تالیفات خویش آورده اند.<sup>۱</sup>

علمای متقدم و معاصر نیز پیرامون غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کتب بسیاری نگاشته اند، که از قدما می‌توان به "الغیبه" اثر محمد بن ابراهیم نعمانی، "الغیبه" اثر شیخ مفید، "الغیبه"

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *أصول الکافی*، ج ۲، ص ۸۷۳

اثر شیخ طوسی و "المقنع فی الغیبه" اثر علی بن حسین علم الهدی و از معاصران به کتاب‌های "منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر" اثر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی که در آن به ابواب مختلف زندگانی امام زمان علیه السلام از جمله غیبت آن حضرت و نصوص وارد شده درباره‌ی امامت آن جناب پرداخته شده است، «اسرار و فواید وجود امام عصر علیه السلام در زمان غیبت» اثر اسماعیل رسول زاده، «چهل شباهت امام معصوم با خورشید» تألیف سید جواد حسینی «میر مهر»، تألیف سید مسعود پورسیدآقایی و «مهر بیکران (نگاهی به رأفت امام زمان علیه السلام)» تألیف محمد حسن شاه آبادی؛ اشاره کرد.

باید گفت که پرداخت بسیار کمی، حول موضوع "جلوه‌های محبت و هدایت امام غائب علیه السلام بر امت در آیات و روایات" صورت گرفته است و آنچه در دو کتاب اخیر پرداخته شده بیشتر به جلوه‌های محبت حضرت در تشرفات پرداخته شده است. اما این پایان نامه با نگاهی به شبهات مرتبط و استفاد از کتب معتبر حدیثی و تفسیری، به تبیین جلوه‌های محبت و هدایت امام غائب به امت از منظر آیات و روایات می‌پردازد. جامعیت نسبی و سازماندهی مناسب این پایان نامه نیز از دیگر نکات متمایز آن است. همچنین در این پژوهش القاب حضرت حجت علیه السلام که مرتبط با دو موضوع مذکور بوده، واکاوی شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

لازم به ذکر است از میان پایان نامه‌های فراوانی که با موضوع مهدویت نگاشته شده است، آنچه که از بعضی جهات به موضوع این تحقیق شباهت دارد تنها سه مورد بود:

- «تأثیر اعتقاد و محبت به امام زمان علیه السلام در زندگی فردی و اجتماعی»، زهرا حسام محمدی، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۷ش.

- «جایگاه امام زمان علیه السلام در نظام تکوین با تاکید بر حدیث امان»، فاطمه آلبوغبیش، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ۱۳۹۲ش.

- «تحلیل قرآنی روایی سیره امام زمان علیه السلام»، حسین صفار، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، ۱۳۸۸ش. دارند و تنها از این حیث که به کارهای تحقیقی دانشگاهی مشابه، اشاره نمایم، به ذکر آنها پرداختیم.

ناگفته پیداست این پایان‌نامه‌ها، تفاوت بسیار چشمگیری با موضوع «جلوه‌های محبت و هدایت

امام غائب بر ائمت در آیات و روایات دارند و تنها از این حیث که به کارهای تحقیقی دانشگاهی مشابه، اشاره نماییم، به ذکر آنها پرداختیم.

#### ۴.۱. سنوالاتی های پژوهش

سؤال اصلی: جلوه‌های محبت و هدایت امام غایب به ائمت در آیات و روایات چیست؟

سؤال‌های فرعی:

۱. جلوه‌های محبت امام غایب به ائمت (مردم عادی و بزرگان شیعه) چیست؟
۲. جلوه‌های هدایت امام غایب در حوزه دین (معارف، احکام و اخلاق) چیست؟

#### ۵.۱. فرضیه پژوهش

۱. غیبت امام عصر علیه السلام به معنای بریدگی ایشان از جامعه و عدم حضور ایشان بین مردم نیست بلکه به معنای زیست ناشناس با حفظ ارتباط گاه گاهی با ائمت است.
۲. لازمه‌ی بهره‌وری از امام، رجوع ائمت به ایشان است و این مساله در زمان غیبت مانعی ندارد، زیرا غیبت امام زمان علیه السلام از لحاظ جسمانی تقدیر شده است و نه از لحاظ روحانی.
۳. محبت و شفقت پدران‌های امام زمان علیه السلام در دوران غیبت شامل حال ائمت به ویژه شیعیان می‌شود و غیبت امام زمان علیه السلام مانع بروز جلوه‌های محبتی ایشان بر ائمت نمی‌شود.
۴. بهره‌وری از وجود امام غائب علیه السلام مانند بهره‌مندی از خورشید در روزهای ابری است.
۵. لازمه‌ی امام بودن، هدایت‌گری ائمت است. امام غائب علیه السلام نیز از راه‌های گوناگون و با جلوه‌های متعدد به این شان از شئون امامت می‌پردازد.

#### ۶.۱. روش پژوهش

اطلاعات پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و نرم افزارهای تخصصی مرتبط، گردآوری شده و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی<sup>۱</sup>، در فصل‌های چهارگانه سامان داده شده است.

## ۷.۱. تعریف اصطلاحات

در این بخش، مفهوم واژگان جلوه، محبت، هدایت، امام، غیبت امام، تبیین خواهد شد:

### ۱.۷.۱. جلوه

واژه‌ی «جلوه» از ریشه‌ی «جلی» و در لغت به معنای آشکار شدن<sup>۱</sup> است که در این نوشتار نیز به معنای جنبه‌های برجسته‌ای از محبت و هدایت امام زمان علیه السلام است که نسبت به امت اسلامی، آشکار شده است.

### ۲.۷.۱. محبت

واژه‌ی «محبت» از ریشه «حب» و در لغت به معنای میل<sup>۲</sup> و علاقه شدید<sup>۳</sup> است. رابطه‌ی میان کسی که نماینده‌ی خداست و از طرف خدای متعال به عنوان هدایتگر خیرخواه و دلسوز بشر تعیین شده است و سمت پدری بر امت دارد، با امت که در حکم فرزندان او محسوب می‌شوند؛ رابطه‌ای جز «محبت» و صمیمیت و مودت نمی‌تواند باشد.

### ۳.۷.۱. هدایت

واژه‌ی «هدایت» از ریشه «هدی» و در لغت به معنای سکون، آرامش<sup>۴</sup> و سکونت گزیدن بدون سر و صدا است.<sup>۵</sup> در اصطلاح و بر اساس آموزه‌های قرآنی، به دو معنای نشان دادن راه و رساندن به مقصد<sup>۶</sup> و فراهم ساختن مقدمات برای رسیدن به مقصد است.<sup>۷</sup>

بنا بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، هدف از بعثت پیامبران و تعیین اوصیای آنان و نزول کتاب‌های آسمانی، «هدایت» و راهنمایی بشر به راه خداپسندانه و قرب به پروردگار

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۲۰؛ مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱، ص ۲۸۹؛ مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۲، ص ۱۵۱.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۴۳۹.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱، ص ۸۰.

۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، ج ۴، ص ۷۹.

۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

۷. همان، ج ۸، ص ۱۴۲.



است. امامان شیعه نیز در صدر مسئولیت‌های خویش در مقام هدایت‌گری و راهنمایی امت اقدام نموده‌اند. این راهنمایی در همه‌ی ابعاد جسمانی و روحانی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی بشر جریان دارد. همچنین بر اساس اعتقادات شیعیان، همان‌گونه که پیامبران علیهم السلام به اذن الهی هم در بُعد تکوینی و هم در بُعد تشریحی ولایت دارند<sup>۱</sup> پس از ایشان، امامان علیهم السلام به عنوان جانشینان ایشان از این موهبت الهی برخوردارند.<sup>۲</sup>

#### ۴.۷.۱. امام

معانی لغوی واژه‌ی «امام»، قصد و توجه خاصی به سوی چیزی<sup>۳</sup>، طریق<sup>۴</sup> و مقتدا<sup>۵</sup> (اعم از حق یا باطل<sup>۶</sup> بودن آن) است. از منظر شیعه، امامت منصب الهی جهت تبیین شریعت آسمانی برای مردم و هدایت ایشان در مسیرهای ایمن تحت نظارت شخص معصوم- که اطاعتش واجب است- می‌باشد<sup>۷</sup> که ممکن است مانند حضرت ابراهیم<sup>۸</sup> و حضرت محمد صلی الله علیه و آله با مقام نبوت نیز همراه باشد و یا مانند امامان دوازده‌گانه شیعه علیهم السلام با نبوت همراه نباشد.<sup>۹</sup>

مقام امامت دارای ابعاد مهمی چون «برگزیده شدن توسط خداوند»، «استمرار رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»، «کمالات علمی و اخلاقی»، «حق ولایت و حکومت بر مردم»، «وجوب حب و مودت خاص نسبت به ایشان» و «نقش هدایت‌گری امام به عنوان انسان کامل» است.<sup>۱۰</sup>

۱. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، *امام شناسی*، ج ۵، ص ۱۱۴.

۲. سبحانی، جعفر، *راهنمای حقیقت*، ص ۱۱۴.

۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، ج ۸، ص ۴۲۹.

۵. فیومی، أحمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، ج ۲، ص ۲۳.

۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۸۷.

۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *شرح أصول الکافی*، ج ۱، ص ۸۰.

۸. بقره/۱۲۴.

۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *شرح أصول الکافی*، ج ۱، ص ۸۰.

۱۰. حکیم، سید محمد باقر، *الإمامة و أهل البيت (علیهم السلام) النظرية و الاستدلال*، صص ۲۴-۲۶.

## ۵.۷.۱. غیبت امام

واژه‌ی «غیبت» از ریشه «غیب» و در لغت به معنای پنهان شدن است.<sup>۱</sup> امام زمان (علیه السلام) به دلایل خاصی - که در کتب اعتقادی ذکر شده است و خارج از بحث ما می‌باشد - از نظرها پنهان شده‌اند و لقب امام غائب گرفته‌اند. به نظر نگارنده با توجه به آنکه بحث امام غایب به عنوان مبنای این پایان نامه است، ضروری است تا مفهوم غیبت با تبیین بیشتری ارائه و بررسی گردد.

از روزی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله به امر خدای متعال، دعوت خود را به مردم ابلاغ نمود، پیوسته گوشزد می‌نمود که دین مقدس اسلام مردم را با حق آشنا ساخته و آنها را به سوی کمال هدایت می‌نماید و در نهایت آخرین امام از جانشینان معصومش بساط عدل و داد را در دنیای بشریت گسترده و همه فسادها و حق کشی‌ها و ناروایی‌ها را از سطح جهان انسانی دور می‌گرداند تا جائی که با کمال صراحت این فرمایش خدای متعال را اعلام فرمود:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۲</sup>

و همچنین فرمودند:

﴿أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ بِيَعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِكْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ﴾<sup>۳</sup>

«به شما بشارت می‌دهم که مهدی در حالتی مبعوث می‌شود [قیام می‌کند] که مردم در حال اختلاف و تزلزل هستند. زمین را چنان که از جور پر شده، آن‌چنان مملو از عدل و قسط می‌کند که ساکنان اهل آسمان و زمین از او راضی می‌شوند.»

از این رو پیروی بشارت‌های فراوان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره مهدی موعود، مسلمانان و کسانی که از مکتب اسلام آگاهی پیدا می‌کردند از دیرباز تا به امروز، در انتظار چنین روزی به سر برده و می‌برند؛ لذا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در مواقع حساس چنین سوالاتی می‌شد که چه روز و با چه شرایطی عدل الهی در جهان بشریت حکومت

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۴، ص ۴۵۴.

۲. «و ما می‌خواهیم که بر آنان که در زمین ناتوان شمرده شده‌اند منت گذاریم و آنان را پیشوا گردانیم و آنان را وارشان (روی زمین) قرار دهیم.» (القصص/۵)

۳. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة للطوسی، ص ۱۷۸.

می‌کند. طبیعتاً هر چه از عمر اسلام می‌گذشت و هر میزان که ظلم و ستم ستمگران فزونی می‌یافت این پرسش‌ها بیشتر و بیشتر می‌شد تا حدی که مومن را دچار وسوسه و شبهه می‌نمود. به همین جهت رسول بزرگوار اسلام در تمام مراحل و جانشینان معصوم آن حضرت هر یک به نوبه‌ی خود موضوع غیبت را مطرح نموده و با بیاناتی سازنده و تشبیهاتی آموزنده مطالب مربوطه را بیان می‌فرمودند و با فرمایشات نورانی خود غبار تردید از دل‌های مومنان می‌زدودند.

- امامان معصوم در تفسیر تعدادی از آیات، به غیبت امام اشاره کرده‌اند که برای رعایت اختصار به ذکر دو نمونه اکتفا می‌گردد:

۱. در تفسیر آیه شریفه ﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾<sup>۱</sup> از حضرت کاظم (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند:

«نعمت آشکار، امام ظاهر است و نعمت پنهانی امام غایب است»<sup>۲</sup>.

۲. امام صادق (علیه السلام) پیرامون معنای آیه شریفه ﴿الْم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ (البقره/۲ و ۱) فرمودند:

«مقصود از متقین، شیعه علی (علیه السلام) است و مراد از غیب، حجت غائب است و شاهد آن نیز این قول خدای تعالی است: ﴿وَيَقُولُونَ لَوْ لَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانظُرُوا إِلَيَّ مِنْ الْمُتَنظِرِينَ﴾<sup>۳</sup>»

- بحث مهمی در زمینه‌ی غیبت وجود دارد و آن اینکه رهبری و امامت حضرت مهدی (علیه السلام) در عصر غیبت چگونه انجام می‌شود؟ برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که «غیبت» در اینجا در مقابل «ظهور» است، نه «حضور». امام را «غایب» نامیده‌اند؛

۱. «آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، مسخر و رام شما کرده، و نعمت‌های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشته، و برخی از مردم‌اند که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] و بدون هیچ هدایتی و هیچ کتاب روشنی درباره خدا مجادله و ستیز می‌کنند.» (لقمان/۲۰)

۲. «النعمه الظاهره هو الإمام الظاهر و الباطنه هو الإمام الغائب» بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، ص ۳۷۶

۳. یونس/۲۰.

۴. «الْمُتَّقُونَ شیعه علی (علیه السلام) و الغیب فهو الحجة الغائب، و شاهد ذلك قوله تعالى: «می‌گویند چرا بر او آیه‌ای از جانب پروردگارش نازل نمی‌شود؟ بگو که غیب از آن خداست و در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم.» بحرانی، سید

هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۱۲۳.

زیرا ایشان از نظرها «غایب» است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد. ایشان همچون خورشید، انوار هدایت و رهبری خود را بر مسلمانان می‌تابانند. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند یا می‌بینند و نمی‌شناسند، نه این که ایشان در بین مردم حضور نداشته باشند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

«حجّت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند... به نقاط مختلف جهان می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود؛ تا این که زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی (علیه السلام) و پیروان اوست.»<sup>۱</sup>

امام عصر (علیه السلام) خود می‌فرماید:

«بهره بردن از من در عصر غیبت، مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامی که پشت ابرها باشد.»<sup>۲</sup>

همچنین جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله و سلم پرسید: «آیا شیعیان در زمان غیبت قائم از وجود مبارک او بهره‌مند می‌شوند؟» پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در پاسخ فرمود:

«ای والذی بعثنی بالنبوة انهم یستضیون بنوره و ینتفعون بولایتہ فی غیبتہ کانتفاع الناس بالشمس و ان تجلّلها سحاب. یا جابر! هذا من مکنون سرّ الله و مخزون علمه، فاکتمه الا عن اهله»<sup>۳</sup>

«آری! سوگند به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت! آنان در غیبت او، از نورش روشنایی می‌گیرند و از ولایت او، بهره‌مند می‌شوند؛ همانند بهره‌مندی مردم از خورشید؛ اگرچه ابرها چهره آن را بپوشانند. ای جابر! این از اسرار پوشیده خداوند و از علوم ذخیره شده او است. آن را مخفی کن، مگر از اهلش.»

این پنهان بودن در پشت ابر ناشی از عدم شایستگی انسان‌ها در بهره‌مندی از رهبری ظاهری ایشان است. آری، بخش اصلی رهبری امام مربوط به ولایت معنوی است. ایشان که به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، به صورت‌های مختلف، افراد مستعد و به ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی برای رشد و تعالی برخوردار می‌سازد. امام عصر (علیه السلام)

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، ص ۱۴۴.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳. صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.

السلام) در نامه‌ای به شیخ مفید، از علمای بزرگ اسلام، تأکید دارند که ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند.

ایشان در ادامه همین نامه می‌فرماید:

«ما در رسیدگی [به شما] و سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند.»<sup>۱</sup>

از این نامه در می‌یابیم که لطف و محبت امام همواره وجود دارد تا جایی که اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه‌های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد. در حقیقت، هم اکنون نیز امام عصر(علیه السلام) سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علما، دستگیری از درماندگان، شفای بیماران و دعا برای مؤمنان، نمونه‌هایی از این دستگیری‌هاست. چه بسیارند افرادی که از یاری آن حضرت برخوردار می‌شوند؛ بدون آن که ایشان را بشناسند. آن حضرت گرچه در زمان غیبت تصرفی آشکار در زعامت سیاسی و هدایت مردم ندارند، دارای بقیه شئون و اختیارات خود هستند و برکات وجودی شان به شیعیان، که به همه اهل زمین می‌رسد.

بنابراین، دوره غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر نیست بلکه رهبری حقیقی شیعیان هم اکنون نیز با ایشان است. اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند. اگر شب عالم را فراگیرد و خورشید هیچ گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.

### ۱.۶.۷.۱. اَمّت

واژه‌ی اَمّت از نظر لغوی از ریشه‌ی «أم» به معنای قصد مستقیم و عزم پایدار یا پابرجاست. از نظر اصطلاح نیز اَمّت، هر جماعتی است که چیزی مثل دین یا زمان یا مکان، آنها را جمع کند.<sup>۲</sup>

۱. «إِنَّا غَيْرُ مُهْجِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» طبرسی، احمد بن علی،

الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۳۵.

قابل ذکر است چون شیعیان از ائمت اسلام، به وجود حی و زنده‌ی امام زمان علیه السلام معتقدند، بیشترین مراجعاتی که به امام زمان علیه السلام در دوران غیبت می‌شود از سوی آنهاست. از این رو، جلوه‌های محبت و هدایت آن حضرت، بیشتر بر آنان متجلی می‌شود و کمتر پیش آمده که اهل عامه به حضرت مراجعه و توجه نمایند. در عین حال تعداد معدودی از آنان که به امام غائب مراجعه نمودند، مشمول توجه و هدایت آن حضرت شدند که به عنوان نمونه می‌توان از تشریف شیخ حسن عراقی نام برد که از علمای عامه بوده است و بعد از توجه نمودن به آن حضرت، خدمت ایشان مشرف می‌شود و حضرت، عبادات و اذکار مهمی را به وی می‌آموزد.<sup>۱</sup>

۱. شایان ذکر است این تشریف را عارف مشهور عامه، شیخ عبدالوهاب شعرانی - بدون واسطه از شیخ حسن عراقی - در کتاب «لواقح الانوار» (شعرانی، عبدالوهاب بن احمد، *لواقح الانوار القدسیة فی بیان العهود المحمدیة*، ج ۲، ص ۱۳۹) بیان می‌نماید.

## فصل دوم:

# جلوه‌های محبت امام غائب بر امت

## درآمد

بدون شک از جمله جنبه‌های ارتباطی میان رهبر یک ملت و مردم خود، رفتار عاطفی است و این امر در خصوص رهبران الهی و مردم، دوچندان بوده و نمود بارزتری پیدا می‌کند. بر این مبنای یکی از جنبه‌های ارتباطی امام غائب، محبت ایشان نسبت به مردم است که در جلوه‌های مختلفی تجلی پیدا کرده است.

بدیهی است که امام غائب به همه‌ی امت نظر محبت دارد، اما ظرفیت افراد در دریافت محبت از سوی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز نقش قابل تاملی دارد، بدین‌رو در فصل حاضر به بررسی برجسته‌ترین جلوه‌های محبت امام زمان در دو قالب نسبت به بزرگان دین و نسبت به عموم مردم پرداخته خواهد شد.

## ۱.۲. جایگاه محبت در دین

محبت در دین الهی جایگاهی بس مهم و اساسی دارد.

در قرآن کریم ۱۱۵ مرتبه لفظ "حب" و مشتقات آن به کار برده شده است و یک مرتبه کلمه‌ی محبت آمده است.<sup>۱</sup> به جهت اختصار فقط به بیان دو نمونه از آیات قرآن اکتفا می‌نماییم:

خدای متعال فرموده است:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾<sup>۲</sup>

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ

۱. طه/۳۹

۲. «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناہانتان را ببخشد و خدا آمرزنده

مهربان است.» آل عمران/۳۱.



ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ<sup>۱</sup>

گنجینه بی انتهای روایات نیز سرشار از بحث محبت در ابعاد گوناگون آن است تا اندازه‌ای که احادیث در این زمینه به آسانی قابل شمارش نیست.

از ائمه‌ی هدی روایاتی رسیده که محبت را زیربنای دین معرفی فرموده اند. به گونه‌ای که در بعضی روایات، دین جز محبت معرفی نشده است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند:

«آیا دین چیزی جز حب و دوست داشتن است؟...»<sup>۲</sup>

در جایی دیگر در پاسخ به این سوال می‌فرماید:

«دین همان محبت است و محبت همان دین است.»<sup>۳</sup>

ولی آنچه از بررسی آن‌ها به دست می‌آید جایگاه محوری محبت در دین الهی می‌باشد.

## ۲.۲. تبیین محبت امام غائب نسبت به امت

امامی که می‌خواهد برای بشریت راه هدایت را رهنمون باشد، در درجه اول باید نسبت به مردم محبت والا و عمیقی داشته باشد؛ به گونه‌ای که اینگونه نباشد که اگر مردم از امام و شئونات والا و مقامات شامخ وی غافل شدند، او نیز چنین کند و مردم و هدایت آن عده‌ای که خواهان هدایت نیستند را رها کند، بلکه این محبت مانع مقابله به مثل با مردم شود.

این است که در حدیث صحیح السنند و معروف امام رضا علیه السلام درباره‌ی ویژگی‌های امام معصوم آمده است:

«امام رفیق مونس، پدر دلسوز و (از جهت تکیه گاه بودن هم چون) برادر تنی و مادر دلسوز

۱. «بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب میکنند، و آنها را همچون خدا دوست میدارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهاشان)، شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند)، هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست، و خدا دارای مجازات شدید است، (نه معبودهای خیالی که از آنها می‌هراسند.» بقره/۱۶۵.

۲. «هل الدین الا الحب؟» مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷.

۳. «الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ» (برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۳).

نسبت به بچه‌ی کوچک است.<sup>۱</sup>»

در اینجا برای فهمیدن ذره‌ای از عمق محبت امام زمان علیه السلام نسبت به امت، باید به واکاوی این حدیث شریف پردازیم. امام رضا علیه السلام در این حدیث، از امام با عنوان پدر دلسوز یاد نموده‌اند و صفت دلسوزی را ضمیمهٔ پدر بودن کرده‌اند. از دیگر سو آن حضرت فرموده‌اند که امام "مانند" یک پدر دلسوز است، بلکه فرموده‌اند: امام (خود) پدر دلسوز است. یک پدر دلسوز در مقابل فرزند خود، احساس مسئولیت می‌کند و نگران اوست. پدر، بیش از آنکه به فکر راحتی خود باشد، به آسایش فرزندش می‌اندیشد. می‌کوشد تا بهترین امکانات را برای او فراهم کند و بدون هیچ چشم داشتی برای او زحمت کشیده، انتظار جبران از او ندارد، بلکه از محبت به فرزند خود، لذت می‌برد.

پدر با دیدن آسایش و موفقیت فرزندش خوشحال می‌شود و خود، احساس سعادت می‌کند. چه بسا لذتی که او از خوشی فرزندش می‌برد، بیشتر از خود فرزند باشد. در مقابل، اگر یک بیماری یا مشکلی برای فرزند به وجود آید، حقیقتاً آن را مشکل خودش می‌داند. بلکه بیمار شدن فرزند، به اندازهٔ بیماری خودش و یا حتی بیشتر از آن، باعث ناراحتی‌اش می‌شود. به خصوص اگر فرزند کوچک و ضعیف باشد، در مقابل ناراحتی او چه بسا بی‌تاب شود و حتی وقتی فرزندش بزرگ می‌شود و به مرحلهٔ تشکیل خانواده می‌رسد، باز هم با نگرانی نسبت به او احساس مسئولیت می‌کند. لطف و محبت و دلسوزی پدران‌هی امام بر سر شیعیان سایه افکنده است، ولی متأسفانه اغلب ایشان از این فضل الهی غافل هستند.

آن حضرت، نه تنها "پدر دلسوز" امت، بلکه پدری هستند که از عواطف و احساسات مادرانه هم برخوردار هستند. در حدیث مذکور، امام رضا علیه السلام امام را مادر نیکوکار به بچهٔ کوچک "بالولد الصغیر" معرفی فرموده‌اند. علاقه و محبت مادر نسبت به بچهٔ کوچک، بسیار روشن است و بالاترین مظهر محبت و عاطفهٔ شدید در دنیا به شمار می‌آید. بچهٔ کوچک بیش‌تر نیازمند رسیدگی و توجه است. مادری که بچهٔ کوچک دارد، پیوسته و بدون لحظه‌ای غفلت، نگران حال فرزند

۱. «الإمام الأئیس الرقیق و الوالد الشقیق و الأخ الشقیق و الأم البیة بالولد الصغیر و مفرع العباد فی الداهیة النَّاد» کلینی، محمد بن

یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

است و در صورت رسیدن کم‌ترین آسیب به او، بی‌تاب می‌شود. عاطفه مادر، حقیقتی روشن است که تا کسی مادر نباشد، نمی‌تواند عمق محبت و عاطفه او را بفهمد. ما شیعیان باید باور کنیم که محبت امام علیه السلام به ما، مجموع محبتی است که یک پدر دلسوز و یک مادر مهربان نسبت به فرزند کوچک خود دارند. علاوه بر این، ایشان "الاخ الشقیق" - برادری تنی - هم هستند.<sup>۱</sup>

اما اگر این سه نوع محبت را با هم جمع کنیم، محبت امام نسبت به آحاد امت، اینگونه و البته باز هم بالاتر است. چون مهر مادری با تمام عظمتش، حد و مرزی دارد. دلسوزی پدر نیز نهایی دارد، ولی محبت امام نسبت به امت، عمیق‌تر و ماندگارتر است، زیرا به فرموده قرآن کریم، روزی می‌آید که همین پدر و مادر مهربان از فرزندان خود فرار می‌کنند، مبدا که بخواهند حقوق خود را از آنان درخواست کنند. خدای متعال درباره‌ی روز قیامت فرموده است:

﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ \* وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ \* وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ \* لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾<sup>۲</sup>

«به این ترتیب، انسان از برادری که با جان برابر بود و همه جا به یاد او و در فکر او بود، از مادری که به او عشق می‌ورزید و پدری که سخت مورد احترام او بود، از همسری که به شدت به او محبت داشت و فرزندانی که میوه قلب و نور چشمان او محسوب می‌شدند؛ از همگی آنان فرار می‌کند و این نشان می‌دهد که هول و وحشت محشر آن قدر زیاد است که انسان را از تمام پیوندها و علائقش جدا می‌کند. در آیه بعد دلیل این فرار را بیان کرده، می‌فرماید که در آن روز، هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد. تعبیر به «یغنیه» (او را بی‌نیاز می‌سازد) کنایه ظریفی است از این حقیقت که در آن روز آن قدر انسان به خود مشغول است، که به دیگری نمی‌پردازد و حوادث بقدری شدید و هولناک است که برای اشغال تمامی فکر و قلب او کافی است.<sup>۳</sup>»

در حدیث شریفی آمده است که بعضی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت سؤال کردند که آیا در روز قیامت انسان به یاد دوست صمیمی خود می‌افتد؟ حضرت در جواب فرمودند:

«سه موقف است که هیچ کس در آنها به یاد هیچ کس نمی‌افتد: پای میزان سنجش اعمال است

۱. بنی هاشمی، سید محمد، *آفتاب در غربت*، صص ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۲۹، ۲۲۸ با تلخیص و اندکی تغییر در بعضی عبارات

۲. «در آن روز که انسان از برادر خود می‌گریزد، و از مادر و پدرش، و زن و فرزندانش؛ در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد!» (عبس/ ۳۴-۳۷).

۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۲۶، ص: ۱۵۸.

تا ببیند آیا میزانش سنگین است یا سبک؟ و بر صراط است تا ببیند آیا از آن می‌گذرد یا نه؟ و به هنگامی است که نامه‌های اعمال را به دست انسانها می‌دهند تا ببینند آن را به دست راستش می‌دهند یا دست چپ؟ این سه موقف است که در آنها کسی به فکر کسی نیست، از شدت ترس‌های بسیار بزرگی که می‌بیند، با خود مشغول است و به دیگران کاری ندارد. نه دوست صمیمی، نه یار مهربان، نه افراد نزدیک، نه دوستان مخلص، نه فرزندان، و نه پدر و مادر، و این همان است که خداوند متعال می‌فرماید: در آن روز هر کسی به قدر کافی به خود مشغول است.<sup>۱</sup>

در روز قیامت که همه در فکر خویشند، همان روزی که:

﴿يَوْمَ تَرَوْهَا تَدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾<sup>۲</sup>

زمان جوشش چشمه‌ی رافت امام و دستگیری امام از امت خویش است.

خدای متعال در قرآن کریم درباره‌ی این مهم فرموده است:

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾<sup>۳</sup>

حضرت رضاعلیه السلام به نقل از امامان قبل از خود، از پیامبر گرامی اسلام اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده است:

«آن روز مردم به امام زمان خود و کتاب پروردگار و سنت پیامبرشان، دعوت خواهند شد.»<sup>۴</sup>

همچنین حضرت صادق علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند:

«آیا خدا را ستایش نمی‌کنید که چون قیامت فرا رسد، (خدا) هر قومی را به سوی هر کس که از

وی پیروی می‌کرده اند، فرامی‌خواند؛ پس ما را به سوی پیامبر می‌خواند و شما به سوی ما پناه برده و

۱. «ثلاثة مواطن لا يذكر أحد أحدا: عند الميزان حتى ينظر أ يتقل ميزانه أم يخف، و عند الصراط حتى ينظر أ يجوزه أم لا، و عند الصحف حتى ينظر بيمينه يأخذ الصحف أم بشماله، فهذه ثلاثة مواطن لا يذكر فيها أحد حميمه و لا حبيبه و لا قريبه و لا صديقه و لا نبيه و لا والديه، و ذلك قول الله تعالى: لِكُلِّ اِمْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ، مشغول بنفسه عن غيره من شده ما يرى من الأهوال العظام» بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۸۶.

۲. «مادران شیرده، نوزادان شیرخوار خود را فراموش می‌کنند و زن آبستن، حمل خود را (از شدت ترس) سقط می‌کند.» حج/۲.

۳. «به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم، آنها که نامه عملشان به دست راستشان است آنرا (با شادی و سرور) می‌خوانند و سر سوزنی به آنها ظلم و ستم نمی‌شود.» (اسراء/۷۱)

۴. «فیه یدعی کل أناس یامام زمانهم و کتاب ربهم و سنة نبیهم بالنصوص و المعجزات» شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۱، ص ۱۶۲.

ناله می‌کنید؛ پس فکر می‌کنید شما را به کجا خواهند برد؟ آنگاه سه بار فرمود: سوگند به کردگار کعبه به بهشت»<sup>۱</sup>

بنابراین جنس محبت امام زمان علیه السلام نسبت به امت، با جنس محبت‌های دیگر متفاوت است و اگر امام رضا علیه السلام، امام را مادری مهربان نسبت به فرزند خردسال خود معرفی می‌نمایند، تمثیلی است از آنچه برای ما نمونه گویای محبت و دوستی است، و گرنه احساس و محبت الهی امام، به نسبت بیکرانگی و عظمت روح امام، قابل توصیف نیست<sup>۲</sup>، چنانکه امام رضا علیه السلام در ادامه همین حدیث اشاره می‌کنند:

«پس کیست که بتواند امام را بشناسد یا او را انتخاب کند؟! نه، هرگز، هرگز، در وصف شأنی از شئون او و فضیلتی از فضائل او عقول به گمراهی افتاده و حیران و سرگردان مانده است، و دیدگان در مانده و ناتوان گشته و بزرگان، احساس کوچکی می‌نمایند، حکماء حیرانند، عقل عقلا کوتاه است، خطبا از خطابه باز مانده‌اند و عقلا و دانایان از درکش عاجز شده‌اند، و شعرا از شعر گفتن، ناتوان گشته‌اند و ادبا عاجز گردیده‌اند و بلیغان خسته و ناتوان شده‌اند و همگی به عجز و ناتوانی (خود) معترفند...»<sup>۳</sup>

بنابراین شناخت میزان و عمق محبت و احساس لطیف امام زمان علیه السلام نسبت به امت برای ما میسر نیست و به عبارت بهتر، معرفت به پیوند روحی حضرت مهدی علیه السلام با امت در حد فهم ذهن محدود ما نیست.

### ۳.۲. جلوه‌های محبت امام غائب به بزرگان دین

محبت امام غائب به آحاد افراد امت اسلامی متناسب با ظرفیت وجودی آنها و چگونگی ارتباط آنها با حجت زمان خویش می‌باشد. ناگفته پیداست عالمان وارسته و فقیهان دین که عمر خود را

۱. «ألا تحمدون الله إذا كان يوم القيامة فدعا كل قوم إلى من يتولونه ودعانا إلى رسول الله وفرعتم إلينا فإلى أين ترون يذهب بكم إلى الجنة و رب الكعبة قالها ثلاثا» طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۶۳.

۲. حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، ص ۲۶۹.

۳. «فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ وَ يُمَكِّنُهُ اخْتِيَارَهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ صَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَبَتِ الْخُلُومُ وَ حَارَتِ الْأَلْبَابُ وَ حَسَرَتِ الْعُيُونُ وَ تَضَاعَزَتِ الْعُظْمَاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصِرَتِ الْحُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَنْبَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأُدْبَاءُ وَ عَيَّتِ الْبَلَاءُ عَنْ وَضْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ فَأَقْرَبَتْ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ» کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

صرف فهم درست دین و ابلاغ آن به مردم می‌کنند، مورد شفقت و عنایت ویژه امام غائب علیه السلام قرار می‌گیرند، چه آنها در عصر غیبت، حجت امام زمان علیه السلام بر مردم و محل مراجعه عموم مردم هستند.

از این رو، آن امام هدایتگر به وجوه مختلف، مهر و عنایت خویش را نثار بزرگان دین می‌کنند. پاسخ به سئوال‌های علماء، تعلیم دعا به علماء، تصحیح دعای علماء، حمایت از علماء، شفای مریض‌ها از علماء، هشدار دادن به علماء، عطایای خاص حضرت به علماء و طلاب (عطای علم به علامه بحرالعلوم و در آغوش گرفتن وی و ...)، برآوردن حاجات و رفع مشکلات علماء، عیادت از علماء، شرکت در تشییع علماء و ... جلوه‌هایی از محبت آن امام همام به علماء می‌باشد که در کتب مرتبط به تفصیل به آنها پرداخته شده و حکایت‌ها و تشریفات متعدد و معتبر در این باره را ذکر نموده‌اند. برای رعایت اختصار در این مقال به ذکر برخی از معتبرترین آنها می‌پردازیم:

نمونه‌ای از این تشریفات که یکی از زیباترین جلوه‌های محبت و توجه امام زمان علیه السلام بر بزرگان شیعه است دیدار ابو محمد حسن بن وجناء<sup>۱</sup> با امام است. او که در پنجاه و چهارمین سفر حج خود، طی جریانی به دیدار حضرت مهدی علیه السلام نائل می‌شود، فرمایشات حضرت را در این ملاقات اینگونه نقل می‌نماید:

«ای حسن! تو چنین می‌پنداری که از دیدگاه من پنهانی؟ به خدا سوگند زمانی بر تو در سفر حج نگذشت مگر اینکه من با تو بودم.» ( يَا حَسَنُ أَ تَرَاكَ خَفِيْتُ عَلَيَّ وَاللَّهِ مَا مِنْ وَقْتٍ فِي حَجِّكَ إِلَّا وَأَنَا مَعَكَ فِيهِ ) سپس حضرت شروع کردند احوال مرا (در سفرهای متعدد حج) فرمودند، پس بیهوش بر صورتم افتادم. احساس کردم دستی به من خورد، سپس برخاستم. حضرت به من فرمودند: «ای حسن! در مدینه ملازم خانه جعفر بن محمد علیهما السلام باش و به فکر غذا/خوردنی و آشامیدنی و لباس نباش.

بعد دفتری به من دادند که دعاء فرج و صلوات بر آن حضرت در آن نوشته بود. سپس فرمودند: «به این کلمات دعا کن و بدینگونه بر من درود و صلوات بفرست و آن را جز به دوستان راستین من، به دیگران مده، همانا خداوند -جل جلاله- توفیق‌دهنده تو است.»

۱. از برخی کتب رجالی و تاریخی معتبر استفاده می‌شود که تعدادی از شخصیت‌های مختلف به عنوان وکیل، کارگزار و سفیر نایب سوم، با دستگاه نیابت همکاری می‌کردند که حسن بن وجناء از آنان بود.

عرض کردم: مولای من! آیا من دیگر شما را زیارت نخواهم کرد؟ فرمود: «ای حسن! هرگاه خدای تعالی بخواهد.»

وی می‌گوید: من از حج برگشتم و به خانه حضرت جعفر بن محمد علیه السلام رفته و در آنجا ماندم و جز بخاطر سه چیز از آنجا بیرون نمی‌شدم یا تجدید وضو، یا خوابیدن، یا برای افطار. به هنگام افطار که به منزل خود می‌رفتم، کوزه آب را پر آب، و گرده نانی را در کنار آن می‌دیدم که بر روی آن هرآنچه که در آن روز میل داشتم گذاشته شده بود. آن را می‌خوردم و همان مرا کفایت می‌کرد و در هر فصلی از ایام سال لباسی مناسب آن برایم آماده بود.<sup>۱</sup>

### ۱.۳.۲. یاری رساندن امام غائب به بزرگان دین

یکی از زیباترین جلوه‌های محبت و توجه ویژه‌ی امام غائب نسبت به بزرگان شیعه، نامه‌ای است که از سوی آن حضرت برای مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به وسیله شیخ محمد شریعه‌ای شوشتری (کوفی)<sup>۲</sup> ارسال شده است و برخی معاصران آن را در شمار توقیعات ذکر نموده‌اند.

مرحوم شیخ محمود حلبی خراسانی نقل می‌کند:

«که زمانی که در نجف مهمان آقا سید ابوالحسن اصفهانی<sup>۳</sup> بودم و وی در آن زمان مرجع اعلای دینی و زعیم اعظم شیعه بود. شبی با ایشان درباره حضرت ولی عصر علیه السلام سخن می‌گفتیم که پس از مدتی ایشان برخاسته و از درون قفسه‌ای که حاوی اسناد و مدارک و نامه‌های فراوانی بود پاکتی بیرون آوردند و آن را بوسیده و بر سر گذاشتند. پاکت را گرفتم پشت آن نوشته بود فرمان حضرت. وقتی نامه را باز کردم نامه‌ای را که به وسیله ثقه الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریعه‌ای شوشتری از طرف آن حضرت واصل شده بود مشاهده کردم و در آن خطاب به سید نوشته بود:

۱. صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۴۴۴.

۲. وی در عراق، به زهد و تقوا معروف بوده و متجاوز از چهل سفر به مکه مشرف شده بود، *آثار الحجّة*، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳. آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی - قدس سره - از شاگردان ملا محمد کاظم خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی بوده است و در کنار میرزا محمد تقی شیرازی در قیام علیه انگلیس شرکت داشت، لذا به ایران تبعید شد. اما پس از هشت ماه دوباره به عراق بازگشت. از ویژگی‌های ارزشمند وی کیاست و فراست و اخلاق نیکو و سجایای گرانمایه و کرامات و احسان‌های عجیبه و آثار و خدمات فراوان اوست.

خودت را در اختیار مردم بگذار و محلّ نشستن خویش را در ورودی خانه قرار بده [تا مردم سریعتر بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوایج مردم را برآور. ما تو را یاری می‌کنیم. سپس ایشان فرمودند: بر اساس این فرمان من در دهلیز خانه ام نشستم و در حد امکان حاجات شیعیان را برآورده می‌کنم. حضرت نیز به ما توجه داشته و یاریمان کرده است.<sup>۱</sup>

### ۲.۳.۲. دعای خاص امام غایب برای بزرگان دین

حضرت مهدی (علیه السلام) برای علمای دین که دین مردم را حفظ نموده و از امام خود پیروی می‌کنند، دعای ویژه می‌نماید:

«و کسانی که برای یاری دین تو، از من پیروی می‌کنند، نیرومند کن و آنان را جهادگر در راه

خودت قرارده، و بر بدخواهان من و ایشان، پیروشان گردان ...»<sup>۲</sup>

همچنین دعاهای ایشان نسبت به برخی علمای شیعه به صورت مکتوب به دست ما رسیده است که از جمله آن می‌توان به دعاهای مکرر آن حضرت نسبت به شیخ مفید اشاره نمود. آن بزرگوار در توقیعات متعدد خود به ایشان، بدین گونه این فقیه بزرگوار را مورد دعای خود قرار دادند:

«..پروردگار توفیقت را برای یاری حقّ مستدام بدارد و پاداش تو را با سخنانی که از جانب ما با صداقت می‌گوئی افزون گرداند... خداوند تو را به امداد خود بر دشمنانش که از دین او بیرون رفته‌اند، پیروز گرداند... خداوند تو را به رشد و کمال الهام بخشد و با لطف خود به رحمت و واسع‌اش توفیق دهد!..... خداوند با دیده‌ای که خواب ندارد تو را حراست فرماید.... خدا بدان سببی که به اولیای خود بخشیده تو را حفظ فرماید و از کید دشمنانش حراست نماید... خداوند با رحمت خود تو را موقّق بدارد امیدوارم خداوند همان گونه که گذشتگان از اولیای صالح ما را یاری کرد تو را با نصرت خود تأیید فرماید.»<sup>۳</sup>

۱. شیرازی، سید حسن، *کلمه الامام المهدی*، ص ۵۶۴، همچنین مرحوم آیت الله حائری به واسطه یکی از مراجع قم، و همچنین حضرت آیه الله وحید خراسانی بدون واسطه، این جریان را از خود شیخ محمد کوفی (شوشتری) نقل کرده‌اند. کربلی، حسین، *آئینه اسرار*، ص ۱۰۷.

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، ص ۳۰۲.

۳. شیرازی، حسن، *موسوعة الکلمة*، ج ۱، ص ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۰.



دعای امام مستجاب است، لذا می‌بینیم که شیخ مفید<sup>۱</sup>.. در مناظره با مخالفان بسیار موفق و همیشه پیروز بوده، در تحکیم جایگاه تشیع در جهان اسلام بسیار مؤثر بود و زندگانی ایشان سرشار از توفیقات فراوان بود. پرورش شاگردانی که در بالاترین مدارج علم و تقوا بودند مانند سید رضی، سید مرتضی و شیخ طوسی، تالیفات بسیار مهم و متعدد ایشان که بیشتر آنچه که مفسران و فقها و راویان به آن احتیاج دارند، در آنها جمع آوری شده، تنها گوشه‌ای از شخصیت والای ایشان را نشان می‌دهد. شاید خلاصه آنچه می‌توانیم درباره ایشان بگوییم همین یک جمله باشد که درباره‌ی ایشان می‌گویند: "له علی کل إمامی منة"، "ایشان بر گردن هر شیعه‌ای حق دارند."<sup>۲</sup>

## ۴.۲. جلوه‌های محبت امام غائب بر عموم مردم

جلوه‌های محبت امام غائب بر عموم مردم بدین شرح است:

### ۱.۴.۲. مهربانی امام غائب نسبت به عموم مردم

رحمت و مهربانی یکی از آثار محبت است. جمله‌ی آغازین ۱۱۳ سوره‌ی قرآن کریم به صفت رحمانیت و رحیمیت خدای متعال اشاره می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه واله که به لسان قرآن کریم<sup>۳</sup> با مومنان بسیار مهربان بودند، به عنوان رحمتی برای جهانیان مبعوث شدند<sup>۴</sup>. امامان معصوم نیز که منحصرًا جانشینان حضرتش هستند، معدن رحمت و رحمت موصوله و پیوسته هستند و عجیب نیست که اینگونه باشند؛ زیرا مظهر رحمت خدای "ذو رحمة واسعة"<sup>۵</sup> و وارثان همان "رحمة للعالمین" هستند.

در شرح عبارت "الرحمة الموصولة" در کتاب "جامعه با حرم" وجوه مختلفی ذکر شده است که به بیان زیباترین وجه آن می‌پردازیم:

« (شما اهل بیت) جمعی هستید که در مقام مظهریت رحمت و ظهور و بروز آن انقطاعی نداشته

۱. شیخ مفید در سال ۳۸۱ هجری به مرجعیت شیعیان رسید و تا سال ۴۱۳ به مدت ۳۲ سال مرجعیت شیعیان را بر عهده داشت.

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: شیرازی، حسن، *موسوعة الکلمة*، ج ۱، صص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۳. توبه/۱۲۸.

۴. انبیاء/۱۰۷.

۵. ﴿فَإِنْ كَذَّبُوكُمْ فَقُلْ رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ دُونَ رَحْمَةِ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾ (انعام/۱۴۷)

و پیوسته به یکدیگر اتصال و پیوند دارند. هر ستاره‌ای که از آسمان ولایت غروب کند کوکبی دیگر جایگزین آن می‌گردد.<sup>۱</sup> پیوسته این امر ادامه داشته و امروز رحمت موصوله؛ آن رحمت و اسعه‌ای است که از سال ۲۶۰ هجری پیوسته رحمت موصوله بوده و هست و خواهد بود.<sup>۲</sup> محبت آخرین امام از این امامان مهرپرور نسبت به امت به اندازه‌ای است که خود آن حضرت در روزگار طلایی ظهورشان می‌فرمایند:

«اگر نبود که رحمت پروردگارتان هر چیزی را فراگرفته است و من همان رحمت (فراگیر) هستم...»<sup>۳</sup>

همچنین امیرالمومنین علیه السلام درباره حضرت حجت علیه السلام فرموده‌اند:

«او گسترده‌ترین پناهگاه از شما و دارای بیشترین علم (و دانشمندترین) شماست و رحمتش از همه شما فراگیرتر است.»<sup>۴</sup>

در بین اهل بیت تعبیر «رحمة للعالمین»، به دو شخصیت اطلاق شده است: یکی پیامبر گرامی اسلام اکرم صلی الله علیه و آله و دیگری آخرین جانشین ایشان، حضرت مهدی علیه السلام. در حدیث شریف و قدسی لوح<sup>۵</sup> این تعبیر والا ذکر شده است:

«سپس آن (نعمت و نظام وجود وصی) را به وسیله‌ی فرزندش (امام زمان علیه السلام) که رحمت است برای جهانیان و دارنده کمال حضرت موسی و ابته عیسی و صبر ایوب می‌باشد، تکمیل می‌کنم»<sup>۶</sup>

۱. «کلما غاب نجم طلع نجم الی یوم القیامه» مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. همان.

۳. «فلولا أن رَحْمَةً رَبِّكُمْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ» مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۴. «أوسعكم كهفاً و أكثرکم علماً و أوسعکم رحماً» شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۱۶۰.

۵. حدیث لوح حدیثی قدسی است که بر لوح سبزی نوشته شده است و خدای متعال آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدیه داد و پیامبر آن را به حضرت زهرا سلام الله علیها دادند. در آن نام پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان ایشان و برخی خصوصیاتشان ذکر شده است. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۷؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۱۷۹.

۶. «...ثُمَّ أَكْمَلَ ذَلِكَ بِابْنِهِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ نَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ...» صدوق، علی بن حسین الإمامة و التبصرة من الحيرة، النص، ص ۱۰۵؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ص ۶۶، صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۸؛ طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ص ۱۴۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۹۳.

وجود مقدس امام زمان علیه السلام به ما هیچ گونه نیاز و احتیاجی ندارند، با این حال نسبت به ما بسیار مهربان هستند و شفقت و دلسوزی خود را از ما دریغ نمی‌نمایند. آن حضرت در یکی از تویعات شریفشان مرقوم داشته‌اند:

«اگر محبت و علاقه ما به صلاح شما، و رحم و دلسوزی نسبت به شما نبود، به جای این که با شما ارتباط داشته باشیم [و نامه‌نگاری کنیم] درباره‌ی آنچه که به آن امتحان شده‌اید....، به کار خودمان مشغول می‌شدیم.»<sup>۱</sup>

## ۲.۴.۲. نظر نمودن امام غائب با دیده‌ی رحمت و لطف

از بعضی روایات استفاده می‌شود که هرگاه القاب مبارک امام زمان علیه السلام، مخصوصاً لفظ «قائم» ذکر می‌شود باید احترام و تعظیم انجام بگیرد. این کار حتی در زمان امام صادق علیه السلام نیز معمول بوده است، وقتی از امام صادق علیه السلام عتت ایستادن به هنگام ذکر لفظ شریف «قائم» را پرسیدند در جواب فرمودند:

«زیرا ایشان غیبتی دارد بسیار طولانی و از شدت رأفتی که نسبت به دوستانش دارد به هر کسی که او را به این لقب (قائم) - که دلالت بر دولت آن حضرت و حسرت خوردن برای غربت او دارد - یاد کند، نگاه (محبت آمیز) می‌کند و از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که بنده‌ی خاضع در مقابل صاحب خود - هنگامی که مولای باجلالت او با دیدگان شریفش به سوی او می‌نگرد - از جای برخیزد. پس باید بایستد و از خداوند - جل ذکره - تعجیل فرج او را مسالت نماید.»<sup>۲</sup>

شدت رفت امام زمان علیه السلام نسبت به دوستانش به اندازه‌ای است که به هر کسی که ایشان را با این لقب صدا کند، نظر رفت می‌نماید. مرحوم صدر الاسلام همدانی در این باره فرموده است:

۱. «لَوْ لَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَ رَحْمَتِكُمْ وَ الْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مَخَاطِبِكُمْ فِي شُغْلٍ...» طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، ص ۲۸۶.

۲. «لأنَّ له غيبة طولانية، و من شدة الرأفة إلى أحبته ينظر إلى كل من يذكره بهذا اللقب المشعر بدولته و الحسرة بغيبته، و من تعظيمه أن يقوم العبد الخاضع لصاحبه عند نظر المولى الجليل إليه بعينه الشريفة، فليقم و ليطلب من الله جل ذكره تعجیل فرجه» یزدی حایری، علی، الإنزام الناصب فی إثبات المحجة الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۱، ص ۲۴۹؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۲۶.

«این مطلب، خود از خصائص آن وجود مقدس مبارک است که هر کس در هر مکانی و در هر مجلس و محفلی که باشد، چه در خشکی باشد یا دریا، چه انسان نیکوکاری باشد یا فاجر، (وقتی) اسم مبارک آن حضرت را ببرد، به خصوص اسم "قائم" را، منظور نظر و محل توجه مخصوص آن حضرت می‌شود. اگرچه تمام اشیاء نزد آن وجود مبارک حاضر و به آنها ناظر است و تمام کائنات نزد آن وجود مقدس مانند دره‌می است در کف دست و این مطلب و صفت، کمترین صفتی از صفات و خصایص آن وجود مبارک است.<sup>۱</sup>»

نوع دیگر نظر نمودن آن حضرت به شیعیان و دوستانشان، عنایت و توجه و نگاه مهربانانه آن حضرت به نامه اعمال شیعیان است که در احادیث معتبر و متعدد با تعابیر مختلفی بیان شده است. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام فرمودند:

«روز پنجشنبه اعمال مردم به رسول خدا و ائمه عرضه می‌شود.<sup>۲</sup>»

### ۳.۴.۲. یاد مداوم امام غائب نسبت به عموم مردم

اساس فلسفه‌ی وجودی امام، هدایت مردم و همراهی آنان در مسیر رسیدن به کمال است و این مهم انجام نمی‌پذیرد مگر آن که امام نسبت به اوضاع و شرایط جامعه و مردم آگاهی کامل داشته باشد. امیر المومنین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما غایب نیست.»<sup>۳</sup>

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز می‌خوانیم:

«دنیا (آسمان و زمین) در نزد امام چون پاره گردویی حاضر و نمایان است؛ پس هیچ چیز از آن از نظر او پنهان نیست.»<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام در خصوص امام زمان علیه السلام حدیث مهمی را ذکر فرموده اند:

«هنگامی که امر امامت به صاحب این امر منتهی شود، خداوند همه‌ی نقاط پست زمین را برای او مرتفع سازد و همه نقاط مرتفع جهان را برای او هموار نماید، تا همه کره‌ی زمین در برابر او همانند

۱. همدانی، صدرالاسلام علی اکبر، *پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الانام فی غیبه الامام علیه السلام)*، ص ۲۲۴.

۲. تعرض الأعمال یوم الخمیس علی رسول الله ص و علی الأئمة ع. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ج ۲۳، ص ۳۴۵.

۳. «لیس یغیب عنا مؤمن فی شرق الارض و لافی غربها» صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد اکرم صلی الله علیه و آله*، ص ۲۶۰.

۴. «ان الدنيا لتمثل للامام مثل فلقة الجوز فلا یعزب عنه منها شیء» مفید، محمد بن محمد، *الاختصاص*، ص ۲۱۷.

کف دست او شود. پس اگر یکی از شما مویی در کف دستش باشد، مگر ممکن است که از دیدن آن ناتوان باشد!<sup>۱</sup>

از سویی دیگر یکی از مهمترین و نقش آفرین‌ترین جلوه‌های محبت امام غائب بر امت نیز، یاد همیشگی ایشان نسبت به مسلمانان و سرپرستی و رعایت همیشگی ایشان است. امام علیه السلام با لطف و محبت پدرانه خود بر اوضاع و احوال امت، نظارت همیشگی دارد و از متن موضوعات جامعه باخبر است.

امام زمان علیه السلام در توقیع اول خود به شیخ مفید می‌فرماید:

«ما بر احوال شما کاملاً آگاهیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده و مخفی نیست.»<sup>۲</sup>

و در همان توقیع شریف فرموده اند:

«به درستی که ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی ننموده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، و اگر جز این بود، دشواریها و مصیبتها بر شما فرود می‌آمد، و دشمنان شما را ریشه کن می‌نمودند...»<sup>۳</sup>

خطاب حضرت در اینجا هر چند به شیخ مفید است ولی شامل همه شیعیان می‌شود. حضرت در اینجا با استفاده از لفظ «أنا» (گروه امامان) اهمال و کوتاهی در رعایت و سرپرستی شیعیان را از خود و سایر ائمه معصومین علیهم السلام نفی می‌نمایند.

«توضیح آن که سرپرستی خدای متعال که در امام معصوم متجلی شده است در هر زمان شامل همه مخلوقات می‌شود. به عبارت دیگر، سرپرستی امام معصوم از سرپرستی خدای متعال بوده و بخشی از رحمت گسترده الهی است. همانگونه که مردم در هر حال و شرایطی که باشند تحت عنایت و رعایت خدای مهربان هستند؛ به همانگونه تحت توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشند زیرا آن حضرت منتسب به خدای متعال می‌باشند.»<sup>۴</sup>

در اذن دخولی که علامه مجلسی برای وارد شدن به سرداب مقدس امام زمان علیه السلام و

۱. «إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورَ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلَّ مَنْخَفُضٍ مِنَ الْأَرْضِ، وَخَفِضَ لَهُ كُلَّ مَرْتَفِعٍ، حَتَّى تَكُونَ

الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ، فَايَكْفِي لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرْهَا» مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۲۱۷.

۲. «فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَبْنَائِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ» طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳. «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَتْ بِكُمْ الْأَوْءَاءُ وَ اضْطَلَمَتْكُمْ الْأَعْدَاءُ؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج

علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۴. غروی، محمد اسماعیل، المختار من کلمات الامام المهدي علیه السلام، ج ۱، صص ۳۶۵-۳۶۷.

سایر حرم‌های منور ائمه علیهم السلام روایت کرده است، عبارت معرفتی بسیار والایی را در این باره می‌خوانیم:

«ستایش ویژه خدایی است که بر ما منت نهاد به وجود حاکمانی که در جایگاه وی قرار می‌گیرند اگر خدا در جایگاهی قرار می‌یافت؛ و جز خدا معبودی نیست؛ (خدایی) که به واسطه جانشینانی که شرایع را در هر زمان نگهبانی می‌فرمایند، به ما شرافت بخشید...»<sup>۱</sup>

بر اثر توجه و عنایت ویژه‌ی امام علیه السلام بوده است که شیعیان در طول یازده قرن غیبت کبری قادر بوده‌اند در برابر دشمنان متعصب و کینه‌توز و خون‌ریز خود، استقامت ورزند و ماهیت شیعی خود را حفظ نمایند.

#### ۴.۴.۲. امام غائب؛ موجب دفع بلا

باید به یاد داشت که فرق است میان دفع و رفع؛ دفع یک نوع پیشگیری و رفع از میان بردن و زدودن است، درست مثل بیماری که به پزشک مراجعه می‌کند و دوی خود را دریافت نموده و با مصرف آن بهبود می‌یابد؛ اما دفع مانند واکنشی است برای آن که فرد دچار بیماری خاصی نشود. انسان در هر دوی اینها نیاز به وسیله‌ای دارد و یکی از مهمترین وسایل شیعیان در دفع بلاها، حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد، چنانکه آن امام رئوف در معرفی مقام خود فرموده است:

«من آخرین اوصیاء هستم و خدای تعالی به واسطه من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند»<sup>۲</sup>.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه "ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض"<sup>۳</sup>

فرمود:

"خداوند به وسیله‌ی نمازگزاران شیعه بلا را از کسانی که نماز نمی‌گذارند دفع می‌کند، زیرا اگر همه‌ی شیعیان نماز را ترک کنند، هلاک می‌شوند و خداوند به برکت آن دسته از شیعیان که زکات می‌دهند بلا را از آن دسته که نمی‌دهند دفع می‌کند و اگر همه زکات ندهند بلا بر همه نازل خواهد

۱. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ عَلَيْنَا بِحُكْمٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَّفَنَا بِأَوْصِيَاءَ يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ» مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۶.

۲. انا خاتم الأوصياء و بي يدفع الله البلاء عن أهلي و شيعتي «شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالانصوص والمعجزات، ج ۳، ص ۵۰۸؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰.

۳. و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله‌ی برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباہ می‌گردید. بقره/۲۵۱

شد و خداوند به برکت شیعیانی که حج می‌روند بلا را از شیعیانی که نمی‌روند دور می‌کند و اگر همه به حج نروند آن گاه عذاب بر همه نازل می‌گردد.<sup>۱</sup>

بنابراین از آنجایی که وجود مومن تا به این اندازه سرنوشت ساز است، پس امام غائب که دارای برکات و اثرات معنوی فراوانی است در مرتبه‌ی اولی قرار دارد.<sup>۲</sup> به درستی که اگر این جلوه‌ی مهر بی‌کران امام نبود، همگی ما در گرداب بلاها و کید دشمنان غرق می‌شدیم.<sup>۳</sup> و بسی جای اندوه است که در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه ندارند و دست یاری‌گر او را بر سر خود احساس نمی‌کنند.

همچنین آن حضرت فرموده اند:

«من برای اهل زمین موجب امنیت می‌باشم، همچنانکه ستارگان برای اهل آسمان اینگونه‌اند.»<sup>۴</sup>

ناگفته پیداست این مبحث که امام زمان علیه السلام موجب امنیت بخشی به تمام ساکنان زمین اعم از مسلمانان و غیر آنها می‌باشند، بحثی مهم و مفصل است ولی چون موضوع محوری این پژوهش نیست تنها اشاره نمودیم.

#### ۵.۴.۲. امام غائب و دادرسی ستمدیدگان

از دیگر جلوه‌های محبت امام زمان علیه السلام این است که ایشان نسبت به شیعیان و در بسیاری از موارد نسبت به غیر شیعیان نیز فریادرسی دارند و در مواقع سختی به کمک آنها می‌شتابند. لذا از جمله القاب آن امام رئوف، "الغوث" می‌باشد.<sup>۵</sup>

در زیارت آل یاسین امام را با عبارت «الغوث و الرحمة الواسعة؛ فریادرس و رحمت بی‌کران»

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۲۱

۲. آلبوغبیش، فاطمه، پایان نامه «جایگاه امام زمان در نظام تکوین با تاکید بر حدیث امان»، استاد راهنما محمد تقی دیاری بیدگلی، ۱۳۹۲، دانشگاه قم، ص ۷۲.

۳. «وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ...»

۴. «إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ التَّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ» طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۵۳.

۵. صاحب الزام الناصب فی اثبات الحجج الغائب ذیل فایده‌ی سوم که در بیان اسامی و القاب و کنیه‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد، صدمین مورد را "الغوث" و صد و چهارمین مورد را "غوث الفقراء" ذکر می‌کند (یزدی حایری، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجج الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۴۳۱). صاحب النجم الثاقب نیز "الغوث" را از القاب خاصه آن حضرت می‌داند. نوری، حسین بن محمد تقی، نجم ثاقب در احوال امام غایب (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۲۰.

مورد خطاب قرار می‌دهیم.<sup>۱</sup>

همچنین در روایت شریفی که از امیرالمومنین علیه السلام درباره کیفیت خروج سفیانی در آخرالزمان نقل شده است، پس از بیان ظلم و ستم‌های فراوان وی نسبت به شیعیان، می‌فرماید:

«پس ملائکه (از شدت ظلم‌های سفیانی) در آسمان مضطرب می‌شوند، سپس خدای عزوجل به جبرئیل امر می‌فرماید؛ پس (جبرئیل) بر دیوارهای دمشق صیحه می‌زند: «آگاه باشید فریادرس به سوی شما آمد. ای امت محمد گشایش و فرج به سوی شما آمد و او مهدی است در خارج از مکه (به سر می‌برد)، پس او را اجابت نمایید.»<sup>۲</sup>

محدث نوری در این زمینه تأکید دارد که نامگذاری خداوند بر خلفایش، مانند نام گذاردن متعارف خلایق نیست بلکه تا معنی آن اسم در شخص صدق نکند، آن اسم را برای او نمی‌گذارند. همچنین در معنای لقب "الغوث" تصریح دارد «که معنای آن فریادرس است و حقیقت معنی این لقب الهی محقق نشود مگر آن که صاحب آن دارای قوه سامعه‌ای باشد که هر کس در هر جا به هر زبان در مقام استغاثه برآید، بشنود. بلکه دارای علمی باشد که به حالات درماندگان احاطه داشته باشد که حتی بی‌استغاثه و توسل، از حال آنان آگاه باشد، چنانچه در فرمانی که برای شیخ مفید نوشتند به این مقام تصریح فرمودند (انا غیر مهملین لمراعاتکم و لانا سین لذرکم) و دارای قدرت و توانایی باشد که اگر صلاح دانست، در مانده‌ی مستغیث به زبان حال یا مقال را نجات دهد و از گرداب بلا در آورد و این مقام را شایستگی ندارد، جز کسی که دارای مقام امامت باشد و پا در بساط ولایت گذارده باشد.»<sup>۳</sup>

«وظیفه رعیت - چنان که در احوال عموم مردم می‌بینیم - آن است که در مهمات و جهت دفع دشمنانشان در هر زمان به رئیس خود مراجعه کنند، همچنان که همواره این عادت و شیوه اهل ولایت و عرفان (حقیقی) بوده است، که شکوه‌ها و حوایج خود را بر امامان خود عرضه

۱. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، ج ۲، ص ۴۹۳.

۲. «فضطرب الملائكة في السماء فيأمر الله عز وجل جبرئيل فيصيح على سور مسجد دمشق الا قد جائكم الغوث يا امة محمد قد جائكم الفرج و هو المهدي خارج مكة فأجيبوه» صافی گلپایگانی، *لطف الله، منتخب الاثر*، ج ۳، ص ۱۴۷؛ نوری، حسین بن محمد تقی، *كشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار*، ص ۱۸۰.

۳. نوری، حسین بن محمد تقی، *نجم الثاقب در احوال امام غایب (علیه السلام)*، ج ۲، ص ۸۶۷.



می‌نموده‌اند... بلکه می‌توان گفت از جمله فواید وجود امام علیه السلام و وظایف و شیوه‌ها و مناصب او - چنان که از روایات ظاهر می‌شود - کمک کردن به بیچارگان و دادرسی پناهندگان است... هرگاه در مهمات و حوائجمان روی آوردن به صاحب و مولایمان علیه السلام را ترک کنیم، از ذلت و خواری در امان نخواهیم ماند... پس وظیفه‌ی هرکسی آن است که در امور خود جز به امام زمانش پناه نبرد و هرگاه این کار را ترک کند و بر او، گرفتاری‌ها و محنت‌ها وارد گردد، از ملامت شدگان و زیانکاران است...<sup>۱</sup>»

در اینجا تنها یک مورد از هزاران مورد فریادرسی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیعیانشان در زمان غیبت کبری را بیان می‌کنیم. علامه مجلسی از ابی الوفای شیرازی روایت کرده است که گفت: "من در حبس «ابی علی الیاس» با تنگی حال اسیر بودم، برای من مشخص شد که او قصد دارد مرا بکشد. من مضطرب شدم و بنا کردم به مناجات کردن با خداوند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسل نمودم. شب جمعه که شد و از نماز فارغ شدم و خوابیدم، در خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم."

در این روای صادقه حضرت رسول صلی الله علیه و آله منصب هریک از ائمه علیهم السلام را هنگام توسل به او و این که برای کدام حاجت باید به او متوسل شد، را به وی بیان فرمودند و وقتی نوبت به توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رسد، می‌فرمایند: "أما الحجّة علیه السلام، هرگاه شمشیر به محلّ ذبح تو رسید (و حضرت به دست خود به سوی حلق اشاره فرمود) به او استغاثه بکن! به درستی که تو را درمی‌یابد، او برای هرکس که استغاثه کند، فریادرس و پناه است. پس بگو: یا مولای! یا صاحب الزمان! انا مستغیث بك."

ابو الوفا گوید:

«در خواب فریاد کردم، یا صاحب الزمان انا مستغیث بك. در این حال دیدم شخصی از آسمان فرود آمد و زیر پای او اسبی و در دست او، حربه‌ای از نور است. گفتم: ای مولای من، شرّ آن که مرا اذیت می‌کند، از من دفع کن. فرمود: کار تو را انجام دادم. چون صبح کردم، الیاس مرا خواست و

۱. اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم (علیه السلام)، ج ۲، ص ۳۲۴.

گفت: به چه کسی استغاثه کردی؟ گفتم: به آن کسی که فریادرس در ماندگان است.<sup>۱</sup>

و اینچنین با توسل به امام زمان علیه السلام از مرگ حتمی نجات پیدا می‌کند.

مرحوم نهایندی در شرح فرمایش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رویای صادقه بیان داشته است:

«مراد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این کلام، به توسل به امام عصر علیه السلام فقط در آن جایی که مؤمن به چنگ دشمنی افتاد که قصد کشتن او را نموده، اختصاص ندارد، بلکه این عبارت کنایه است از به نهایت رسیدن سختی امور، منقطع شدن اسباب، قطع امید از مخلوق و نماندن جای صبر و شکیبایی؛ چه از بلای دینی باشد یا دنیوی و چه از شر دشمن انسی باشد یا جنّی؛ چنان که از دعای مزبور نیز معلوم می‌شود. پس همانطور که تکلیف مضطرّ وامانده و بیچاره در مانده، استغاثه به آن جناب است؛ اغاثه و فریادرسی در ماندگان از مناصب الهی آن جناب خواهد بود و اگر به علت کثرت اضطراب و اضطرار، در مانده‌ی مضطرّ از استغاثه به آن جناب به زبان مقال و دعای مأثور متمکن نشود، به خاطر قابلیت اغاثه‌ی آن جناب، سؤال به لسان حال و استعداد با داشتن مقام تولّی، اقرار به ولایت و امامت، انحصار دانستن مربّی و وساطت فیض الهی در آن وجود مقدّس در ظلمات تیه غیبت، برای او کفایت می‌کند.»<sup>۲</sup>

اما از آنجا که فریادرسی امام زمان علیه السلام در دوران ظهور ایشان بسیار فراگیرتر از دوران غیبت حضرت می‌باشد، حضرت در دوران غیبت مشتاقانه و با سوز و گداز از خدای متعال تعجیل در ظهور خویش را خواستار می‌شوند. آن مهربان امام در دعای شریف «عبرات»<sup>۳</sup>، از آتش درون و انبوه رنج‌های

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۲ تا ۳۶؛ نهایندی، علی اکبر، عبقری الحسان، ج ۶، ص ۷۰۹.

۲. نهایندی، علی اکبر، عبقری الحسان، ج ۶، ص ۸۰۴.

۳. این دعای شریف را مرحوم شیخ کفعمی در کتاب «بلد الامین» (ص ۳۳۳) از حضرت مهدی علیه السلام روایت کرده است. همچنین مرحوم سید بن طاووس در کتاب «مهج الدعوات» این دعا را از دو طریق (ص ۶۰۵ و ۶۱۱) نقل کرده که اختلاف زیادی بین دو نسخه به چشم می‌خورد. مرحوم میرزا حسین نوری در کتاب «جنت الماوی» (ص ۲۲۱) از قول بعضی از بزرگان نقل کرده که این دعا از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است. اما این ادعا با متن دعا (مطابق نقل شیخ کفعمی و نسخه‌ی دوم مرحوم سید بن طاووس) سازگار نیست؛ زیرا در آن از امام صادق علیه السلام با تعبیر «مولای جعفر بن محمد الصادق» یاد شده است که نمی‌تواند به خود آن حضرت منسوب باشد. ما بدون اینکه بخواهیم درباره‌ی گوینده‌ی دعا اظهار نظر قطعی کنیم، با اعتماد به سخن مرحوم کفعمی که این دعا را از امام زمان ع دانسته و فرموده: این، دعایی بزرگ و باارزش است که از امام قائم صلوات الله علیه روایت شده است و در امور مهمّ و مشکلات بزرگ خوانده می‌شود، عبارتی از آن را بیان می‌نماییم. ر.ک: بنی هاشمی، سید محمد، سلوک منتظران، ص ۹۵.

خویش پرده برداشته و با اندوهی جانکاه و اشتیاق و انتظار وصف‌ناپذیر خود برای نجات بشریت مظلوم و در بند، با خدای متعال چنین مناجات می‌کنند:

«... خداوندا! خداوندا! کجاست؟ کجاست؟ کفایت تو (بندگانت را) که همان یاریگر مستضعفان است و کجاست؟ کجاست؟ عنایت تو که سپر هدف قرار گرفتگان بیداد روزگاران است. (این کفایت و عنایت را) ای پروردگار به من ارزانی دار! و مرا از ستمکاران رهایی بخش، به من زیان رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی.»<sup>۱</sup>

در این عبارات، حضرت، یاری همه مستضعفان و نجات همه مظلومان را - که خود در راس همه‌ی آنها هستند - از خدا درخواست کرده‌اند و روشن است که ایشان به سبب استضعاف‌ها و ظلم‌ها، چنان رنجور و گرفتار شده‌اند که تعبیر «مسنی الضر» را به کار برده‌اند<sup>۲</sup> و از خداوند نجات "خود" را طلب کرده‌اند. معلوم می‌شود که هم سختی و گرفتاری انسان‌های مظلوم و رنج دیده حقیقتاً گرفتاری امام علیه السلام است و هم نجات و خلاصی آنها فرج و نجات امام علیه السلام می‌باشد. حضرت در ادامه‌ی این دعای شریف به پیشگاه خدای متعال عرضه می‌دارند:

«ای مولای من! سرگردانی مرا در کارم و بالا و پایین شدنم را در گرفتاری ام و در آمیخته بودنم را با سوز دل و آتش سینه ام می‌بینی. پس‌ای پروردگار من، بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من‌ای پروردگارم، به شایستگی خود، فرج و گشایشی ببخش، و برایم‌ای پروردگارم، راهی به سوی بشارت و شادی بگشای...»<sup>۳</sup>

«ملاحظه می‌شود که امام علیه السلام با سوزناک‌ترین عبارات، ناراحتی‌ها و غم‌های قلبی خود را اظهار کرده‌اند. "تقلب" مطاوعه‌ی "قلب" است و "قلب" به معنای زیر و رو شدن و بالا و پایین رفتن است. گرفتاری‌های امام زمان علیه السلام در حدی است که به تعبیر خودشان، ایشان را در بدحالی، زیر و رو می‌کند و رنج‌های ایشان - که همان رنج‌ها و مصائب مظلومان و ستم‌دیدگان بلکه عمیق‌تر از آنهاست - به اندازه‌ای عمیق است که قلب مقدّسشان را به آتش کشیده و دل مبارکشانشان را سوزانده است. از همه بالاتر تعبیر "تحیر" است که به معنای سرگردانی است؛ سرگردانی در کار خودشان (فی

۱. «إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ عَصْرَةُ [نُصْرَةُ] الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْأَنْامِ وَ أَيْنَ أَيْنَ عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدِفِينَ بِجُورِ الْأَيَّامِ إِلَيَّ إِلَهِي بِهَا يَا رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ إِلَيَّ مَسْنِي الضَّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»

۲. یعنی "من" بدحال و پریشان شده‌ام.

۳. «مَوْلَايَ تَرَى تَحْيِيرِي فِي أَمْرِي وَ تَقْلِبِي فِي ضَرْيِ وَ انْطَوَايَ عَلَى حُرْقَةِ قَلْبِي وَ حَرَارَةِ صَدْرِي فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ جُدْ لِي يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَ يَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوَ الْبُشْرَى مِنْهُجًا» عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۳۳۴.

امری). کار ایشان، رسیدگی و مراقبت و نجات مظلومان و مستضعفان و مومنان است. اما این منظور به طور کامل و فراگیر فقط با اذن ظهور از جانب خداوند محقق می‌شود. امام علیه السلام در حال غیبت، شاهد و ناظر رنج‌ها و مظلومیت‌های مردم - خصوصاً شیعیان خود- هستند و از طرفی دارای مقام "قدره الله" و "ید الله" بودن می‌باشند. اما چون هنوز اجازه الهی برای ظهور حضرت - که موجب دستگیری کامل حضرت از گرفتاران می‌شود- داده نشده است و امام علیه السلام هم کاری جز با رضای پروردگار انجام نمی‌دهند، این است که آن پیشوای غائب به تحیر و سرگستگی می‌افتند و تب و تاب ایشان در انتظار اذن خدای متعال برای ظهور، روز به روز شدیدتر می‌شود.

البته همان طور که بیشتر بیان شد، امام علیه السلام در همین زمان هم به قدرت الهی خویش از بسیاری از مؤمنان که در رنج و گرفتاری به سر می‌برند، دستگیری می‌فرمایند، ولی این مقدار در مقایسه با آنچه در سطح کل دنیا می‌توانند و قرار است که انشاءالله پس از ظهور انجام دهند، آنقدر نیست که مرهمی بر غم‌های بزرگ ایشان باشد. اگر منظور از «تحیر» را در عبارت امام علیه السلام درست فهمیده باشیم، باید بگوییم که این معنا لازمه انتظار عمیق و چشم به راهی شدید امام علیه السلام نسبت به ظهور و فرج خودشان - که فرج همه عالم است - می‌باشد.<sup>۱</sup>

یکی از بارزترین و پرفروغ‌ترین صفات نیکوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، "عدالت" است، لذا به "عدل" ملقب گردیده‌اند. چنان که در دعای مروی از آن حضرت برای شب‌های ماه رمضان (معروف به دعای افتتاح) آمده است: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيِّ أَمْرِكِ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ.»<sup>۲</sup>

پروردگارا و درود بفرست بر ولی امرت که قیام کننده و امید مردم و عدل منتظر است.

همچنین در زیارت نامه‌ای از ایشان که علامه مجلسی روایت کرده، وارد شده است: «السَّلَامُ عَلَيَّ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُسْتَهْتَرِ»<sup>۳</sup>؛ سلام بر قیام کننده مورد انتظار و عدالت آشکار

در خصوصیات قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام هیچ ویژگی به اندازه «عدالت و قسط» روشنی و نما ندارد. آن قدر که در روایات، بر ویژگی عدالت گستره آن حضرت تأکید شده، بر دیگر مسائل چنین ابرامی نرفته است و این، نشان از برجستگی این مهم در سازمان مدینه فاضله اسلامی در

۱. بنی هاشمی، سید محمد، سلوک منتظران، صص ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹.

۲. مصباح الکفعمی: ۵۸۱.

۳. مجلسی، محمد باقر بت محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۹۹، باب ۷، ص ۱۰۱.

دوران ظهور دارد.<sup>۱</sup>

به بیانی دیگر ایجاد عدالت اقدام اصلی و سرلوحه‌ی همه برنامه‌های امام منجی حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>۲</sup> چنان‌که این اصل از نخستین هدف‌ها و اصلی‌ترین برنامه‌های همه پیامبران بوده است.<sup>۳</sup> از این رو حضرت مهدی علیه السلام، همواره فرج خود را - که فرج در کار اجتماعات و انسانهای ستم‌دیده است - از خدا می‌طلبد و به ظهور خود و گشایش در کار انسانها و نجات همه‌ی دربند کشیدگان و سامان یابی زندگی همه‌ی محرومان، چنین شوق و انتظاری دارد.

## ۶.۴.۲. دعای امام غائب برای عموم مردم

«دعا» در آیات و روایات از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خداوند متعال در قرآن

کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾<sup>۴</sup>

حضرت صادق علیه السلام نیز درباره اهمیت دعا فرموده‌اند:

«دعا قضا و قدر را بعد از آنکه مبرم و قطعی شده باشد، رد می‌کند؛ پس زیاد دعا کن که دعا کلید هر رحمت و رسیدن به هر حاجت است و نیل به آنچه نزد خدای عزوجل است حاصل نشود مگر به دعا و قطعاً هیچ دری بسیار کوبیده نشود جز اینکه به روی کوبنده‌اش باز شود.»<sup>۵</sup>

وقتی که این فضیلت‌ها برای دعای ما در حق خودمان وارد شده باشد، ناگفته پیداست دعای امام زمان علیه السلام درباره ما چه آثاری در حیات مادی و معنوی ما خواهد داشت. در دعای ندبه از خداوند متعال می‌خواهیم: "و هب لنا رافقه و رحمته و دعائه ما ننال به سعه من رحمتك و فوزا عندك" گویا این فراز در پی این مضمون است که رفت و رحمت و دعای امام زمان باعث رسیدن به رحمت و فلاح نزد خداوند می‌شود. آری امام باران رحمت الهی است و برای شیعیان

۱. اکبرنژاد، مهدی‌پرسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، چاپ سوم، انتشارات بوستان کتاب قم، ۱۳۸۸، ص: ۱۸۰

۲. رضوانی، علی اصغر، نظریه پردازی درباره آینده جهان، چاپ سوم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶، ص: ۹۲

۳. ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾؛ «همانا پیامبران را با نشانه‌های آشکار برانگیختیم، و با آنان کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به قسط و دادگری برخیزند». (حدید، ۲۵).

۴. (ای پیغمبر) بگو اگر دعای شما نباشد پروردگار شما به شما اعتنا نمی‌کند. «فرقان/۷۷».

۵. «الدعاء يرذ القضاء بعد ما ابرم ابراما فاكثر من الدعاء فانه مفتاح كل رحمة و نجاح كل حاجة و لا ينال ما عند الله عز و جل الا بالدعاء و انه ليس باب يكثر قرعه الا يوشك ان يفتح لصاحبه» طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۸۶.

نیازمند به دعایش چنین دعا می‌نماید، سیدبن طاووس می‌فرماید: سحرگاهی در سرداب مقدس بودم. ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا می‌کردند و عرضه می‌داشتند:

«بار خدایا، شیعیان ما از شعاع نور ما و باقی‌مانده گل ما آفریده شده‌اند. با این حال، با تکیه بر محبت و ولایت ما، گناهان بسیاری را انجام داده‌اند؛ اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با تو است، از آنها در گذر که ما نیز راضی هستیم و آنچه از گناهان آنها، در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است، به آنها بده و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در آتش خشم، جمع نفرما»<sup>۱</sup>.

به‌راستی اگر جز همین دعا، دعای دیگری از جانب آن امام در حق شیعیان صادر نشده بود، همین عبارات بر جوشندگی دریای عطوفت و کرامت این مهربان پدر بزرگوار امت، کفایت می‌نمود.

همچنین این عالم ربانی در کتاب خود "مهج الدعوات" آورده است:

در شب چهارشنبه ۲۳ ذی‌قعدة سال ۶۳۸ قمری در «سر من رأی» بودم، سحرگاهان در سرداب مطهر می‌شنیدم که آن حضرت علیه السلام در حق شیعیان خود بدین عبارت دعا می‌فرمود:

«خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق هرکسی که با تو نجوا کرده است، و به حق هرکسی که در خشکی و دریا تو را خوانده است؛ که نسبت به مردان و زنان فقیر مؤمن لطف کنی و توانگری و دارایی را روزی‌شان گردانی؛ به مردان و زنان مریض مؤمن، شفا و سلامتی ارزانی بداری؛ و به مردان و زنان مؤمن که در قید حیات هستند لطف و بزرگواریت را مرحمت کنی؛ و به مردگان مؤمن - اعم از زن و مرد - آمرزش و رحمت (گسترده‌ات) را ببخشی؛ و غریبان مؤمن را - اعم از زن و مرد - در کمال سلامتی و بهره‌مندی، به وطن‌هایشان بازگردانی؛ به حق حضرت محمد و همه آل او (این دعاها را مستجاب فرما)»<sup>۲</sup>.

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اِتِّكَالًا عَلَى حُبِّنَا وَ لَا يَبْتَأْنَ فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأُصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَ قَاصِّصْ بِهَا عَنْ حُمُسِنَا وَ أَدْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ رَحِّزْهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَغْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ» مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۲. «إِلَهِي بِحَقِّي مَنْ نَاجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَمِ وَ عَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَى عُرْبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ عَانِيِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ». ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۳۶۸؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۴۵۰.

عبارات این دعا نیز شدت عطوفت و رافت امام غائب نسبت به مؤمنان را می‌رساند و نشان می‌دهد دعای امام زمان علیه السلام در حق شیعیان بسیار فراگیر است و شامل خیر و سعادت دنیا و آخرتشان می‌شود.

حضرت در دعای دیگر خود نسبت به شیعیان نشان به درگاه الهی چنین عرضه می‌دارد:

«ای نور روشنی‌ها وای تدبیرکننده کارها، ای برانگیزاننده کسانی که در قبرها هستند، بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من و برای پیرانم از تنگناها گشایشی قرار بده و از اندوه‌ها راه نجاتی فراهم ساز و راه را برای ما گشاده گردان و از نزد خود چیزی بر ما ارزانی دار، که فرج‌ساز باشد و آنچه را که تو خود اهل آن هستی، با ما انجام بده، ای کریم.»<sup>۱</sup>

امام زمان علیه السلام حتی در نامه‌های خود به شیخ مفید، آنجا که سخن از شیعیان و دوستان خود به میان می‌آید، آنان را مورد لطف و دعای خود قرار می‌دهند. حضرت در عبارات آغازین خود به شیخ مفید مرقوم داشته‌اند:

«به ما اجازه داده شده که تو را به شرافت مکاتبه مفتخر سازیم و موظف بداریم که آنچه به تو می‌نویسیم به دوستان ما - خداوند تمامی ایشان را به طاعت خود عزیز بدارد و با حفظ و عنایات خود مشکلات آنان را برطرف فرماید - که نزد تو می‌باشند برسانی.»<sup>۲</sup>

و یا در جای دیگر تویح خود به آن جناب اینگونه در حق آنان دعا فرموده‌اند:

«چنانچه شیعیان ما - خدا به طاعت خود موقفشان بدارد - قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می‌شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، که سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان می‌رسید و اینها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت به ما می‌باشد، بنا بر این هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی‌دارد جز اخباری که از ایشان بما می‌رسد و ما را مکروه و ناراحت می‌سازد و از ایشان انتظار نداریم.»<sup>۳</sup>

۱. «یا نور النور، یا مدبّر الامور، یا باعث من فی القبور، صلّ علی محمد و آل محمد، و اجعل لی و لشیعتی من الضیق فرجاً، و من الهمّ مخرجاً، و أوسع لنا المنهج، و أطلق لنا من عندك ما یفرج، و افعّل بنا ما أنت أهله یا کریم» صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۵۴. در همین کتاب روایت شده است هر کس این دعا را اختیار کند (و بخواند) با حضرت صاحب الامر علیه السلام محشور می‌شود.

۲. شیرازی، حسن، موسوعة الکلمة، ج ۱، صص ۱۴۱، ۱۵۰.

۳. همان.

می‌دانیم که دعای امام معصوم تمام شرایط استجاب دعا را داراست، بنابراین بسیاری از بلاها به واسطه دعای حضرت از شیعیان برطرف شده است ولی شاید آنان کمتر به این لطف حضرت توجه داشته باشند. اما امام زمان (علیه السلام) در نامه خود به شیخ مفید از بلایی مهم و بزرگ سخن به میان می‌آورند و علت عدم آسیب‌پذیری شیعیان از این بلاء را دعای خود در حق آنان بر می‌شمارند.

«...برای اینکه ما پشت سر مؤمنان شایسته کردار، به وسیله نیایش و رازو نیازی که از فرمانروای

آسمان‌ها و زمین پوشیده نمی‌ماند، آنان را حفاظت و نگهداری می‌کنیم.»<sup>۱</sup>

از آنجایی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصداق واقعی آیه ۶۴ سوره نمل است، حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند: «این آیه درباره قائم آل محمد نازل شده، به خدا قسم، "مضطر" اوست که دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و او را در زمین خلیفه خود گرداند.»<sup>۲</sup> یعنی ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾

## ۷.۴.۲. همدردی امام غائب با عموم مردم

یکی از جلوه‌های مهم محبت امام عصر علیه السلام نسبت به امت که نشان از ارتباط عمیق آن امام با شیعیانشان دارد، همدردی آن بزرگوار با شیعیانشان می‌باشد.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«هیچ يك از شیعیان ما غمزه نمی‌شود مگر این که ما نیز در غم آنان غمگینیم و از شادی آنان

شادمانیم و هیچ يك از آنان در مشرق و مغرب زمین از نظر ما دور نیستند.»<sup>۳</sup>

غم و غصه‌های امت موجب غمناک شدن دل امام زمان علیه السلام می‌شود و آنقدر این ارتباط

۱. لأننا من وراء حفظهم بالدعاء الذي لا يحجب عن ملك الأرض والسماء...»

۲. نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَدَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ «وَيَكْشِفُ السُّوءَ» وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي

الأرض. علی بن ابراهیم قمی. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۹

۳. «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضْنَا لِمَرَضِهِ وَلَا اعْتَمَّ إِلَّا اعْتَمَمْنَا لِعَمِّهِ وَلَا يَفْرَحُ إِلَّا فَرَحْنَا لِفَرَحِهِ وَلَا يَغِيبُ عَنَّا أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا

أَيْنَ كَانَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ أَوْ غَرْبِهَا... مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۸.



روحي از جانب امام نسبت به شيعيان قوي است که ايشان در بيماري آنها بيمار مي‌شوند. آيا همدردی و وابستگی بين انسان‌ها از اين عميق‌تر قابل تصور است؟

از اين حديث شريف به صراحت استفاده مي‌شود که حال و روز شيعيان در هر کجا که باشند، از چشمان امامشان پنهان نيست. بنابراين هرچند شخص امام در هنگام غيبت از ديدگان شيعه پنهان است، ولي اين پنهانی، مانع آگاهی و اطلاع امام از وضعيت شيعيان نمی‌شود. لذا حضرت در هر جای زمين که به سر برند، بر جريان زندگی همه مردم نظارت دارند و نسبت به مؤمنان احساس مسئوليت خاصی می‌کنند که باعث می‌شود غم‌های آنها حضرتش را غمگين سازد.

امام صادق عليه السلام در اين زمينه فرموده‌اند:

«به خدا سوگند که من نسبت به شما، از خود شما، مهربان‌ترم.»<sup>۱</sup>

«توضیح آن که اصل «حبّ ذات» و خوددوستی که غريزي هرانسانی و انگيزه همه کارها و فعاليتهاي آدمی است، یکی از بالاترين احساس‌ها در انسانها است. در پرتو همين احساس مردمان به حیات خود ادامه می‌دهند. اما احساس امام نسبت به آحاد امت از اين احساس نیز برتر و بالاتر است.»<sup>۲</sup>

همانطور که ملاحظه می‌شود تعبير امام که با قسم به خدای متعال بیان شده است، نشانگر بالاترين درجه وابستگی روحي و قلبی بين امام و شيعيانشان می‌باشد. بنابراين با توجه به اینکه ائمه معصومين عليهم السلام در شئون امامت یکسان هستند، به يقين می‌توان گفت حضرت ولی عصر عليه السلام بیش از خود ما، نگران حال ما هستند و اگر یک گرفتاری و ناراحتی برای شيعه‌ای به وجود آید، قطعاً امام بیش از خود او گرفتار می‌شوند.

با اين اوصاف بعد و سيعی از ناراحتی‌ها و رنج‌های امام زمان عليه السلام مربوط به گرفتاری‌های شيعيان ايشان می‌شود. درست مانند یک پدر دلسوز و مادر مهربان که در گرفتاری فرزند خویش، گرفتار می‌شوند. هيچ پدر و مادر علاقمند به فرزندشان، وقتی ناراحتی‌ها و مشکلات او را

۱. «و الله لأنا ارحم بكم منكم بأنفسكم» اصفهانی، محمد تقی، مکيال المكارم در فوائد دعا برای حضرت قائم (عليه السلام)، ج ۱، ص ۹۴

و ۵۳.

۲. حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، ص ۲۷۰.

می‌بینند، نمی‌توانند نسبت به آنها بی‌تفاوت باشند؛ بلکه هر قدر فهم و درایت آنها بیشتر از فرزندشان باشد، مسائل و مشکلات او را بهتر و عمیق‌تر درک می‌کنند و لذا بیش از خود او نگران وضعیت او می‌شوند.

امام علیه السلام نیز که لطف و رحمت بیشتری از پدر و مادر نسبی نسبت به فرزندان معنوی خود (مؤمنان) دارند، هرگز خود را با مصیبت‌های ایشان بیگانه نمی‌دانند، بلکه بیش از خودشان غصه مشکلات آنها را می‌خورند. در این میان، مشکلات روحی و معنوی بیش از مشکلات مادی و دنیوی حضرتش را نگران می‌کند، چون آنها مهم‌ترند و در تباهی شخص، نقش موثری دارند.

نمونه‌هایی از این رنج‌ها را در فرمایش‌های خود حضرت می‌بینیم. در زمان غیبت صغری وقتی گروهی از شیعیان در بعضی از مسائل اساسی اعتقادی با یکدیگر به اختلاف افتادند، نامه‌ای خدمت امام عصر علیه السلام نوشتند و آن را توسط نائب اول حضرت، جناب عثمان بن سعید عمروی به خدمت ایشان ارسال کردند. حضرت در پاسخ، نامه‌ای برای آنها مرقوم فرمودند که در ابتدایش چنین آمده است:

« از تردید گروهی از شما در امر دین و شك و سرگردانی آنها در (مسئله) ولایت و امامت آگاه شدم. این موضوع ما را غمگین ساخت، به خاطر شما نه به خاطر خودمان، و متأثر شدیم برای شما نه برای خود، چون خدا با ماست و ما نیازی به دیگری نداریم»<sup>۱</sup>

حضرت در ادامه همین نامه فرموده اند:

«و اگر ما نسبت به صلاح شما محبت نداشته و نسبت به شما دلسوزی و نگرانی نداشتیم از اینکه با

شما سخن بگوییم، منصرف می‌شدیم.»<sup>۲</sup>

اگر نیاز مردم به امام و دلسوزی و شفقت ایشان نسبت به آنها نبود، امام زمان علیه السلام باب سخن گفتن را هم با مردم نمی‌گشودند. انگیزه ایشان برای معاشرت با خلق، چیزی جز نگرانی از

۱. «أَنَّه انْهَى الَى ارْتِيَابِ جَمَاعَةِ مَنْكُم فِى الدِّينِ، وَ مَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشُّكِّ وَ الْحَيْرَةِ فِى وِلَاةِ امْرِهِمْ، فَغَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَانْنَا، وَ سَأَوْنَا فِىكُمْ لَا فِينَا، ... لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا الَى غَيْرِهِ». مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، ج ۵۳، ص ۱۷۸؛ اصفهانی، محمدتقی،

*مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم (علیه السلام)*، ج ۱، ص ۵۲، «ساءنا» آمده است

۲. «وَ كَوَّلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَ رَحْمَتِكُمْ وَ الْإِشْفَاقِ عَلَیْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مَخَاطِبِكُمْ فِى شُغْلٍ». طوسی، حمد بن حسن، *الغیبة*،

وضعیت آنها و رسیدگی به حالشان نیست. شک در اعتقادات و سستی در ایمان یکی از مهم ترین اسباب نگرانی و ناراحتی امام زمان علیه السلام در این روزگار است.<sup>۱</sup> آری، این چنین شور و سوزها در احساس خدایی امام نسبت به نجات انسان وجود دارد و امام بدینسان دلسوز، یار، یاور و غمگسار سرگشتگان است.

تاریخ نمونه‌هایی از این احساس‌ها و همدردی‌ها را در دوران زندگی امامان، ثبت کرده است. امیرالمومنین علیه السلام در دوران حکومت خویش در غم انسانها به گونه‌ای می‌سوخته است که فرموده است:

«به من خبر رسیده است که مردی از آنان (لشکریان متجاوز معاویه، به فرماندهی سفیان بن عوف غامدی) بر زنی مسلمان یا در ذمه اسلام وارد می‌شده و خلخال و دستبند و گردنبد و گوشواره او را به زور می‌ستانده، و هیچ مانعی برای این کار جز گریه و زاری و ترحم خواهی نمی‌دیده است. بدین گونه آن سپاه با اموال بسیار بازگشتند، در حالی که هیچ‌یک از ایشان زخمی ندید و خونی از ایشان نریخت. اگر مسلمانی بعد از این از تأسف بمیرد، نباید سرزنش شود، بلکه سزاوار مسلمان است که از چنین غصه‌ای بمیرد.»<sup>۲</sup>

در سخن دیگری، امیرالمومنین علیه السلام، از احساس‌های ژرف و بیکرانه خود نسبت به احاد مردم پرده برمی‌دارد و می‌فرماید:

«آیا به این خرسند باشم که مرا امیر المؤمنین بخوانند، و در تلخی‌های روزگار شریک مردم نباشم.»<sup>۳</sup>

امام حسین علیه السلام نیز با چنین احساس‌ها و همدردی‌ها، با ستمگران کارزار کرد و تمام رنج‌ها را به جان خرید و سرانجام زندگی خود و یاران خود را بر سر این آرمان نهاد و «شهادت

۱. بنی هاشمی، سید محمد، سلوک منتظران، صص ۸۹-۸۶.

۲. «و لقد بلغنی ان الرجل منهم کان یدخل علی المرأة المسلمة و الاخری المعاهدة، فیتزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعائها، ما تمتنع منه الا بالاسترجاع و الاسترحام، ثم انصرفوا وافرین، ما نال رجلا منهم کلم و لا اریق لهم دم، فلو ان امرء مسلما مات من بعد هذا اسفا ما کان به ملوما، بل کان به عندی جدیرا» سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ص ۶۸؛ حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، الحیاة، ج ۲، ص ۲۵۸.

۳. «ا أقنع من نفسی بأن یقال امیر المؤمنین، و لا اشارکهم فی مکاره الدهر» دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۴.

بزرگ» را به سامان رسانید، و اسارت خاندان خویش را پذیرفت. او در این فداکاری عظیم، استواری دین خدا و نجات انسانهای مظلوم را می‌جست.

حضرت سیدالشهداء علیه السلام به درگاه الهی عرضه داشتند:

«خدایا! تو می‌دانی که قصد ما رقابت برای دست یافتن به قدرت یا زیادتخواهی مال دنیا نبود، بلکه برای آن بود که نشانه‌های دین تو را به دیگران بنمایانیم و با قدرت دست به اصلاح سرزمینها زنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات ایمن شوند.»<sup>۱</sup>

امامان ما چنین بودند و نسبت به انسانها چنین احساس‌های ژرف و شگرف داشتند. نمونه‌های فراوانی از اینگونه، در سیره پیامبر و امامان علیهم السلام آمده است. و این بدان خاطر است که انسان‌ها بندگان خدایند و امامان، اولیای خدا و اولیای خدا، بندگان خدا را دوست دارند.

امام موعود علیه السلام قلبی علوی و سرشتی حسینی در سینه دارد، و همه کفرها، جاهل‌ها، انحراف‌ها، رنجها و محرومیت‌ها را در همه‌ی اجتماعات کوچک و بزرگ بشری، می‌بیند. غم و رنج یکایک انسان‌ها را احساس می‌کند، و سعادت دور شده و رخت بر بسته از جامعه انسانی را لمس می‌کند. او میلیون‌ها انسان گرسنه را می‌نگرد، پنجه‌های اهریمنی طاغوتان مالی و سیاسی و نظامی را بر اندام بشریت مظلوم می‌بیند، دام‌ها و شبکه‌های پیچیده فساد، جنگ، انحراف و بردگی و تحمیل و ... را بر سر راه همه‌ی انسان‌ها نظاره می‌کند، وضعیت زندگی نابهنجار دوستان و پیروان خود را می‌داند، و از دشواریهای ریز و درشت آنان آگاه است. او هرروز- از آغاز دوران امامت و رهبری خود- با روحی لطیف و الهی و دیده‌ای جهان‌شمول، که چون آینه‌ای تابناک همه‌چیز و همه‌کس در آن منعکس می‌شود، به این صحنه‌های دلخراش و جانگداز می‌نگرد.

این احساس‌ها و شورها و رنج‌های حضرت مهدی علیه السلام در دعاهایی که در آن باره رسیده چنین ترسیم شده است. امام حسن عسکری علیه السلام در دعای خویش به بارگاه الهی درباره‌ی فرزند خود حضرت مهدی علیه السلام عرضه داشتند:

۱. «اللهم! انك تعلم انه لم يكن ما كان منا تنافسا في سلطان، ولا التماسا من فضول الحطام. و لكن لنرى المعالم من دينك، و نظهر الاصلاح في بلادك، و يأمن المظلومون من عبادك...» ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۲۳۹؛ حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، *الحیة*، ج ۲، ص ۴۳.

«خدایا پس همانگونه که او خود را، در راه تو، آماج (تیر) دشمنان قرار داده است ... و چه بسیار خشمهای دلخراش که برای رضای تو فرومی‌خورد، و چه غم‌ها که به جان او هجوم می‌آورد، و چه حادثه‌ها که در کنار او واقع می‌شود، و چه غصه‌های گلوگیر و فوق تحمل که عارض او می‌گردد، هنگامی که حکمی از احکام تو را می‌بیند (که به آن عمل نمی‌شود) و او (در حال غیبت) نمی‌تواند آن را تغییر دهد و چنانکه مورد محبت (و رضای) توست بر گردانند...»<sup>۱</sup>

در احادیثی زندگی امام در دوران طولانی غیبت و غم‌ها و رنج‌ها و دردهای او، به پیامبرانی چون حضرت ایوب «علی نبینا و آله و علیه السلام» همانند شده است.<sup>۲</sup>

ایوب پیامبر هفت سال شکیبایی ورزید و دردهای فراوانی را تحمل کرد، و قرآن کریم او را «صابر» خواند.<sup>۳</sup>

همچنین زندگی آن امام بزرگ از نظر تحمل مشکلات به زندگانی حضرت سیدالشهداء علیه السلام نیز همسان دانسته شده است.<sup>۴</sup> از مشکلات و دردهای طاقت‌فرسا و رنج‌های فوق حدّ طاقت بشری امام حسین علیه السلام در آن دوره از تاریخ اسلام، این بود که یکباره همه چیز دگرگون شد و همه‌ی تعالیم و اصول اسلام زیر پای حکومت‌های بیداد پایمال گردید، و عدالت نابود گشت، و می‌رفت که اسلام و کوشش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام یکباره نابود شود و اثری از آنها بر جای نماند. امام قائم علیه السلام نیز همچون جدّ بزرگوار خود با دردها و مصیبت‌های عظیمی روبرو است که پیشتر به گوشه‌ای از آنها اشاره شد.<sup>۵</sup>

۱. «اللهم فکما نصب نفسه عرضاً فیک للأبعدين ... مع ما یتجزعه فیک، من مرارات الغیظ الجارحة بمواس القلوب، و ما یعتوره من الغموم، و یفرغ علیه من احداث الخطوب، و یشرق به من الغصص الّتی لا تبتلعها الحلوک، و لا تحنو علیها الضلوع، من نظرة الی امر من امرک، و لا تناله یده بتغییره و رده الی محبتک» مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۲۳۲.

۲. اصفهانی، محمد تقی، مکمال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۱۸.

۳. «... إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» .. او را بنده‌ای صابر یافتیم. او که همواره رو به درگاه ما داشت چه نیکو بنده‌ای بود». (ص/۴۴)

۴. اصفهانی، محمد تقی، مکمال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۱۸.

۵. حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام (پژوهشی در انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام)، با اندکی تغییر صص ۲۷۱ - ۲۷۳.

## ۸.۴.۲. امام غائب و گره گشایی از مشکلات شیعیان

گاهی اوقات ظلمی از ناحیه‌ی شخص خاصی متوجه انسان نشده ولی انسان در گرفتاری و مشکل به سر می‌برد؛ مثلاً از بیماری جسمی یا روحی رنج می‌برد و یا راه را گم می‌کند لذا از ناراحتی و فشار آزرده خاطر بلکه رنجور و افسرده می‌شود.

از جمله القاب مبارک امام زمان علیه السلام «مفرج الكرب»، «مفرج الکربات» و «مزیل الهم»<sup>۱</sup> می‌باشد. «الکرب» یعنی غم شدید<sup>۲</sup> و وقتی همراه «ال» باشد، به معنای هر گونه غم و اندوه اطلاق می‌شود. بنابراین طبق این القاب شریف حضرت، ایشان هر گونه ناراحتی و غم و اندوه را از شیعیان نشان برطرف می‌نمایند و وجود نازنین ایشان برطرف کننده و محوکننده هم و غم است.

در زیارت ایشان می‌خوانیم: «خدایا درود فرست بر حجت خودت در زمین، آن آقایی که گشایش بخش دل‌ها و برطرف کننده هم و غم است»؛<sup>۳</sup>

و در روز جمعه اینگونه به ایشان سلام می‌دهیم:

«سلام بر توای نور خدایی که هدایت یافتگان به وسیله نور تو هدایت می‌شوند و فرج مؤمنان به وسیله تو حاصل خواهد شد»<sup>۴</sup>

همچنین سید بن طاووس در زیارت سرداب مقدس آورده است:

«سلام و برکات خداوند و درود و تحیات او بر مولای من صاحب الزمان ... و سلام بر امامی که گرفتاری‌های خلق را برطرف می‌کند».<sup>۵</sup>

برطرف شدن گرفتاری مردم در زمان غیبت توسط امام، لزوماً به این معنا نیست که امام در کنار شخص گرفتار حاضر می‌شوند. بلکه خیلی از مواقع ایشان مدد رسانی می‌کنند بدون اینکه خود شخصاً حاضر شوند.

۱ از بین برنده‌ی هم و غم

۲. کورانی عاملی، علی، *مفردات الراغب الاصفهانی مع ملاحظات العالمی*، ص ۶۲۴.

۳. «اللهم صلّ علی محمد حجتک فی أرضک ... و مفرج الكرب و مزیل الهم» مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

۴. «السلام علیک یا نور الله الذی یهدی به المهتدون و یفرج به عن المؤمنین»؛ مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه.

۵. «سلام الله و برکاته و تحیاته و صلواته علی مولای صاحب الزمان ... و السلام علی مفرج الکربات» مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی،

*بحار الأنوار*، ج ۹۹، ص ۸۴

عالم همه در اختیار حجت خداست. امام زمان علیه السلام به اذن الله و به قدرت خدا بر همه‌ی امور جهان تصرف دارند. لذا گاهی به واسطه افراد، گرفتاری را برطرف می‌کنند. اما ناگفته پیداست که ایشان آن گشایش کامل و جهان شمول را با ظهور خویش انجام می‌دهند و اندوه را از دل تمام شیعیان می‌زدایند، این است که امام صادق علیه السلام درباره حضرتش فرموده است:

«او (حضرت مهدی علیه السلام) غم و اندوه را از شیعیانش پس از گرفتاری شدید و بلاء طولانی، وستم، برطرف می‌کند، پس خوشا به حال کسی که آن زمان را درک کند».<sup>۱</sup>

۱. «هُوَ مُفْرِجُ الْكَرْبِ عَنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ ضَرْكِكَ شَدِيدٍ وَ بَلَاءٍ طَوِيلٍ وَ جَوْرِ، فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ» صدوق، محمد بن علی،

کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۳۴.

## فصل سوم:

# جلو‌های هدایت امام غائب بر امت



## درآمد

آموزه‌های الهی گویای این است که یگانه رسالت پیامبران الهی و جانشینان آنها، هدایت مردم به سوی پروردگار است.

خداوند متعال به خاتم پیامبرانش خطاب نموده:

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در مورد این آیه فرموده است:

«رسول الله صَلَّى الله عليه و اله منذر و بیم‌دهنده است و برای هر زمانی یک هدایت‌گر از ماست که مردم را به آنچه پیامبر خدا صَلَّى الله عليه و اله آورده هدایت می‌کند. سپس هدایت‌گران بعد از او علی است، آن‌گاه اوصیای بعد از او یکی پس از دیگری.<sup>۲</sup>»

بنابراین بر اساس آیات متعدد قرآن کریم و روایات متواتر معصومین علیهم السلام در هر زمانی هدایت‌گری از جانب خدای متعال مردم را به سوی کمال سوق می‌دهد. همانطور که پیشتر گفته شد امام چه غایب باشد و چه ظاهر در نقش هدایت‌گری وی هیچ گونه خللی ایجاد نمی‌کند. در این فصل، برترین رابطه‌ی امام زمان علیه السلام و امت اسلامی مورد نظر بوده و جلوه‌های هدایت امام غایب بررسی خواهند شد. این امر هم در زمان غیبت صغری و هم غیبت کبری، نمودهای فراوانی داشته است که برجسته‌ترین آنها بررسی و تبیین خواهند شد.

---

۱. سوره رعد، آیه ۷.

۲. «رسول الله المنذر و لكلّ زمان مّنا هاد يهديهم الي ما جاء به نبيّ الله، ثمّ الهداة من بعده عليّ ثمّ الأوصياء واحدا بعد واحد» کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

### ۱.۳. جلوه‌های هدایت امام غایب بر امت در غیبت صغری

دانشمندان و محدثان درباره‌ی آغاز غیبت صغری دیدگاه متفاوتی دارند. برخی همچون شیخ مفید مبدا آن را ولادت حضرت مهدی علیه السلام سال ۲۵۵ ق می‌دانند و برخی همچون طبرسی و علامه مجلسی آغاز غیبت صغری را از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام سال ۲۶۰ ق به حساب می‌آورند.<sup>۱</sup> اما غیبت صغری با وفات سفیر چهارم، ابوالحسن علی بن محمد سمری در سال ۳۲۹ (ق) پایان می‌پذیرد.<sup>۲</sup> امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوران از راه‌های متعدد و متنوعی به راهنمایی و هدایت مردم می‌پرداختند که به بیان مهمترین آنها می‌پردازیم.

#### ۱.۱.۳. هدایت نمودن مردم با اثبات امامت خویش

اقدامات حضرت مهدی علیه السلام نسبت به هدایت کردن مردم با اثبات امامت خویش، بدین شرح است:

##### ۱.۱.۱.۳. معرفی خود به عنوان امام در توقیعات

یکی از مهمترین جلوه‌های هدایت امام زمان علیه السلام بر امت، هدایت نمودن مردم به امر امامت خودشان است زیرا شاهراه نجات یافتن از مرگ جاهلی، معرفت آن شخصیت والا مقام و اعتراف به امامت ایشان است. این است که حضرت در بعضی از توقیعات شریف خود به معرفی خودشان به عنوان امام پس از امام حسن عسکری علیه السلام می‌پرداختند که نمونه‌ای از آن را ذکر می‌نماییم.

حضرت مهدی علیه السلام در یکی از توقیعات شریف خود، نقش هدایت‌گرانه پیامبر و اهل بیت و عترت علیهم السلام را چنین یادآور شدند:

«آیا آثار و اخباری که در مورد امامان گذشته و آینده علیهم السلام برای شما آمده را نمی‌دانید؟ آیا ندیدید که خداوند چگونه برای شما پناهگاه‌هایی ایجاد فرمود تا به آن‌ها پناه برده و مأوی کنید؟ و از زمان آدم علیه السلام تا امامی که گذشته است [یعنی امام حسن عسکری علیه السلام] علامت‌هایی

۱. مفید، محمد بن محمد، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ج ۲، ص ۳۴۰؛ طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری باعلام الهدی*،

ص ۴۱۶؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، ج ۴، ص ۵۲.

۲. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، ص ۲۴۲.

گذاشت تا به واسطه آن‌ها هدایت بشوید؟ و هر وقت علم هدایتی غایب شده، از دنیا رفت، علم دیگری ظاهر شد؟ و هرگاه ستاره‌ای تاریک شد ستاره دیگری طلوع کرد؟ آن‌گاه که خداوند تبارک و تعالی او را به جوار رحمت خود برد، شما خیال کردید که خداوند دینش را باطل و اسباب و وسائط ارتباط بین خود و خلقتش را قطع کرده است؟ هرگز این گونه نیست و تا قیامت هم این اتفاق نخواهد افتاد. و امر خداوند سبحان ظاهر می‌شود، در حالی که آن‌ها [مرددین و شکاک‌ها] علاقه‌ای به این امر ندارند.<sup>۱</sup>

سپس بدین گونه به امامت خود اشاره می‌نمایند تا این امر مهم بر هیچ کس مشتبه نشود:

«امام قبلی [حضرت عسکری علیه السلام] که درگذشت به سعادت زیست و به روش پدران خود (علیهم السلام) از دنیا رفت و قدم جای قدم آنها گذاشت و وصیت و دانش او نزد ماست و جانشین و قائم مقام او از اوست و جز ستمگر گناه کار، کسی با ما در این مساله (برای جانشینی او) با ما نزاع نمی‌کند و و غیر از منکر کافر کسی مدعی جانشینی او نیست...»<sup>۲</sup>.

### ۲.۱.۱.۳. ملاقات با بعضی از خواص بزرگان شیعه

امام زمان علیه السلام چه قبل از آغاز غیبت صغری (در زمان حیات پدر بزرگوار خویش) و چه در زمان غیبت صغری با بزرگان شیعه و همچنین با عوام شیعه ملاقات داشتند که همین دیدارها بعدها توسط ملاقات کنندگان منتقل می‌شد و خود برای اثبات امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سندی زنده بود. به عنوان نمونه برای کسانی که قبل از غیبت صغری به محضر مقدس امام زمان علیه السلام شرفیاب شدند می‌توان به گروهی از برجستگان شیعه اشاره کرد که شمارشان به چهل نفر می‌رسید. آنان به محضر حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب شدند و آن حضرت فرزند گرانمایه اش مهدی علیه السلام را در آن مجلس به آنان نشان داد و به آنان فرمود:

«این امام شما بعد از من و جانشین من بر شماست از او اطاعت کنید.»<sup>۳</sup>

۱. ا و ما رأیتم کیف جعل الله لکم معاقل تأوون إليها و أعلما تهتدون بها من لدن آدم علیه السلام إلى أن ظهر الماضي عليه السلام، كلما غاب علم بدا علم، و إذا أفل نجم طلع نجم؟ فلما قبضه الله إليه ظنتم أن الله تعالى أبطل دینه و قطع السبب بينه و بين خلقه، کلا ما کان ذلك و لا یكون حتى تقوم الساعة و یظهر أمر الله سبحانه و هم کارهون. و إن الماضي عليه السلام مضى سعیدا فقیدا علی منهاج آباءه علیهم السلام حذو النعل بالنعل و فینا وصیته و علمه و من هو خلفه و من هو یسد مسده، لا ینازعنا موضعه إلا ظالم آثم و لا یدعیه دوننا إلا جاحد کافر» طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۲۸۶.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۲۸۶.

۳. «هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ» صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

همچنین از کسانی که در دوران غیبت صغری امام عصر علیه السلام را دیدند انبوه مردمی بودند که برای نماز بر پیکر حضرت عسکری علیه السلام در بیت رفیع ولایت گرد آمده بودند. آنان همگی دیدند که چگونه حضرت مهدی علیه السلام پیش آمد و جعفر را کنار زد و خود بر پیکر پاک پدرش نماز گذارد.<sup>۱</sup>

ملاقات بسیار مهم دیگر دیداری است که کاروانی از ایران با حضرت داشتند. علی بن سنان موصلی از پدرش آورده است هنگامی که سالار ما حضرت عسکری علیه السلام به ملکوت شتافت، کاروان‌هایی از قم و دیگر نقاط ایران به سامرا رسید. آنان از شهادت غمبار یازدهمین امام خویش، هنوز بی اطلاع بودند و طبق برنامه، اموال و هدایا و نامه‌هایی از دوستان خانندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آن گرامی به همراه داشتند. پس از ورود به سامرا از بیت رفیع حضرت عسکری علیه السلام پرسیدند که خبر شهادت او را دریافت داشتند.

گفتند: پس وارث او کیست؟ جاسوسان و برخی ساده اندیشان جعفر، برادر حضرت عسکری علیه السلام را نشان دادند و گفتند او اینک برای تفریح و گشت و گذار به همراه رقاصه‌ها و آوازه خوان‌ها، بر قایق سوار است و بر روی آب‌های دجله سرمست و خوش است ....

کاروانیان تعجب کردند و به یکدیگر گفتند: این کار، در شأن امام و پیشوای راستین شیعه نیست، برویم و اموال را به صاحبانش باز پس دهیم. اما محمد بن جعفر حمیری قمی گفت: نه! دوستان می‌مانیم تا او باز گردد و جریان آنگونه که هست برای ما روشن شود.

جعفر، از تفریح خویش بازگشت و کاروانیان به حضورش رسیدند و پس از درود و سلام گفتند: عالی جناب! ما از قم آمده ایم و گروهی از شیعیان نیز همراه ما هستند، برنامه این بود که گاه و بیگاه به دیدار حضرت عسکری علیه السلام مفتخر می‌شدیم و اموالی را به عنوان حقوق مالی خویش به آن حضرت تقدیم می‌کردیم، اینک نیز اموالی آورده‌ایم ...

جعفر گفت: آن اموال کجاست؟ پاسخ دادند: همراه ما می‌باشد. گفت: بیاورید! گفتند: نه! این اموال با شرایطی تقدیم می‌گردد. گفت: با چه شرطی؟

پاسخ دادند: برنامه در زمان حضرت هادی و عسکری علیهما السلام اینگونه بود که دوستان

۱. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۳۰۶.

و شیعیان اهل بیت علیهم السلام این اموال را به صورت بسته‌های کوچک جمع آوری می‌کردند، آنگاه همه را در بسته بزرگی قرار می‌دادند و آن را مهر می‌کردند و ما هنگامی که به محضر حضرت عسکری علیه السلام می‌رسیدیم، آن حضرت قبل از اینکه آنها را بنگرد به ما خبر می‌داد که کل آن بسته بزرگ حاوی چند دینار است. و آنگاه در درون آن، هر بسته‌ای از آن کیست و مشخصات و شمار هر کدام را پیش از گشودن، بیان می‌فرمود. اینک! ما با همان برنامه اموال را به شما تقدیم می‌کنیم.

جعفر برآشفت و فریاد کشید که: دروغ می‌گویید! و بر حضرت عسکری علیه السلام برادر من، ناروا می‌بندید، این علم غیب است و جز خدا آن را نمی‌داند. کاروانیان با شنیدن سخنان او، به یکدیگر نگریستند و در حیرت شدند، اما جعفر فرصت نداد و گفت: اموال را بیاورید.

آنان با درایت و شناختی که از امام و نشانه‌های امام و مقام والای امامت داشتند گفتند: عالی جناب! ما کارگزاریم و امانتدار و نماینده مردم و امانت مردم را جز طبق برنامه‌ای که به حضرت عسکری علیه السلام می‌سپردیم به شما نمی‌دهیم. اگر براستی شما امام پس از او هستید بر ما روشنگری کنید، در غیر این صورت ما امانت‌ها را به صاحبان آنها بر می‌گردانیم تا خود تصمیم بگیرند. و خانه جعفر را ترک کردند.

جعفر به دربار شتافت و بر ضد آنان شکایت برد و معتمد خلیفه عباسی که در سامرا بود کاروانیان را احضار کرد و گفت که: اموال را به جعفر بدهند. آنان گفتند: عالی جناب! ما کارگزار مردم هستیم و این اموال امانت است، به ما دستور داده اند آن را با شرایطی تحویل دهیم، با شرایطی که به حضرت عسکری علیه السلام تقدیم می‌داشتیم.

رهبر رژیم عباسی گفت: آن برنامه شما چه بود؟ گفتند: امام عسکری علیه السلام نخست پیش از تقدیم اموال به ما خبر می‌داد که مقدار آن چقدر است و دینارها و درهم‌ها چگونه اند و هر کدام از بسته‌ها از آن کیست و پس از این مراحل، ما اموال را به او تسلیم می‌نمودیم. ما در گذشته بارها به دیدار او مفتخر شده بودیم. و این بار نیز به همان نیت و طبق همان برنامه آمدیم که با رحلت غمبار آن حضرت روبرو شدیم، اینک اگر این مرد به راستی امام و جانشین حضرت عسکری علیه السلام است، باید همان دلیل آشکاری را که برادرش برای ما ارائه می‌فرمود، ارائه کند، در غیر این صورت ما ناگزیریم اموال را به صاحبانش بازگردانیم.

جعفر گفت: ای امیر مؤمنان! اینها مردمی دروغ پردازند و به برادرم دروغ می‌بندند این سخن آنان در مورد برادرم غیب است که ویژه خداست. خلیفه عباسی گفت: جعفر! اینان فرستاده و پیام رسانند و پیام رسان جز ابلاغ آشکار پیام، مسئولیت دیگری ندارد و جعفر غرق در بهت و حیرت شد و دیگر پاسخ نیافت.

کاروانیان از فرصت بهره جستند و از حاکم عباسی تقاضا کردند، مأمورانی به همراه آنان گسیل دارد تا از آنجا خارج شوند و خلیفه نیز پذیرفت اما پس از اینکه کاروانیان از شهر سامرا بیرون آمدند، بناگاه نوجوانی آراسته و بسیار خوش چهره که گویی از خدمتگذاران بیت رفیع امامت و ولایت بود سر رسید و سران کاروان را با نام و نشان صدا زد و گفت: سالارتان، حضرت مهدی علیه السلام شما را فراخوانده است، او را پاسخ دهید.

آنان پرسیدند: شما سالار ما هستید؟ گفت: معاذالله!... من خدمتگذار او هستم، بیاید تا شما را به دیدار او مفتخر سازم. کاروانیان می‌گویند: به همراه او رفتیم تا به خانه حضرت عسکری علیه السلام در آمدیم، در این هنگام دیدیم فرزندش قائم آل محمد علیه السلام سالارمان، بر تختی نشسته، چنانکه گویی پاره ماه است و بر قامت زیباییش لباس سبز رنگی است.

بر او درود گفتیم و آن گرامی پاسخ داد و آنگاه بدون اینکه ما چیزی بگوییم، شروع کرد از اموال و نامه‌ها و بسته‌ها. همه و همه را و هر آنچه به همراه داشتیم، همانگونه که حضرت عسکری علیه السلام وصف می‌فرمود، از همه خبر داد.

سپاس خدای را گفتیم و بی اختیار در برابر این موفقیت، پیشانی سجده در برابر خدای بر زمین نهادیم و به حجت خدا عرض اخلاص کردیم و امانت‌های مردم را تقدیم محضرش نمودیم. آن گرامی پذیرفت و دستور داد از آن پس حقوق مالی خویش را نه به سامرا، بلکه به بغداد ببریم. او در آنجا نماینده‌ای خواهد گزید و بوسیله او نامه‌های مردم را پاسخ خواهد داد. تصمیم به خداحافظی گرفتیم که آن حضرت مقداری حنوط و یک کفن به محمد بن جعفر قمی عنایت کرد و فرمود: «خداوند، پاداش تو را زیاد گرداند.» و این کنایه از این بود که بزودی به سرای باقی خواهی شتافت، اما مورد آموزش خواهی بود و شگفتا که در راه بازگشت، به گردنه همدان نرسیده بودیم که محمد بن جعفر قمی، دار فانی را وداع گفت. پس از آن تاریخ نیز همانگونه که حضرت مهدی علیه السلام فرموده بود، اموال به بغداد می‌رفت و به نمایندگان آن حضرت تقدیم می‌شد و

آنان نیز نامه‌ها و نشانه‌هایی از دوازدهمین امام نور را برای دوستداران و شیعیان او می‌آوردند. مرحوم صدوق در کتاب ارزشمند خود (اکمال الدین)، پس از ترسیم این روایت می‌نویسد:

«این روایت، نشانگر این واقعیت است که خلیفه غاصب عباسی هم از مقام شامخ امامت و ولایت آگاه بود و هم از شخصیت و جایگاه رفیع آن، به همین جهت از کاروانیان دست برداشت و به آنان فشار نیاورد تا اموال را به جعفر تسلیم نمایند، زیرا او بر این اندیشه پلید بود که مسأله امامت و جانشینی حضرت علیه السلام مخفی بماند و به دست فراموشی سپرده شود تا شاید مردم به سوی فرزند گرانمایه‌اش حضرت مهدی علیه السلام راه نیابند و او را نشانند.

شاهد بر این تحلیل، از جمله این است که: جعفر ۲۰ هزار دینار رشوه به سوی خلیفه برد و گفت: تقاضای من این است که مرا به جانشینی برادرم نصب فرمایید که او با صراحت گفت: جعفر! بدان که مقام معنوی و الهی برادرت در دست ما نبود بلکه به دست خدا و از سوی او بود. ما با همه قدرت و امکانات و فشار کوشش کردیم تا موقعیت شامخ او را درهم کوبیم و او را از آن جایگاه معنوی رفیع، به زیر کشیم، اما خدا هر روز او را اوج بخشید، زیرا او جان از هواها، پاکیزه داشت و سراسر غرق در عبادت و بندگی و دانش و تقوا و پروا پیشگی و دیگر ارزش‌هایی بود که خدا به او ارزانی داشته بود. اینک! اگر تو در نظرگاه شیعیان او، این موقعیت معنوی و الهی را داری، نیازی به ما نداشته باش و اگر آنچه برادرت داشت، فاقد آنی، از ما کاری ساخته نیست بیهوده خود را معطل نساز.»<sup>۱</sup>

اما با هدایتگری امام زمان علیه السلام نقشه‌های خلیفه عباسی نقش بر آب شد و بر شیعیان آن زمان و هر زمان کاملاً واضح و نمایان شد که امام و جانشین بر حق بعد از حضرت عسکری علیه السلام همان حضرت مهدی موعودی است که پیامبر اسلام بارها توصیفاتش را بیان فرموده بود.

### ۳.۱.۱.۳. کرامات یا خبر دادن از غیب

امام زمان علیه السلام در برخی توقیعات نیز با خبر دادن از غیب و امور پنهانی که در واقع از کرامات حضرت نیز شمرده می‌شوند،<sup>۲</sup> برای مردم جای هیچ گونه شک و تردیدی در امر امامت

۱. از صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، ص ۴۷۹.

۲. مرحوم شیخ طوسی - رضوان الله تعالی علیه - در الغیبه خود، توقیعات را در فصل معجزات حضرت آورده و می‌گوید: فصل و أما ظهور المعجزات الدالة علی صحته إمامته فی زمان الغیبه فهی أكثر من أن تحصی غیر أنا نذكر طرفاً منها. (فصل: اما ظهور معجزاتی که دلالت بر صحت امامت آن حضرت در عصر غیبت دارد بیش از آن است که به شمارش آید و ما فقط بخشی از آن‌ها را می‌آوریم. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، ص ۲۸۱.

خود، باقی نگذاشتند. در اینجا نمونه‌هایی از این اخبار غیبی را به اختصار بیان می‌نماییم:

### ۱.۳.۱.۱.۳. خبر وفات

محمد بن زیاد صیمری طی نامه‌ای از حضرت صاحب الزمان علیه السلام برای تیمن و تبرک، کفنی درخواست کرد، حضرت برای او نوشتند:

«شما در سال هشتاد و یکم به کفن محتاج خواهی شد.»<sup>۱</sup>

محمد بن زیاد در همان سالی که حضرت فرموده بودند از دنیا رفت و یک ماه پیش از آن کفنی از جانب حضرت برای او رسید.<sup>۲</sup>

### ۲.۳.۱.۱.۳. خبر ولادت و دعای حضرت در این باره

علی بن حسین بن بابویه نامه‌ای برای حسین بن روح نوشت و خواسته بود که نامه اش را که در آن اشتیاق خود را به داشتن فرزندی ابراز کرده بود به حضرت صاحب علیه السلام برساند. حضرت در جوابش نوشتند:

«ما برای تو این مورد را از خداوند خواستیم و دعا کردیم و به زودی دو پسر نیکوکار و خوب روزی تو خواهد کرد.»<sup>۳</sup>

چندی بعد محمد و حسین از کنیزی متولد گردیدند که هر دو فقیه و ماهر در حفظ حدیث بودند، طوری که دیگران از قدرت حفظ آنها متعجب می‌شدند. یکی از آن دو ابوجعفر (شیخ صدوق) بود که بسیار می‌گفت: من به دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام متولد شده‌ام و به این، افتخار و مباهات می‌نمود.<sup>۴</sup>

### ۳.۳.۱.۱.۳. خبر از نیت‌های پنهانی افراد

از محمد بن هارون همدانی روایت شده که گفت:

«من پانصد دینار از سهم امام بر ذمه داشتم که از این بابت ناراحت بودم. پیش خود گفتم دکان‌هایی دارم که به پانصد و سی دینار خریده‌ام، آنها را به جای پانصد دینار به امام واگذار می‌کنم

۱. «إِنَّكَ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ سَنَةَ إِحْدَى وَ ثَمَانِينَ»

۲. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، ص ۵۲۶.

۳. قَدْ دَعَوْنَا اللَّهَ لَكَ بِدَلِّكَ وَ سَتُورُكَ وَ لَدَيْنَ ذَكَرَيْنِ خَيْرَيْنِ.

۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، ج ۵۱، ص ۳۰۶.



ولی از این نیت خود با کسی سخنی نگفتم. صبح محمد بن جعفر<sup>۱</sup> را دیدم که از این نیت من خبر داد و آن را از نامه‌ای که از حضرت دریافت کرده بود می‌دانست. در آن نامه آمده بود: دکان‌ها را از محمد بن هارون در عوض پانصد دیناری که در ذمه او داریم تحویل بگیر.<sup>۲</sup>

و از همین نوع است خبر دادن از مسائل دیگری مثل خبر جنسیت مولود، خبر از اینکه هر مالی متعلق به چه کسی است و از کجا آمده، خبر از مضامین نامه‌های ننوشته، پاسخ به سوالات یا شبهات و مسائلی که گاه تنها از ذهن افراد گذشته بود و... در تمامی این خبرها، علاوه بر مضامین هدایتی هر تویق، جلوه‌ای از هدایت امام غائب بر امت در محور اثبات امامت خویش نمایان و هویدا است.

### ۳.۱.۲. امتداد شبکه ارتباطی وکالت و نمایندگان خاص

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغری به منظور هدایت مردم و حفظ ارتباط مردم با امام هدایتگر خویش، برای خود نایبان و سفیرانی ویژه به نام‌های عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمی قرار دادند. انتخاب نواب خاص از سوی آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، در واقع ادامه و توسعه‌ی فعالیت شبکه‌ی "وکالت" بود. توضیح آنکه فضای آکنده از خفقانی که در دوران حکومت بنی عباس بر جامعه اسلامی حاکم بود، پیشوایان معصوم شیعه را واداشت تا از ابزاری متفاوت جهت برقراری ارتباط با پیروان خود استفاده نمایند.

نخستین شبکه ارتباطی وکالتی وکلا از سوی امام کاظم علیه السلام شکل گرفت. از آن جهت که بسیاری از عمر شریف ایشان در زندان‌های ظالمان وقت سپری می‌شد، تاسیس و سازماندهی شبکه‌ی سری وکالت - که از طریق تعیین نمایندگان از سوی امام در مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی انجام می‌شد - ارتباط دو سویه‌ی امام و شیعیان را در تمام نقاط پوشش می‌داد. این شبکه در زمان امام هادی و امام عسکری علیهما السلام گسترش چشمگیری یافته بود و در زمان غیبت

۱. ظاهراً مقصود محمد بن جعفر ابو الحسین رازی است که در زمان سفر او می‌زیسته و توقیعات از ناحیه مقدسه حضرت به وسیله آنان

به دست او می‌رسیده و در ماه ربیع الآخر سال ۱۳۱۲ از دنیا رفته. به نقل از: حدیث نامه‌ها، ص ۸۶.

۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۳.

صغری به اوج خود رسید.

مهم‌ترین وظایف و فعالیت‌های نواب خاص عبارت بود از:

۱. پنهان نگه داشتن نام و مکان زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رفع شك و تردید درباره آن حضرت؛
  ۲. جلوگیری از تفرقه، اختلاف، فرقه‌گرایی و انشعابات شیعیان؛
  ۳. پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی مردم؛
  ۴. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت و افشا و رسوا کردن آنها؛
  ۵. اخذ و توزیع اموال متعلق به امام؛
  ۶. سازماندهی دیگر و کیلان و سفرای امام در شهرها و مناطق مختلف و ...<sup>۱</sup>.
- اینان یکی پس از دیگری، برنامه نیابت و نمایندگی از طرف امام علیه السلام را اجرا می‌کردند و تعیین آنان به دست خود امام علیه السلام بود که به وسیله توفیق مبارك آن حضرت، که در آخر عمر یکی از این نواب صادر می‌شد، نائب بعدی تعیین می‌گردید.
- البته نمایندگان حضرت در دوره غیبت صغری به این چهار نفر محدود نمی‌شدند. شیخ طوسی نیز وکلای آن حضرت را این‌گونه معرفی کرده است: عمری و پسرش، حاجز، بلالی و عطار از بغداد، عاصمی از کوفه، محمد بن ابراهیم بن مهزیار از اهواز، احمد بن اسحاق از قم، محمد بن صالح از همدان، شامی و اسدی از ری، قاسم بن العلاء از آذربایجان و محمد بن شاذان از نیشابور.<sup>۲</sup>
- نمایندگان اصلی امام، همین چهار نفر بودند و افراد دیگر، یا نماینده این چهار تن در شهرستان‌ها و بلاد بودند و یا اگر هم نماینده امام بودند، از طریق این چهار تن، امور مردم را به عرض امام می‌رساندند<sup>۳</sup> و یا به گفته سید محسن امین، سفارت این چهار تن مطلق و عام بود؛ ولی سفارت و نیابت دیگران در موارد خاص بود.<sup>۴</sup>
- در واقع تعیین شبکه و کالت و نمایندگان در غیبت صغری توسط امام علیه السلام موجب آماده

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: *زندگانی نواب خاص امام زمان (عج)*، ص ۸۴-۸۹.

۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، ج ۷، ص ۲۹۴.

۳. کارگر، رحیم، *مهدویت پیش از ظهور*، ص ۱۴۷.

۴. امین، محسن، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۲۱.

کردن اذهان عمومی برای غیبت کبری و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان‌زیستی امام علیه السلام بود، زیرا اگر امام زمان علیه السلام علیه السلام، به طور ناگهانی غیبت می‌کردند، چه بسا این مساله موجب انکار مطلق وجود حضرت و انحراف افکار عمومی می‌شد. از سوی دیگر تعیین نائبان خاص توسط حضرت در زمان غیبت صغری، یک نوع زمینه‌سازی و ایجاد آمادگی برای ارجاع دادن مردم در زمان غیبت کبری به فقهای جامع شرایط به عنوان نائبان عام بود.

جلوه‌های هدایت امام غائب در غیبت صغری از طریق این شبکه، نمود بیشتری داشت که در ذیل به بیان آنها می‌پردازیم:

### ۱.۲.۱.۳. روشنگری امام غائب درباره جریان‌های انحرافی از طریق شبکه وکالت

از مسئولیت‌های خطیر انبیاء و امامان هدایتگر، شناساندن جریان‌های انحرافی جامعه به مردم و اعلام موضع مناسب نسبت به هر یک از آنها می‌باشد، زیرا همواره هدایتگران الهی مخالفان و دشمنان زیادی داشته و دارند.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا﴾<sup>۱</sup>

خصوصاً شخصیتی همچون حضرت مهدی علیه السلام که رسالتش هدایت تمام جوامع بشری و تشکیل حکومت واحد جهانی بر پایه‌ی بنیان‌های الهی است، شمار مخالفان و دشمنانش به مراتب بیشتر بوده و قطعاً این دشمنان در جریان‌ها و فرقه‌های متنوع تر و فریبنده تری ظهور پیدا کرده و می‌کنند.

امام زمان علیه السلام در عصر غیبت صغری با بهترین و مناسب‌ترین موضع‌گیری‌ها در برابر گروه‌ها و فرقه‌های گمراه‌کننده، مردم را نسبت به ضلالت آنها آگاه می‌نمودند و با این روش گروه‌های زیادی از مردم را از سرگردانی نجات می‌دادند و به راه راستین هدایت، رهنمون می‌شدند.

۱. «و این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم و همین بس که پروردگارت راهبر و یاور توست.» فرقان/۳۱.

۱.۱.۲.۱.۳. موضع گیری امام غائب در برابر غالیان<sup>۱</sup>

«غالیان در تاریخ بشریت بسیارند، هیچ پیامبر و یا جانشین پیامبری که به دست او معجزاتی انجام گرفته، نبوده مگر اینکه عده‌ای از پیروانش چه در زندگی و چه بعد از وفاتش درباره او غلو کرده‌اند.

خداوند متعال از غلو امت یهود و نصاری در قرآن کریم چنین یاد می‌نماید:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ<sup>۲</sup>

اما این غلوه‌ها از آنجا ناشی می‌شود که مردم عموماً با همان چیزهایی که با آن سر و کار دارند مأنوسند. اگر چیزی بالاتر از آن را ببینند به اشتباه افتاده و فوراً تحت تاثیر آن قرار می‌گیرند و عموماً با چیزهایی سر و کار دارند که با نیروهای معمولی طبیعت هم صدا باشد، پس وقتی پیامبر و وصی او با نیرویی بالاتر از نیروهای معمولی طبیعت کار می‌کنند در بین دوستان آن‌ها عده‌ای پیدا می‌شوند که غلو می‌کنند و دشمنان او را به سحر یا به دیوانگی متهم می‌سازند.

ائمه علیهم السلام به عللی که شاید مهمترین آن‌ها جلب نظر مردم به سوی خود برای پذیرش احکام الهی باشد، دست به آوردن معجزه زده و گاه و بی‌گاه معجزاتی انجام می‌داده‌اند تا مردم احکامی را که رسول خدا اکرم صلی الله علیه و آله به آن‌ها نگفته یا اگر هم فرموده است به آن‌ها نرسیده، از آنان بپذیرند. خواه ناخواه ائمه علیهم السلام هم به همان گرفتاری پیامبران دچار می‌شدند به علاوه اینکه در مقابل انکار و ناباوری دشمنان و سخت‌گیری نسبت به ائمه و شیعیانشان، عده‌ای از یارانشان در نقطه‌ی مقابل قرار گرفته و در تعریف و ستایش از امامان راه غلو و زیاده‌روی را رفته‌اند. ائمه خود را بین این دو گروه «دوست غلو کننده و دشمن کینه‌توز»

۱. غالیان که از تظاهرکنندگان به اسلام هستند، کسانی‌اند که به امیرمؤمنان علیه‌السلام و امامان دیگر از نسل آن حضرت نسبت‌های خدایی دادند و آنان را به چنان فضیلتی در دین و دنیا ستودند که در آن، از اندازه بیرون رفتند و از مرز اعتدال فراتر رفتند. ر.ک: مفید، محمد بن محمد، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، ص ۱۳۱.

۲. «یهود گفتند: عزیر پسر خدا است، و نصاری گفتند: مسیح فرزند خدا است، این سخنی است که با زبان خود می‌گویند که همانند گفتار کافران پیشین است، خدا آن‌ها را بکشد، چگونه دروغ می‌گویند؟» توبه/ ۳۱.

می‌دیدند و عده‌ای اندک بودند که راه میانه را پیموده و با اطمینان از غربال تاریخ بیرون آمده و حقیقت را عارف گشته اند.<sup>۱</sup>

مقابله با اندیشه‌های غلوآمیز و روشن نمودن مرز صحیح عقاید صواب و ناصواب درباره پیشوایان دین یکی دیگر از جلوه‌های هدایت امام غائب بر امت در دوران غیبت صغری بود که در پاره‌ای از توقیعات حضرت نمایان می‌شود.

امام زمان علیه السلام در توقیعی که در جواب نامه محمد بن علی بن هلال کرخی فرستادند به روشنی موضع خویش را در برابر غالیان روشن نمودند و خط بطلان بر راه و رسم آنها کشیدند:

«ای محمد بن علی، خداوند بسی بالاتر از آن چیزهایی است که او را وصف می‌کنند، پاک و منزّه است و به حمد شایسته، ما هرگز شریکان او در علم و قدرت خداوند نیستیم، بلکه هیچ کس جز او از غیب خبردار نیست، همچنان که در کتاب محکم خود فرموده:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾<sup>۲</sup>

من و تمام اجداد نخستینم: حضرات آدم و نوح و ابراهیم و موسی و دیگر پیامبران الهی - و از آخرین، محمد رسول خدا و علی بن ابی طالب و دیگر بزرگواران از امامان گذشته - صلوات خدا بر همه آنان - تا امروز و تا آخر عمرم و پایان روزگارم همه و همه بندگان خداوند عزوجل می‌باشیم. خداوند عزوجل می‌فرماید:

﴿مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا. قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾<sup>۳</sup>

پس من خدایی را که جز او خدایی نیست به شهادت می‌گیرم - و شهادت او کافی است - و رسول او محمد - اکرم صلی الله علیه و آله - و تمام ملائکه و پیامبران و اولیای او - علیهم السلام - و نیز تو و تمام کسانی که نامه‌ام را استماع خواهند کرد، گواه می‌گیرم که من به سوی خدا و

۱. شیرازی، سید حسن، کلمه الامام المهدي عليه السلام، ص ۲۵۸.

۲. «بگو جز خدا هیچ يك از اهل آسمان و زمین از غیب خبر ندارند.» نمل / ۶۵.

۳. «و هر کس از ذکر من روی بگرداند پس معیشت و زیستی تنگ دارد و روز رستاخیز او را نابینا برانگیزانیم. گوید: پروردگارا! چرا مرا نابینا برانگیختی و حال آنکه بینا بودم؟! گوید: بدین گونه [امروز کور محشور شدی زیرا] آیات ما به تو رسید و تو آنها را به فراموشی سپردی و همچنان امروز فراموش می‌شوی.» طه / ۱۲۴-۱۲۶.

رسولش بیزاری می‌جویم از هر کس که بگوید «ما علم غیب داریم و در ملك خدا با او شریکیم»<sup>۱</sup> یا ما را در جایگاهی غیر آن جایگاهی که خدا برای ما پسندیده و برای آن آفریده است، قرار دهد یا (نسبت به ما) از آنچه برایت تفسیر کردم و در ابتدای نامه ام روشن نمودم، تجاوز کند. تمام شما را به گواهی می‌گیرم هر کسی را که ما از او اظهار برائت می‌کنیم بی‌شک خداوند و ملائکه و رسولان و اولیاء او همگی از او بیزارند.

و من توقع در این نامه را به صورت امانت بر گردن تو و هر که آن را استماع نماید نهادم که آن را از احدی از شیعیان و موالی ما کتمان و پنهان نسازد، تا این مطالب بر تمامی آنان آشکار و ظاهر گردد، شاید خداوند عزّ و جلّ (گذشته‌های) آنان را جبران فرموده و آنان به دین حقّ مراجعت کنند، و از راهی که آخرش را نمی‌دانند و به آن نخواهند رسید باز ایستند، پس هر کس نامه‌ی مرا فهمید و به آنچه که امر و نهی کردم مراجعه نکند (و به آن مقید نگردد) لعنت خدا و همه‌ی بندگان صالحی که ذکر کردم، بر او باد.<sup>۲</sup>

گروهی دیگر از غالیان آن زمان خطابه خوانده می‌شدند. توضیح آنکه ابو الخطاب محمد بن ابی زینب یکی از غالیان زمان امام صادق علیه السلام به شمار می‌رفت و در درگیری با نیروهای عباسیان همراه عده‌ای از پیروانش به قتل رسید. پیروان او خطابه خوانده می‌شدند که بسیاری از آنان، به امامت محمد بن اسماعیل قائل گردیدند و فرقه‌ای از اسماعیلیه را به وجود آوردند.

امام علیه السلام در توقیع خود به اسحاق ابن یعقوب درباره او چنین فرمودند: اما ابو الخطاب محمد بن ابی زینب اجدع، پس او و اصحاب او همه ملعون هستند، و تو با آنها که عقیده‌ی اینان را دارند، نشست و برخاست مکن. زیرا من از آنها بیزارم و پدران من هم از آنها بیزار بوده‌اند.<sup>۳</sup>

بر مبنای این توقیعات راهگشا و هدایتگر، سفیران چهارگانه نیز که از نفوذ بسیاری در بین شیعیان برخوردار بودند، در برابر غالیان اعلام موضع نموده و مردم را از گرویدن به اندیشه‌های

۱ پرواضح است که حضرت در این فراز از فرمایش خود علم غیب مطلق و مستقل از خدای متعال را از خود و دیگر امامان نفی می‌کنند.

۲. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. «وَ أَمَّا أَبُو الْخَطَّابِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي زَيْنَبِ الْأَجْدَعِ فَمَلْعُونٌ وَ أَصْحَابُهُ مَلْعُونُونَ فَلَا تُجَالِسْ أَهْلَ مَقَالَتِهِمْ فَإِنَّ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ آبَائِي مِنْهُمْ

پراء» صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ص ۴۵۸.

باطل و خرافی آنان بر حذر می‌داشتند. در اینجا معنای این حدیث نبوی در ذهن متبادر می‌شود که فرمودند: «در هر نسلی از امت من عادل‌ی از اهل بیتم وجود دارد که دین را از تحریف غالیان و ادعاهای دروغ اهل باطل و تأویل جاهلان پاس می‌دارد».<sup>۱</sup> به راستی اگر هدایت‌گری‌های دلسوزانه امام غایب علیه السلام نبود، شیعیان در آن دوران پر فتنه در ورطه‌ی ضلالت و گمراهی هلاک می‌شدند.

### ۲.۱.۲.۱.۳. روشنگری امام در برابر مَفْوضه

در اینجا جریان‌ی را بیان می‌کنیم که امام زمان علیه السلام مستقیماً و بدون واسطه‌ی شبکه‌ی وکالت به روشنگری پرداخته‌اند. این برای آن است که معلوم باشد در دوران غیبت صغری ارتباط مستقیم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم ادامه داشته است اگرچه بسیار محدود بوده است. البته این جریان طبق نظر کسانی که آغاز غیبت صغری را از تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند، در زمان غیبت صغری واقع شده است و این خود نیز نشان می‌دهد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران حیات پدر بزرگوارشان نیز غالباً دور از دیدگان مردم و شیعیان زندگی می‌کردند.

دسته‌ای از مَفْوضه<sup>۲</sup> و مقصره، کامل بن ابراهیم مدنی را به محضر امام حسن عسکری علیه السلام فرستادند. کامل بن ابراهیم در آن جلسه به محضر مبارک امام زمان علیه السلام که در آن زمان در سن طفولیت به سر می‌بردند، شرفیاب شدند.

وی کیفیت تشریف خود را چنین بیان می‌دارد:

«سلام کردم و کنار دری نشستم که پرده‌ای به آن زده بودند، بادی وزید و پرده را کنار زد و من پسر بچه‌ای را دیدم که مثل پاره‌ماه بود و سَنَسْ به نظر حدود چهار سال می‌آمد. حضرت فرمودند: ای

۱. «فی کلّ خلف من امتی عدل من اهل بیتی ینفی عن هذا الدّین تحریف الغالین و انتحال المبطلین و تأویل الجهّال...»؛ صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۲۲۱.

۲. مَفْوضه به کسانی اطلاق می‌شد که خلق، رزق، زنده کردن و میراندن را به پیامبر و ائمه (علیهم السلام) نسبت داده، معتقد بودند: خداوند همه امور عالم را به آنان واگذار کرده است. شیخ مفید، مَفْوضه را جزء غالیان می‌داند؛ اما فرقی بین آنان و غلات دیگر قائل می‌شود؛ به این که مَفْوضه، اعتراف دارند که ائمه (علیهم السلام) حادث و مخلوق اند نه قدیم، اما با این حال آنان را خالق موجودات و رازق آنان می‌دانند و مدعی اند که خداوند، فقط آنان را خلق کرد و کار خلقت جهان و همه کارهای آن را، به آنان واگذار کرد. مفید، محمد بن محمد، *تصحیح الاعتقاد*، ج ۵، صص ۱۳۳ - ۲۱۳۴.

کامل بن ابراهیم! [از نحوه صدا زدن حضرت] بدنم به لرزه آمد و بی اختیار عرض کردم: لیبک‌ای آقای من! فرمود: به نزد ولی خداوند و به در خانه‌ی حجت خدا آمده‌ای تا پرسی آیا علاوه بر آنان که مانند شما معرفت و عقیده داشته باشند کسان دیگری هم وارد بهشت می‌شوند؟ گفتم: آری! به خدا قسم، همین سؤال را داشتم. حضرت فرمود: «در آن صورت، تعداد بهشتیان، بسیار کم خواهد بود! به خدا قسم! علاوه بر آنان، گروه دیگری نیز وارد بهشت خواهند شد که به آنان "حقیه" گفته می‌شود.» پرسیدم: «آنان چه کسانی هستند؟». فرمود: «گروهی که "علی" را دوست دارند و به خاطر محبت به "علی"، قسم می‌خورند، اما حق و فضیلت او را نمی‌دانند.»<sup>۱</sup>

سپس مدتی ساکت شدند، سپس فرمودند:

نیز آمده‌ای که از اعتقاد مفوضه پرسی؟ آن‌ها دروغ می‌گویند [که ما را خدا می‌دانند و غلو می‌کنند] بلکه قلب ما ظرف مشیت خداوند است، هر زمان او بخواهد ما می‌خواهیم و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾<sup>۲</sup>

بعد پرده به حالت اولش برگشت و من نمی‌توانستم آن را کنار بزنم. امام عسکری علیه السلام نگاهی به من انداخته و با تبسم فرمودند: ای کامل! [دیگر] چرا نشسته‌ای؟ قطعاً حجت پس از من سؤالت را پاسخ داد. من هم برخاستم و خارج شدم و دیگر ایشان را زیارت نکردم.<sup>۳</sup>

منزل امام، زیر نظر مراقبان حاکم ستمگر وقت و جاسوسان بود و نشستن بیش از آن مصلحت نبود. در این حدیث شریف، امام مهدی علیه السلام در دامن پدر، در حالی که کودکی چهارساله بودند و هنوز به مقام امامت نرسیده بودند و زندگی مخفی داشتند و جز در مقابل بعضی از خواص شیعه ظاهر نمی‌شدند، به دو مسئله و شبهه‌ی مهم مذکور پاسخ می‌دهند.

### ۲.۲.۱.۳. شناساندن مدعیان دروغین به مردم از طریق شبکه "وکالت"

«در دوره غیبت صغری، تاریخ اسلام دستخوش حوادث، تحولات و دگرگونی‌های فراوانی شد. از فتنه‌هایی که در آن دوره پیش آمد و کیان مسلمین را در خطر قرار داد، مساله مدعیان نیابت

۱. علامه مجلسی قدس سزه در ذیل این حدیث می‌فرماید: احتمال دارد که مراد از "حقیه" مستضعفان از مخالفان (شیعه) یا ضعفای شیعه

یا اعم از (هر دوی) آنها باشد. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۱۶۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۸۵۰.

۲. «و نمی‌خواهند مگر آنچه را که خدا بخواهد». (دهر، ۳۰).

۳. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۴۴۰.



و سفارت دروغین بود.

در آن برهه از زمان که شیعیان جهان به ویژه شیعیان عراق تحت ستم حکومت عباسیان قرار داشتند و بطور محرمانه، رهنمودهای حضرت مهدی علیه السلام را به وسیله چهار تن از نواب خاص ایشان دریافت و به کار می‌بستند، گروهی با ادعای دروغین و کالت، جامعه شیعی را که در آن جو اختناق شدید، با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان بود، دچار مشکل جدیدی با رنگ و بوی شیعی نمودند.<sup>۱</sup>

این گروه: ابو محمد شریعی، محمد بن نصیر النمیری، احمد بن هلال کرخی، ابو طاهر محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی (ابن ابی العزاقر) و...<sup>۲</sup> می‌خواستند از این رهگذر به اهداف مادی و مقاصد شیطانی خویش نائل آیند.

افشاگری‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق شبکه‌ی وکالت و سفرای راستین، از بارزترین جلوه‌های هدایت امام غایب در این دوره بحرانی به شمار می‌رود. قسمتی از تویقات حضرت به طرد و لعن این مدعیان دروغین و سفارش نمودن به مردم در بیزاری جستن از آنها اختصاص دارد.

یکی از این افراد حسین بن منصور حلاج می‌باشد. وی در آغاز، خود را رسول امام غائب و باب آن حضرت معرفی می‌کرد. حلاج صوفی بود و برای دعوت مردم به مسلک صوفیانه‌ی خود بسیار تلاش می‌کرد و به مسافرت‌های متعدد می‌پرداخت. او برای ترویج مذهب خود به هندوستان، بنگلادش، پاکستان، افغانستان و حتی به بعضی شهرهای ایران از جمله قم و اصفهان سفر کرد. همچنین به میان مانوی‌ها و بوداییان و علمای شیعه و علمای مخالفین هم رفت و با تردستی‌های خود توانست بعضی از مردم را جذب خود نماید. لذا هنوز هم طرفدارانی دارد و با کمال تاسف شعرای زیادی او را مدح کرده اند و افکار او را ستوده اند!!!

اما از جانب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در لعن و طرد وی تویق صادر گشت<sup>۳</sup> و از

۱. موسوی، سید حسن، «بحثی اجمالی درباره سفرای دروغین غیبت صغری»، ۱۳۷۷ش، شماره ۱۲، ص ۱۹۶.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الفقیه، صص ۳۹۷ - ۴۰۳.

۳. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

جمله کسانی که حکم قتل او را امضا کردند نایب سوم امام زمان علیه السلام جناب حسین بن روح نوبختی قدس سره بود. مرحوم مقدس اردبیلی می‌فرماید: «توقیعات آن حضرت که به خواص خود نوشته در کتاب‌های معتبر مذکور است از آن جمله یکی توقیعی است که به لعن حسین بن منصور حلاج بیرون آمده و نسخه آن در کتاب «قرب الاسناد» علی بن الحسین بن موسی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) مسطور است.<sup>۱</sup>» زمان غیبت صغری که حدود هفتاد سال به طول انجامید آستن فتنه‌های بسیار بود. فتنه‌های بزرگی که هر یک می‌توانست باعث انحراف بسیاری شود. فتنه‌های هلالی، فتنه‌های نصیری، فتنه‌های بلالی، فتنه‌های شلمغانی، فتنه‌های حسین بن منصور حلاج. در آن دریای طوفانی، تنها کسانی که بر کشتی نجات سوار بودند نجات یافتند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«اهل بیت من مانند کشتی نوح هستند هر کس سوار شود نجات می‌یابد و گرنه غرق خواهد شد.»<sup>۲</sup>

در این عبارت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره لطیفی است؛ یعنی همیشه احوال دنیا طوفانی است و ثانیه‌ای دنیا از طوفان فتنه‌ها خالی نخواهد بود، و تنها راه نجات، نشستن در کشتی نجات است و آن کشتی اهل بیت علیهم السلام است. بنا بر این کسانی که مبانی مکتب اهل بیت را آموخته و بر آن مواظبت می‌کنند از هر فتنه‌ای نجات خواهند یافت.

### ۳.۲.۱.۳. نامه نگاری‌های گسترده و وسیع

امام زمان علیه السلام از روش «نامه‌نگاری» به طور گسترده استفاده می‌کرد و با این روش، نواقص ارتباطات با مردم را جبران می‌کرد و این، در حالی بود که آن حضرت شبکه نمایندگان برای هدایت امت را نیز در اختیار داشتند و در بسیاری از اوقات شبکه‌ی نمایندگان واسطه‌ی بین امام و مردم بودند. بدین گونه که سوالات مکتوب را از مردم می‌گرفتند و آنگاه که جواب از ناحیه‌ی مقدسه‌ی حضرت صادر می‌شد نامه‌ی حضرت را به سوال کنندگان می‌دادند.

شیعیان نیز با پی بردن به این تاکتیک امام، سؤالات و شبهات خود را می‌نوشتند و آن حضرت به عنوان رهبری پرتوان و پاسخگو، در همه عرصه‌ها شیعیان را یاری می‌رساندند.

۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *حدیقه الشیعه*، ج ۲، ص ۹۷۲.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، ص ۴۴.

### ۲.۳. جلوه‌های هدایت امام غایب بر امت در غیبت کبری

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق احادیث، توقیعات و دعا‌های خود و همچنین نامه‌هایی که به شیخ مفید نوشتند، مفاهیم والای دینی را برای مردم تبیین نمودند و افق‌های جدید و وسیعی را درباره معارف اسلامی اعم از اعتقادی و فقهی و اخلاقی در برابر شیعیان گشودند.<sup>۱</sup> علاوه بر فرمایشات حضرت، وجود ذی جود آن امام هدایتگر، همچون خورشید فروزانی به تمام مخلوقات نورافشانی می‌کنند. جلوه‌های هدایت امام غائب از جنبه‌های مختلف قابل بررسی می‌باشد که در این بخش جلوه‌های هدایت امام زمان علیه السلام در دوران غیبت کبری در سه حوزه عقاید اسلامی، احکام دینی و اخلاق الهی بیان می‌گردد:

#### ۱.۲.۳. هدایت امام غایب در حوزه‌ی معارف دین

حضرت مهدی علیه السلام ضمن توقیعات شریف خود به تبیین مباحث بسیار مهم معارف دین پرداختند و ابعاد و زوایای آن را برای شیعیان روشن نمودند. اگر بخواهیم به علّت رعایت اختصار فقط فهرست وار به عناوین آن اشاره نماییم باید عرضه داشت که آن حضرت به مباحث خدایابی، حیرت صاحب نظران از درک ذات خدا، چگونگی شناخت خدای متعال با آیاتش، برهان‌های عقلی متفاوت در راه خداشناسی، توحید در الوهیت، توحید در معبودیت، توحید در کبریایی، توحید در مالکیت، توحید در فاعلیت، توحید در عبودیت، توحید در عظمت، توحید در علم، توحید در قدرت، توحید در قدرت، توحید در ستایش توحید در خالقیت، توحید در رزاقیت، توحید در حق، توحید در عزت، ربوبیت مطلقه خداوند، صفات ثبوتی و سلبی خدای متعال و ... در زمینه خداشناسی پرداخته‌اند.

در محور پیامبرشناسی و نبوت خاصه به مباحث بسیار مهمی از قبیل بشارت انبیاء، پیامبر اسلام برتر از انبیاء، علم غیب آن حضرت، صفات رسول خدا، عصمت پیامبر اسلام، مقام شفاعت آن حضرت، معراج ایشان، خاتمیت پیامبر اسلام و ... در توقیعات و دعا‌های امام غائب پرداخته شده است.

۱ بدیهی است توقیعات حضرت مختص شیعیان در زمان غیبت صغری نبوده و شامل شیعیان زمان غیبت کبری نیز می‌شود.

آن حضرت در محور امام شناسی، موضوع‌های مقام عصمت امامان، بطلان تفویض در حق ائمه علیهم السلام، اقسام علم امام، فلسفه امتیاز امام بر مأموم، هدف از نصب اوصیاء، اهل بیت علیهم السلام تربیت شدگان خداوند و خوب مودت اهل بیت علیهم السلام و حکمت الهی اهل بیت علیهم السلام را مطرح فرمودند و نسبت به هر یک از امامان نیز به صورت خاص، باب‌های معرفتی بسیاری را گشودند.

آن امام هدایتگر، در حوزه معادشناسی نیز به مباحث مهمی چون حقانیت صراط، مرصاد، میان، حساب، بهشت و دوزخ و ... پرداخته‌اند. در اینجا به عنوان نمونه به ارائه معارفی از حضرت مهدی علیه السلام در زمینه خداشناسی و امام شناسی می‌پردازیم:

### ۱.۱.۲.۳. تبیین خداشناسی

از جمله جلوه‌های هدایت امام غایب در حوزه‌ی معارف دین، تبیین خداشناسی توسط ایشان

است. امام زمان علیه السلام درباره خداوند متعال می‌فرماید:

«عقل‌ها را به کنه عظمتش راهی نیست، و وهم‌ها حقیقت هستیش را نمی‌یابند، و جان‌ها در درک حقیقت او عاجزند»<sup>۱</sup>.

بنا بر این فرمایش حضرت، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که به کنه ذات خداوند متعال از راه عقل و وهم و نفس خود رسیده است؛ چرا که وجود او و صفات و اسمائش نامحدود می‌باشد، و در مقابل آن، ظرفیت ما انسان‌ها محدود می‌باشد و طبیعی است که ظرف محدود نمی‌تواند بر نامحدود احاطه یابد.<sup>۲</sup>

همچنین آن حضرت خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد: «ای آن که در بزرگی و هیبتش اوهام متحیر گردیده و در ادراک کمترین مرتبه عظمتش دیده صاحب‌نظران عاجز شده است»<sup>۳</sup>.

اما برای رهروان راه هدایت و طالبان حقیقت، این سوال به وجود می‌آید که چگونه می‌توان به

۱. «لا تقف العقول علی کنه عظمته، و لا تدرك الأوهام حقیقة ماهیته، و لا تتصور الأنفس معانی کیفیته» مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۲.

۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (صلوات الله علیهم)، ج ۴، ص ۴۵۰.

۳. «یا من حارت فی کبریاء هیبته دقائق لطائف الأوهام و انحسرت دون ادراک عظمته خطائف ابصار الأنام» ابن طاووس، علی بن موسی، انقلاب الاعمال، ج ۲، ص ۶۴۵.

شناخت و معرفت خدای متعال رسید. در دعای ماه مبارک رجب که از ناحیه مقدسه امام عصر (ارواحنا له الفداء) صادر شده است، پاسخ این سوال آمده است. آن حضرت درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌فرماید:

« پس آنان (اهلیت علیهم السلام) را ... پایه‌های استوار توحید و نشانه‌ها و مقامات خود قراردادی،

که هیچ مکانی از آن‌ها خالی نیست، و هر کس که تو را شناخته به وسیله آن‌ها شناخته است»<sup>۱</sup>

شناخت خدای متعال از مسیر اهلیت علیهم السلام - که ارکان یکتاپرستی هستند - و آیات الهی

امکان پذیر می‌باشد. همانطور که حضرت فرمودند:

«هر کس خدای متعال را شناخته بدین وسیله شناخته است»<sup>۲</sup>

بنابراین این کلمات دربرابر حضرت، خط بطلانی است بر آنچه صوفیان و عرفای به ظاهر اسلامی در کتاب‌های متعدد و متنوع خود از اصطلاحات ثقیل و برهان‌های واهی برای خداشناسی آورده‌اند. ناگفته پیداست منظور محقق برهان‌های منطقی و عقلانی که ریشه در آیات و روایات دارد، نیست؛ بلکه مقصود استدلال‌های گیج‌کننده و دور از فطرت و دین می‌باشد. کم نیستند برهان‌های خداشناسی که در ادعیه و توقیعات حضرت مهدی علیه السلام به آنها اشاره شده است که به بیان تعداد معدودی از آنها می‌پردازیم:

### ۱.۱.۱.۲.۳. برهان هدایت و رهیابی بر وجود خداوند

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره‌ی خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«ای کسی که ... الهام کرده، سپس به نطق درآوردی.»<sup>۳</sup>

یکی از براهین بر اثبات خداوند متعال برهان هدایت و رهیابی است به این بیان که ما در موجوداتی همچون انسان و سایر حیوانات هدایت‌ها و الهاماتی می‌یابیم که با آن‌ها هدف خود را یافته و پیگیری می‌کنند، هدایت‌هایی که قطعا تعلیمی نبوده و آن‌ها را فرانگرفته‌اند، و از این‌ها کشف می‌کنیم کسی هست که خالق و مدبّر این عالم و موجودات است که همه را راهنمایی

۱. «فجعلتهم ... ارکانا لتوحدك و آیاتك و مقاماتك، التي لا تعطيل لها في كل مكان، يعرفك بها من عرفك» طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المجتهد و سلاح المتعبد*، ج ۲، ص ۸۰۳.

۲. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المجتهد و سلاح المتعبد*، ج ۲، ص ۸۰۳.

۳. «یا من ... ألهم فأطلق» طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المجتهد و سلاح المتعبد*، ج ۲، ص ۸۰۲.

کرده و راه رسیدن به هدفشان را به آن‌ها الهام کرده است.

### ۲.۱.۱.۲.۳. برهان نظم و اتقان بر وجود خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در مورد خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«ای کسی که ... به تصویر کشیده و متفن ساخته است»<sup>۱</sup>

یکی از براهین اثبات وجود خداوند متعال برهان نظم و اتقان است، به این معنا که ما در مجموعه اجزای عالم نظم و تدبیر و اتقانی بس عظیم مشاهده می‌کنیم، و این اتقان دلالت بر وجود خالق عظیم دارد که آن را پدید آورده که همان خداوند متعال است.

### ۳.۱.۱.۲.۳. برهان حدّ بر وجود خداوند

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«ای محدودکننده هر موجود محدود»<sup>۲</sup>

یکی از براهین بر وجود خداوند متعال برهان «حدّ» یا «محدودیت» مخلوقات است؛ به این بیان که هر محدود و محدودیتی حادثی خارج از خود لازم دارد تا به حادثی برسد که خودش محدود نیست؛ زیرا دور و تسلسل باطل و محال است، نتیجه این که در عالم موجود مستقلی وجود دارد که محدوده هر موجودی را به لحاظ قابلیت و زمان و مکان و ... مقدر می‌کند ولی خودش از این گردونه خارج است؛ چرا که واجب الوجود می‌باشد.<sup>۳</sup>

### ۲.۱.۲.۳. تبیین امام شناسی توسط امام غایب

می‌توان از جلوه‌های تبیین امام شناسی توسط امام زمان علیه السلام به دو مورد اشاره کرد:

### ۱.۲.۱.۲.۳. زیارت نامه سایر امامان علیهم السلام

از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات و زیارات جامع و گرانمایه‌ای درباره دیگر ائمه‌ی معصومین علیهم السلام نقل شده است که در بردارنده‌ی معارف والای امام شناسی

۱. «یا من ... صوّر فأتقن طوسی، محمد بن حسن، مصباح المجتهد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۰۲.

۲. «حادث کلّ محدود» سید بن طاووس، علی بن موسی، اقبال الأعمال، ص ۶۴۴.

۳. رضوانی، علی اصغر، دین شناسی از دیدگاه حضرت مهدی (علیه السلام)، صص ۱۳ و ۱۴.

می‌باشد. ۱. از این بین می‌توان به "زیارت ناحیه مقدسه" ۲ اشاره نمود که از ناحیه مقدسه‌ی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط یکی از نواب آن حضرت رسیده است و در بردارنده‌ی عبارات عجیبی است که هر یک از آنها، باب معرفتی جدیدی را نسبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام، می‌گشاید.

در سه جای زیارت ناحیه مقدسه، از معصومان پاک علیهم السلام سخن به میان آمده است:

ا. در اوائل زیارت، بعد از سلام بر پیامبران علیهم السلام این عبارت آمده است:

«السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمُخْطُوصِ بِأُخُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ، سلام بر فاطمه زهراء دختر رسول الله، السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَ خَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ.»

در این قسمت، نام چهارتن از اصحاب کساء با ذکر خصوصیات آن بزرگواران بیان شده است.

ب. در قسمت پایانی زیارت (قسمت دعا و درخواست)، امام زمان علیه السلام خدا را به انوار طیبه معصومان علیهم السلام قسم می‌دهند، از پیامبر و فاطمه و امیرالمؤمنین تا امام عسکری، همه را با نام، ذکر نموده و سپس مطالبی را از خداوند درخواست می‌کنند. در این عبارات هم ویژگی‌ها و صفاتی را برای ائمه هدی بیان می‌دارند که بسیار قابل توجه است.

ج. در آخر (دعای قنوت) هم مجدداً با سلام، یادی از ائمه طیبی شده و مخصوصاً برای پنج تن

آل عبا صلوات الله علیهم، ویژگی‌هایی بیان گردیده که از آن جمله است:

«فصلّ علی محمد رسولک الی الثقلین و سید الانبیاء المصطفین علی اخیه و ابن عمّه اللدین لم

یشرکاً بالله طرفه عین ابداً»

«خدایا دررود فرست بر محمد که فرستاده تو به سوی جن انس بود و آقا و بزرگ پیامبران

منتخب تو به شمار می‌آمد و نیز درود فرست بر برادر و پسر عم او حضرت امیرالمؤمنین، آن دو

بزرگواری که حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن هم نسبت به خداوند شرک نوزیدند.»

۱. در کتاب گرانسنگ کلمه الامام المهدي نوشته‌ی شهید مجاهد سید حسن شیرازی در باب زیارات و ملحقات آن، دوازده زیارت از

امام زمان علیه السلام نقل شده است.

۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، ص ۴۹۶.

این مطلب از دو جهت آموزنده است: یکی این که حضرت علی علیه السلام را در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و با یک صفت مشترک یعنی شرک نیاوردن به خدا حتی برای یک لحظه، معرفی نموده و دیگر این که در مقابل حضرت علی علیه السلام کسانی قرار داشتند که خود را هادی جامعه معرفی کردند، ولی مدت زیادی از عمر آنها در شرک و بت پرستی گذشته بود.

«وعلی فاطمة سيدة نساء العالمین»

«و سلام بر فاطمه زهرا علیها السلام که بانوی زنان هر دو عالم است.»

«وعلی سیدی شبا اهل الجنة»

«سلام بر امام حسن و امام حسین دو آقای جوانان اهل بهشت.»

در ادامه این جملات، نام بقیه ائمه نیز ذکر شده و از خدا خواسته شده که به حق چهارده معصوم، فرج حجة بن الحسن را نزدیک گرداند و همچنین درخواست‌های دیگری بیان شده است. پس در سه جای این زیارت، حضرت بقیة الله علیه السلام به ما درس امام شناسی می‌دهند و در آن اهل بیت علیهم السلام را به ما معرفی می‌کنند.

این سه جا در واقع سه موقعیت مهم می‌باشد:

موقعیت اول، اوائل زیارت و به دنبال بخش پیغمبرشناسی است که مجموعاً مبانی اعتقاد و نیز سابقه امام حسین علیه السلام را تبیین می‌کند. موقعیت دوم، قسمت دعا و درخواست می‌باشد. در این قسمت نام ائمه از آن جهت ذکر شده که می‌خواهیم به آنها توسل پیدا کنیم و چون توسل نیازمند شناخت است، نام ائمه همراه با اوصاف خاصی بیان شده است. موقعیت سوم، دعای قنوت است که جایگاه ویژه خدا را دارد. در این جا به بعد از اقرار به ابعاد مختلف توحید از خدا می‌خواهیم که بر یکایک چهارده معصوم صلوات بفرستد و دعای ما را اجابت کند.

### سلام‌های مختلف بر امام حسین علیه السلام

در بعضی از زیارت‌های دیگر، سلام بر امام حسین علیه السلام یکجا و به صورت کلی آمده ولی در این زیارت، سلام‌ها گاهی بر اعضا و جوارح ایشان شده و گاهی با ذکر نام و فضائل و عملکرد و اهداف آن حضرت بیان گردیده است. هر یک از این موارد در ذیل ملاحظه می‌گردد:



## سلام بر اعضا و مصیبت وارده شده بر آنها

«السَّلام على الشَّيب الخضيب  
 السلام على الخذ التَّريب»  
 «السَّلام على الثَّغر المقروع بالقضيب  
 السَّلام على الرُّأس المرفوع»  
 «السَّلام على الاجساد العارية في الفلوات»

\* سلام بر محاسن به خون خضاب شده و رنگین امام حسین علیه السلام

\* سلام بر گونه خاک آلود آقا

\* سلام بر لب نازنینی که زیر چوب یزید رفت

\* سلام بر سری که بالای نیزه زده شد

\* سلام بر آن اجسادى که برهنه در بیابان ماند...

شایان توجه است که در این عبارات، علاوه بر آن که به هر یک از اعضاء آن حضرت سلام داده شده، به مصیبت آن عضو و صدمه‌ای که بر آن وارد آورده‌اند، نیز اشاره شده است. این گونه سلام‌ها، اگر با توجه خواننده شود، انسان را به عمق فاجعه شهادت سید الشهداء علیه السلام آگاه می‌سازد.

## ذکر فضایل و مناقب حضرت سید الشهداء علیه السلام

در قسمت دیگری از سلام‌ها، فضائل نسبی و کرامت‌های اخلاقی و اجتماعی آن بزرگوار ذکر گردیده است:

«السَّلام على ابن خاتم الانبياء»؛ «سلام بر فرزند خاتم پیامبران»

این عبارت بیان فضیلت نسبی و خانوادگی آن بزرگوار است.

«السَّلام على من بكته ملائكة السماء»؛ «سلام بر آن آقایی که ملائکه آسمان برای او گریه کردند.»

در این عبارت فضیلت معنوی و موقعیت سید الشهداء علیه السلام و نیز عظمت ایشان بیان شده است.

«السَّلام على من اطاع الله في سره و علانيته»؛ «سلام بر کسی که اطاعت خدا نمود و در آشکار و

نهان از فرمانبرداری او سرپیچی نمود.»

«السَّلام علی من جعل الله الشفاء فی تربته»؛ «سلام بر بزرگواری که خداوند متعال شفا را در خاک و تربت او قرار داده است.»

شایان ذکر است که از نظر فقهی، خوردن تمامی خاک‌ها حرام است مگر تربت سید الشهداء علیه السلام به قصد شفایافتن.

«السَّلام علی من الاجابة تحت قبته»؛ «سلام بر آقایی که دعا در زیر گنبد او اجابت می‌شود.»

«السَّلام علی من الائمة من ذریته»؛ «سلام بر بزرگواری که ائمه هدی از ذریه ایشان هستند.»

### معرفی سیمای ملکوتی امام حسین علیه السلام

در قسمت‌های دیگری از این زیارت، خلق و خو و اهداف بلند و آرمان‌های عالی سید الشهداء علیه السلام معرفی شده است. این قسمت دارای پنج بخش است:

#### أ. ارکان اجتماعی

در این بخش، ویژگی‌هایی از حضرت سید الشهداء علیه السلام بیان شده است که هر چند جملاتی از صدر آن در زیارات دیگر هم نقل شده، ولی دنباله آن مطلب دیگری آمده که مخصوص این زیارت می‌باشد؛ نظیر:

«اشهد أنك قد أقيمت الصلاة و اتيت الزكوة و أمرت بالمعروف و نهيت عن المنكر»

#### ب. مطیع مولا بودن

این بخش با عبارات زیر شروع شده است:

«و كنت لله طائعا و لجدك محمد صلی الله علیه و آله تابعا و لقول ابيك سامعا...»؛ «توای

حسین! همواره نسبت به خدا فرمانبردار و نسبت به جدت محمد صلی الله علیه و آله پیرو و نسبت به گفته پدرت، مطیع و شنوا بودی.

#### ج. مردم و اسلام

در این بخش حضرت سید الشهداء علیه السلام چنین توصیف شده اند:

«كنت ربيع الايتام و عصمة الانام و عز الاسلام و معدن الاحكام و حليف الانعام، سالكا طرائق

جدك ابيك...»؛ «ای حسین! تو بهار یتیمان بودی و جایی که تو حضور داشتی، یتیمان شاد و خرم

بودند. یا اباعبدالله تو نگهبان جامعه و حافظ و پناهگاه مردم بودی. سربلندی اسلام به واسطه وجود

تو بود. تو کانون احکام خدا و هم پیمان نیکوکاری بودی، همواره راه جد و پدیرت را می‌پیمودی.»

#### د. عبودیت

بخش پایانی، نقطه اوج زیارت ناحیه مقدسه است؛ یعنی به موضعی می‌رسیم که محدث قمی فرموده‌اند امام حسین علیه السلام آن چنان بود که فرزندش مهدی علیه السلام بیان داشته است. واقعاً این عبارات این قسمت دارای معانی بلندی است:

«كنت للرسول صلى الله عليه وآله ولداً وللقرآن سنداً و للامة عضداً و في الطاعة مجتهداً، حافظاً للعهد و الميثاق، ناكباً عن سبل الفساق، باذلاً للمجهود، طويل الركوع و السجود»؛ «ای حسین! تو برای پیامبر فرزندی شایسته و برای قرآن پشتوانه‌ای عظیم و برای امت اسلام، بازویی توانا بودی. ای حسین! تو در اطاعت پروردگار، بسیار کوشا بودی. تا آخرین نفس در راه عهد و پیمانی که با خداوند بسته بودی، ایستادگی کردی. ای حسین! تو از راه‌های گناهکاران و فاسقان، رویگردان بودی و هر چه در توان داشتی در راه احیای احکام خداوند، بذل نمودی. رکوع و سجود طولانی داشتی.»

#### هـ زهد

«زاهداً في الدنيا زهد الراحل عنها، ناظراً اليها بعين المستوحشين منها...»؛ «در دنیا همچون کسانی که کوچ کننده از دنیا هستند، زهد داشتی. به دنیا نگرستی با دید ترسندگان از آن.»

«این عبارت مخصوصاً برای امروز ما بسیار آموزنده است. زهد و بی‌رغبتی امام حسین علیه السلام به دنیا آن گونه بود که دنیا را همچون سرائی می‌دانست که باید به زودی از آن کوچ نماید و به سرای باقی بشتابد. حتی از این مرحله هم بالاتر، یعنی حضرت سید الشهداء علیه السلام نه تنها نسبت به دنیا بی‌میل بود، بلکه به دیده وحشت بدان می‌نگریست. به دنیا به دو گونه می‌توان نگرست: نگاه خریداری و نگاه وحشزدگی. نگاه امام حسین علیه السلام به دنیا، نگاه وحشزدگان بود که آمیخته با تنفر و انزجار است. عبارت اخیر بازگو کننده نوع نگاه امام حسین علیه السلام به دنیا و وظایف یک مسلمان متعهد در این دنیا می‌باشد که این خود درس بسیار بزرگی برای ما

شیعیان است.<sup>۱</sup>

### ۲.۲.۱.۲.۳. ترغیب علمای دین برای نگارش آثار علمی مرتبط

مرحوم شیخ صدوق در آغاز کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» در بیان انگیزه تألیف این کتاب مهم، روای صادقه خود را اینگونه ذکر می‌نماید:

«مولایمان صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده‌اند و من با دلی مشغول و حالی پریشان به ایشان نزدیک شدم، آن حضرت در چهره من نگرستند و راز درونم را دانستند. بر او سلام کردم، حضرت پاسخ دادند و سپس فرمودند: چرا در باب غیبت، کتابی تألیف نمی‌کنی تا اندوهت را برطرف سازد؟ عرض کردم: یا ابن رسول الله! من قبلاً درباره غیبت رساله‌هایی تألیف کرده‌ام. فرمودند: نه به آن طریق، اکنون تو را امر می‌کنم که در باره غیبت کتابی (مستقل) تألیف کن و در آن غیبت‌هایی را که پیامبران داشته‌اند درج نما.<sup>۲</sup>

ناگفته پیداست در شرایط آغازین دوران غیبت کبری و پیدایش مدعیان دروغین نیابت خاصه و حیرانی شیعه در مواجهه با مساله غیبت کبری که برای شیعیان امری نوظهور می‌نمود، ضرورت ایجاد می‌کرد تا مجموعه مدون و مستندی درباره سنت غیبت در انبیای گذشته نگاشته شود. امام عصر علیه السلام این مهم را شخصا دنبال نموده و به این عالم جامع نگر و دلسوز دستور تدوین آن را می‌دهند تا در زمان‌های بسیار طولانی به عنوان سندی متقن و ارزنده در این باره، مورد مراجعه و بهره برداری قرار گیرد.

### ۲.۲.۲. هدایت امام غائب در حوزه احکام دین

برخی از جلوه‌های هدایت امام غائب در حوزه احکام دین بدین شرح است:

#### ۱.۲.۲.۳. تأیید فقهای جامع الشرایط و توصیه به مراجعه به آنها

امام زمان علیه السلام در توقیع شریفی به اسحاق بن یعقوب مرقوم داشتند:

«و اما رویدادها و پیش‌آمدهائی که در آینده روی خواهد داد، درباره آنها به راویان حدیث ما

۱. طالقانی، سید هدایت الله، شرح زیارت ناحیه مقدسه ۱، صص ۶۰-۶۷.

۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳.

رجوع کنید زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم.<sup>۱</sup>

حضرت با این توفیق شریف از یک سو مسئولیت خطیری را بر عهده فقیهان جامع شرایط نهادند و از سوی دیگر موجبات آسایش خاطر نسبی امت در زمان غیبت را فراهم آوردند که اگر امام ما آن گونه در دسترس ما نیست که بتوانیم در مشکلات و حوادث روز مستقیماً از وجود نورانی شان کسب تکلیف کنیم، ولی فقهای در دسترس ما قرار دارند که مورد تایید آن جناب هستند و از کانال وجودی آنها می‌توان به آنچه که بر عهده ما می‌باشد آگاهی پیدا کرد و به آن عمل نمود. مصداق روشن راویان احادیث معصومین مراجع بزرگوار تقلید هستند که زعامت و رهبری مردم را در دوران غیبت کبری بر عهده دارند.

البته در احادیث بسیاری ویژگی‌های برجسته‌ی این فقیهان ذکر شده است که از مهمترین آنها می‌توان به حدیث معروف و بسیار مهم امام حسن عسکری علیه السلام اشاره کرد که فرمودند:

«هریک از فقها که مراقب نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوی و هوسش و مطیع فرمان مولایش (ائمہ علیہم السلام) باشد بر عوام، لازم است که از او تقلید کنند و این شرایط تنها مشمول برخی از فقهای شیعی می‌گردد نه تمامشان.»<sup>۲</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام در فرازهای قبلی و بعدی این حدیث مفصل به روشنگری‌های بسیار ارزشمند و مهم درباره علمای صالح و فاسد پرداخته اند که در حد مجال این مقال برخی از آنها را بیان می‌داریم. حضرت عسکری (علیه السلام) با ذکر حدیثی از حضرت صادق علیه السلام، عوام امت اسلام را که کورکورانه از علمای سوء تقلید می‌نمایند، مذمت نموده و آنان را در این عمل نادرست به عوام امت بنی اسرائیل تشبیه فرموده که خدای متعال در مذمت آنان آیه هفتاد و هشتم<sup>۳</sup> سوره بقره را نازل فرموده است. حضرت ضمن این حدیث شریف عوام امت اسلام را از تقلید غافلانه بر حذر می‌دارند و می‌فرمایند:

۱. «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.
۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۵۷.
۳. «وَمِنْهُمْ أُمَّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (و برخی از آنان امی هستند که از کتاب ندانند مگر آرزوهای بیهوده [و تنها گمانهایی در سر پرورانده] (بقره / ۷۸)

«...و این چنین است عوام امت ما (مانند عوام امت بنی اسرائیل هستند)؛ هر گاه از علمای خود فسق ظاهر، و تعصب شدید و هجوم بر اموال دنیا و حرام آن را دریافتند، و نیز دیدند آنان به جای اصلاح طرفداران خود؛ کمر به نابودی ایشان بسته‌اند، و با اینکه به خواری و اهانت شایسته‌ترند مورد احسان و نیکوکاری طرفداران خود واقع می‌شوند، در یک چنین اوضاعی هر کدام از عوام ما از چنان فقهایی تقلید کند، درست همانند یهودی خواهند بود که مشمول ذم خداوند بواسطه تقلید از فقیهان فاسق خود شدند...»<sup>۱</sup>

حضرت امام حسن عسگری علیه السلام در اینجا آن فراز نورانی معروف را بیان می‌دارند که پیشتر ذکر شد که در ذیل ادامه‌ی آن را نیز ذکر می‌نماییم:

«پس هر یک از فقها که مراقب نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوی و هوسش و مطیع فرمان مولایش (ائمہ علیهم السلام) باشد بر عوام، لازم است که از او تقلید کنند و این شرائط تنها مشمول برخی از فقهای شیعی می‌گردد نه تمامشان، زیرا هر کس مرتکب عملی قبیح و فاحش همچون فقهای فاسق عامه گردد؛ مطلبی که از ما می‌گویند را قبول نکنید، و حرمتشان را نگه ندارید، و قطعاً بسیاری از مطالب منقول از ما دستخوش تخلیط شده، زیرا فاسقان گوش به کلام ما می‌دهند و از سر جهل تمام آن را تحریف می‌کنند، و از کمی شناختی که دارند مطالب را بر غیر آن می‌نهند، و جماعت دیگری نیز از سر عمد بر ما دروغ بندند تا از حطام ناچیز دنیا وسیله‌ای به دست بیاورند تا همان؛ شعله‌های آتش جهنم را بر ایشان بیفزاید. و گروهی از دشمنان مذهبند که قادر به قرح ما نیستند، برخی از علوم صحیح ما را می‌آموزند و آن را به شیعیان ما می‌رسانند، و از ما نزد دشمنان عیبجویی می‌کنند، و چندین برابر آن دروغ و چندین برابر آن اکاذیب بر ما می‌افزایند که ما از همه آنها پاک و بری هستیم، ولی مع الأسف شیعیان تسلیم ما آن را می‌پذیرند بر اینکه آن از علوم و دانش ما است، پس گمراه شده و دیگران را به بیراهه کشند، و زیان و ضرر این افراد بر شیعیان ضعیف ما از لشکر یزید بر حسین بن علی علیهما السلام و أصحاب آن حضرت بیشتر است، زیرا

۱. "... وَ كَذَلِكَ عَوَامٌ أُمَّتِنَا إِذَا عَرَفُوا مِنْ فُقَهَائِهِمُ الْفُسُقَ الظَّاهِرَ وَ الْعَصِيَّةَ الشَّدِيدَةَ وَ التَّكَاثُبَ عَلَى حُطَامِ الدُّنْيَا وَ حَرَامِهَا وَ إِهْلَاكَ مَنْ يَتَعَصَّبُونَ عَلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ لِإِصْلَاحِ أَمْرِهِ مُسْتَحِقًّا وَ بِالتَّرَفُّفِ بِالْبِرِّ وَ الإِحْسَانِ عَلَى مَنْ تَعَصَّبُوا لَهُ وَ إِنْ كَانَ لِإِذْلَالِ وَ الإِهَانَةِ مُسْتَحِقًّا فَمَنْ قَلَّدَ مِنْ عَوَامِنَا مِثْلَ هَؤُلَاءِ الْفُقَهَاءِ فَهُمْ مِثْلُ الْيَهُودِ الَّذِينَ ذَمَّهُمُ اللَّهُ بِالتَّقْلِيدِ لِفُسَقَةِ فُقَهَائِهِمْ...؛ طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج علی أهل اللجاج**، ج ۲، ص ۴۵۷.

آنان هم روح را بتاراج می‌برند و هم اموالشان را به غارت.»<sup>۱</sup>

حضرت در این فرمایش گهربار به مساله بسیار مهمی اشاره می‌نمایند و آن اینکه مردم در انتخاب مرجع و فقیهی که می‌خواهند معارف دین خود را از وی اخذ نمایند، باید کمال زیرکی و دقت را به خرج دهند، زیرا در میان امت اسلام همچون امت بنی اسرائیل علمای سوءیی هستند که خطرشان از خطر سپاه یزید بر یاران امام حسین علیه السلام بیشتر است چرا که اینان با دین مردم بازی می‌کنند و آنان با مال و جان یاران امام حسین علیه السلام بازی می‌کردند.

در واقع طبق این حدیث شریف و احادیث دیگر در این باره، علمای شیعه در دوران غیبت کبری به دو گروه تقسیم می‌شوند: علمای صالح و وارسته و علمای فاسد و مغرض. علمای صالح و فقه‌های ربانی که در این دوران نقش بسیار مهم و حیاتی دارند، از میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام، به خوبی نگهداری می‌کنند و در طوفان سهمگین خرافات و بدعت‌ها و تحریفها از ایتم آل محمد اکرم صلی الله علیه و آله سرپرستی می‌نمایند و نمی‌گذارند هجمه عظیم شبهات، اعتقاد مردم را سست و ضعیف کند.

این اندیشوران مصلح در طول دوران پرفرازونشیب غیبت امام علیه السلام با خرافه سازان و بدعت گران و مهاجمان فرهنگی به مبارزه برمی‌خیزند و همچون مرزبانانی جان بر کف، پاسدار حریم مقدس تفکر شیعی، با همه ابعاد آن، اعم از فقه، حدیث، کلام و ... می‌باشند.

در روایتی از حضرت هادی علیه السلام می‌خوانیم:

«اگر بعد از غیبت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، عالمانی نبودند که مردم را به سوی او

دعوت و راهنمایی نمایند و با برهان‌های الهی از دین او به دفاع برخیزند و بندگان ضعیف خدا را از

۱. «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ فَإِنَّهُ مِنْ رَكِيبِ مِنَ الْقَبَائِحِ وَ الْقَوَاحِشِ مَرَائِبِ فَسَقَةِ الْعَامَّةِ فَلَا تَقْبَلُوا مِنَّا عَنْهُ شَيْئًا وَ لَا كَرَامَةً وَ إِنَّمَا كَثُرَ التَّخْلِيطُ فِيمَا يُحْتَمَلُ عَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لِذَلِكَ لِأَنَّ الْفَسَقَةَ يَتَحَمَّلُونَ عَنَّا فَيَحْرِفُونَ بِأَسْرِهِ بِجَهْلِهِمْ وَ يَضَعُونَ الْأَشْيَاءَ عَلَى غَيْرِ وَجْهِهَا لِقِلَّةِ مَعْرِفَتِهِمْ وَ آخِرُونَ يَتَعَمَّدُونَ الْكُذِبَ عَلَيْنَا لِيَجْرُوا مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا مَا هُوَ زَادَهُمْ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ وَ مِنْهُمْ قَوْمٌ نَصَابٌ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الْقَدْحِ فِيمَا يَتَعَلَّمُونَ بَعْضَ عُلُومِنَا الصَّحِيحَةَ فَيَتَوَجَّهُونَ بِهِ عِنْدَ شَيْعَتِنَا وَ يَتَّقِضُونَ بِنَا عِنْدَ نَصَابِنَا ثُمَّ يُضَيِّفُونَ إِلَيْهِ أَضْعَافَهُ وَ أَضْعَافَ أَضْعَافِهِ مِنَ الْأَكَاذِبِ عَلَيْنَا الَّتِي نَحْنُ بِرَاءٍ مِنْهَا فَيَتَقَبَّلُهَا الْمُسْتَسْلِمُونَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَلَى أَنَّهُ مِنْ عُلُومِنَا فَضَلُّوا وَ أَضَلُّوا وَ هُمْ أَضَرُّ عَلَى ضَعْفَاءِ شَيْعَتِنَا مِنْ جَيْشِ يَزِيدَ عَلَى الْمُحْسِنِينَ بْنِ عَلِيٍّ ع وَ أَضْحَابِهِ فَإِنَّهُمْ يَسْلُبُونَهُمُ الْأَرْوَاحَ وَ الْأَمْوَالَ...» طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل** **اللجاج**، ج ۲، ص ۴۵۸.

دام‌های ابلیس و پیروانش و همچنین از دام‌های ناصبیان (دشمنان اهل بیت -علیهم السلام-) رهایی بخشند، هیچ کس باقی نمی‌ماند، مگر اینکه از دینش بازمی‌گشت و مرتد می‌شد؛ ولی آنان، زمام دل‌های شیعیان ناتوان را در دست می‌گیرند؛ همچنان که کشتیان سکان کشتی را حفظ می‌نماید. اینان نزد خداوند عزوجل برترین‌ها هستند.<sup>۱</sup>»

همچنین امام جواد علیه السلام درباره علمای وارسته دوران غیبت امام از جامعه فرموده‌اند:

«کسی که سرپرستی یتیمان آل محمد اکرم صلی الله علیه و آله را که از امام خود دور افتاده، در نادانی خویش سرگردان مانده و در دستان شیاطین و دشمنان اهل بیت گرفتار آمده‌اند، به عهده گیرد و آنها را از چنگال دشمنان رهایی بخشد و از حیرت و جهالت خارج سازد و وسوسه‌های شیاطین را از آنها دور کند، و با دلایل پروردگارشان و برهان‌های امامانشان دشمنان اهل بیت را مقهور سازد، در نزد خداوند بر عابدی که در بهترین مواقع به عبادت پرداخته، برتری دارد؛ بیشتر از آنچه آسمان بر زمین، و عرش و کرسی و حجاب‌ها بر آسمان برتری دارند. برتری او بر چنین عابدی مانند برتری ماه شب چهارده بر کوچک‌ترین ستاره آسمان است.»<sup>۲</sup>

مرحوم عراقی در کتاب دار السلام ذیل این حدیث می‌فرماید:

این حدیث دلالت نمود بر اینکه، کسانی که به لباس علم و زیور تشیع آراسته اند ولی عاری از لباس صلاح و تقوی باشند، راه آنان همان راه علمای یهود و نصاری خواهد بود. تقلید از آنان شایسته نیست و سخن آنان مردود باشد. پس فریب چنین اشخاصی را نباید خورد و باید از آنان بر حذر بود و اجتناب نمود؛ زیرا این چنین افراد در شمار کسانی هستند که بدون شایستگی و اهلیت ادعای باییت و نیابت از امام زمان می‌کنند، و غاصب حق نواب و سفراء و وکلا، بلکه (غاصب حق) منوب عنه و

۱. «لولا من یبقی بعد غیبة قائمنا، (ع)، من العلماء الداعین الیه و الدالین علیه و الدابین عن دینه بحجج الله و المنقذین لضعفاء عبادالله من شبك ابلیس و مردته و من فحّاخ التواصب لما بقی احد الا ارتدّ عن دین الله و لکنهم الذین یمسکون ازمة قلوب ضعفاء الشیعه کما یمسک صاحب السفینة سکانها اولئک هم الافضلون عندالله عزوجل.» طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، ج ۲، ص ۲۶۰.

۲. إنّ من تکفل بآیتام آل محمد صلی الله علیه و آله المنقطعین عن إمامهم، المتحیرین فی جهلهم، الأساری فی أیدی شیاطینهم و فی أیدی التواصب من أعدائنا، فاستنقذهم منهم و أخرجهم من حیرتهم و قهر الشیاطین بردّ و ساوسهم و قهر الناصبین بحجج ربهم و دلایل أنتمتهم، لیفضّلون عند الله علی العابد بأفضل المواقع، بأکثر من فضل السماء علی الأرض و العرش و الكرسي و الحجب علی السماء و فضلهم علی هذا العابد کفضل لیلۃ البدر علی أخفی کوكب فی السماء؛ طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، ج ۱، ص ۱۵-۱۴.



مولای ایشان باشد.<sup>۱</sup>

### ۲.۲.۲.۳. اجماع لطفی

از جلوه‌های مهم هدایت امام غائب، اجماع لطفی می‌باشد. توضیح آنکه هرگاه در حکمی همه فقیهان هم رأی باشند و خلافی در میان آنها نباشد، نتیجه گرفته می‌شود که حکم، مطابق واقع و موافق نظر معصوم علیه السلام است، زیرا اقتضای لطف عام پروردگار آن است که در صورت خطای همه علما، وی به نوعی، حکم واقعی را از طریق امام غایب به ذهن یا کلام و یا مجمع فقیهان القا نماید و اتفاق نظر آنان را بر هم زند تا اجماعی محقق نشود.

«از جمله کسانی که اجماع بر اساس قاعده لطف را حجت می‌داند، عالم جلیل القدر «شیخ طوسی» می‌باشد. اجماع لطفی مبتنی بر قاعده‌ی لطف است، بنابر این قاعده، بر امام علیه السلام در عصر حضور و غیبت لازم است که حقیقت احکام شرعی را به طور مستقیم یا به واسطه دیگران برای مردم آشکار کند. پس اگر همه علمای شیعه بر فتوایی اتفاق نظر داشته باشند و قول مخالفی از سوی هیچ فقیه شناخته شده یا ناشناسی اظهار نشود، این اجماع، کاشف از رضایت امام علیه السلام به فتوای مورد اجماع است؛ زیرا اگر امام علیه السلام مخالف فتوای مورد اجماع بود، بنابر قاعده لطف بر او واجب بود که قول حق را به گونه‌ای اظهار کند و چون قول مخالفی وجود ندارد پس اجماع، کاشف از رضایت امام علیه السلام خواهد بود.<sup>۲</sup>»

«در خصوص قاعده‌ی لطف نیز لازم به ذکر است از آیات و روایات بر می‌آید که آنچه شوق بنده را به طاعت بر می‌انگیزد و او را از معصیت دور می‌دارد، بر آوردنش بر خداوند واجب است؛ زیرا بدین سان، تکالیف از بیهودگی و لغو رها می‌شوند. مراد از وجوب بر خداوند آن نیست که بندگان بر او حاکمیت دارند؛ بلکه مراد این است که اوصاف کمالی خداوند - مانند حکمت و عدالت - موجد و موجب لطف‌اند. این بدان سبب است که افعال خداوند، مظاهر صفات اویند؛ همان سان که صفات الهی، مظاهر ذات متعالی اویند. از این دیدگاه، لطف خداوند بر دو گونه است: یکی لطفی که به نحو عام در ادای تکالیف بیش‌ترین مکلفان دخیل است و این لطف از باب

۱. عراقی، محمود بن جعفر، *دار السلام در احوالات حضرت مهدی (علیه السلام)*، ص ۳۲۲.

۲. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، ج ۲، ص ۱۰۸.

حکمت بر خداوند واجب است. دوم، لطفی که بر ادای تکالیف شماری اندک از مکلفان مؤثر است و این لطف از جود و فضل الهی سرچشمه می‌گیرد بی آنکه بر او واجب باشد.<sup>۱</sup>»

### ۳.۲.۲.۳. حل بعضی از معضلات علمی بزرگان شیعه

امام زمان علیه السلام نسبت به فقیهان برگزیده - که زمامداران دین و اعتقاد مردم در دوران غیبت ایشانند- توجه و عنایت و راهنمایی و هدایت ویژه‌ی خویش را مبذول می‌دارند. از جمله اقدامات حضرت ولی عصر (علیه السلام) در حفاظت از دین و هدایت خلق، یاری عالمان و فقیهان راستین شیعه در استنباط احکام شرعی و بیان مسائل شرع مقدس است. در اینجا سه نمونه از معتبرترین تشریفات که دستگیری‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از عالمان دینی را نمایان می‌نماید، بیان می‌کنیم:

#### ۱.۲.۲.۲.۳. یاری امام غایب به شیخ مفید در فتوا

مردی روستایی به خدمت شیخ مفید رسید و سؤال کرد: زنی حامله فوت شده، آیا باید شکم آن زن را شکافت و طفل را بیرون آورد یا این که با حمل او را دفن نماییم؟ شیخ مفید تصور کرد که مدت حمل آن زن کمتر از چهار ماه بوده و هنوز روح در جنین دمیده نشده و با مرگ مادر، جنین نیز مرده است، لذا فرمود: با حمل او را دفن کنید. مرد برگشت و در میان راه سواری را دید که به سرعت می‌تازد و می‌آید. وقتی نزدیک رسید، به او گفت: من از طرف شیخ مفید هستم. طفل زنده است؛ پهلوی مادر را بشکافید و طفل را بیرون بیاورید. سپس مادر را دفن کنید.

مرد همان طور که سوار گفته بود عمل کرد بعد از چندی برای تشکر نزد شیخ مفید برگشت. شیخ مفید فرمود: من کسی را نفرستادم و متوجه می‌شود عنایت غیبی از سوی حضرت حجت علیه السلام این امر را اصلاح کرده است و نگران می‌شود که در دادن فتاوی دیگر نیز خبط و خطا کند، لذا تصمیم می‌گیرد دیگر فتوا ندهد. اما برای شیخ مفید توقیعی از ناحیه مقدسه با این عبارت خارج شد: «ایها الشیخ المفید! منك الفتوی و منا التسدید.»<sup>۲</sup> «ای شیخ مفید! تو فتوا بده، ما اصلاح و استوارش می‌نماییم.» و شیخ مفید بار دیگر بر مسند فتوا نشست.

۱. سبحانی، جعفر، *الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل*، ج ۳، ص ۵۶.

۲. شیرازی، سید حسن، *کلمة الامام المهدي عليه السلام*، ص ۵۷۵.

## ۲.۲.۲.۲.۳. حل مشکلات علمی علامه حلی توسط امام زمان علیه السلام

میرزا محمد تنکابنی<sup>۱</sup> در کتاب "قصص العلماء" از فاضل لاهیجی از استاد خود "آقا سید محمد" صاحب "مفاتیح الاصول" و "مناهل الفقه" که او نقل کرده از خط علامه در حاشیه بعضی کتب ایشان که:

علامه حلی در شبی از شبهای جمعه تنها به زیارت قبر مولای خود ابی عبد الله الحسین علیه السلام می‌رفت. ایشان بر حیوانی سوار بود و تازیانه‌ای برای راندن آن به دست داشت. اتفاقاً در اثنای راه شخصی پیاده در لباس اعراب به ایشان برخورد کرد و با ایشان همراه شد. در بین راه شخص عرب مسأله‌ای را مطرح کرد. علامه حلی (ره) فهمید که این عرب، مردی است عالم و با اطلاع بلکه کم مانند و بی نظیر؛ لذا بعضی از مشکلات علمی خود را از ایشان سؤال کرد تا ببیند چه جوابی برای آنها دارد. با کمال تعجب دید ایشان حلال مشکلات و معضلات و کلید معماها است. باز مسائلی را که بر خود مشکل دیده بود، سؤال نمود و از شخص عرب جواب گرفت و خلاصه متوجه شد که این شخص علامه دهر است؛ زیرا تا به حال کسی را مثل خود ندیده بود ولی خودش هم در آن مسائل متحیر بود. تا آن که در اثناء سؤالها، مسأله‌ای مطرح شد که آن شخص در آن مسأله به خلاف نظر علامه حلی (ره) فتوا داد. ایشان قبول نکرد و گفت: این فتوا برخلاف اصل و قاعده است و دلیل و روایتی را که مستند آن شود، نداریم. آن جناب فرمود: دلیل این حکم که من گفتم، حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نوشته است. علامه گفت: چنین حدیثی در تهذیب نیست و به یاد ندارم که دیده باشم که شیخ طوسی یا غیر او نقل کرده باشند.

آن مرد فرمود: آن نسخه از کتاب تهذیب را که تو داری از ابتدایش فلان مقدار ورق بشمار در فلان صفحه و فلان سطر حدیث را پیدا می‌کنی.<sup>۱</sup> علامه با خود گفت: شاید این شخص که همراه من می‌آید، مولای عزیزم حضرت بقیة الله علیه السلام باشد؛ لذا برای این که واقعیت امر برایش معلوم شود درحالی که تازیانه از دستش افتاد، پرسید: آیا ملاقات با حضرت صاحب علیه السلام

۱. در زمان قدیم کتاب‌ها فاقد شماره صفحه بودند و به همین دلیل برای آدرس دادن به اشخاص می‌گفتند: از اول کتاب چند صفحه جلو برو و یا از آخر کتاب چند صفحه به عقب برگرد.

امکان دارد یا نه؟ آن شخص چون این سؤال را شنید، خم شد و تازیانه را برداشت و با دست با کفایت خود در دست علامه گذاشت و در جواب فرمود: چطور نمی‌توان دید و حال آن که الآن دست او در دست تو می‌باشد؟ همین که علامه این کلام را شنید، بی‌اختیار خود را از بالای حیوانی که بر آن سوار بود بر پاهای آن امام مهربان، انداخت تا پای مبارکشان را ببوسد که از کثرت شوق بیهوش شد.

وقتی به هوش آمد، کسی را ندید و افسرده و ملول گشت. بعد از آن که به خانه خود رجوع نمود، کتاب تهذیب خود را ملاحظه کرد و حدیث را در همان جایی که آن بزرگوار فرموده بود، مشاهده کرد و در حاشیه کتاب تهذیب خود نوشت: این حدیثی است که مولای من صاحب الامر علیه السلام مرا به آن خبر دادند و حضرتش به من فرمودند: در فلان ورق و فلان صفحه و فلان سطر می‌باشد.

همچنین صاحب مفاتیح الاصول در حاشیه کتاب تهذیب الأحکام شیخ طوسی (ره)، نوشته‌ای را که به خط علامه حلّی (ره) بود، مشاهده کرد که در کنار حدیثی نوشته بود: این حدیثی است که در راه حلّه به کربلا، حضرت علیه السلام آدرس آن را به من داد.<sup>۱</sup>

### ۳.۲.۲.۲.۳. پاسخ دادن امام زمان علیه السلام به سوالات علمی مقدس اردبیلی

ملا احمد اردبیلی نجفی (متوفی در سال ۹۹۳) که نزد عموم مردم مشهور به «مقدس اردبیلی» است از مشاهیر فقهاء و محققین دانشمندان شیعه است، در فقه و اصول و حکمت و کلام استاد مبرز و در زهد و قدس و تقوی یگانه روزگار بوده. علامه مجلسی در مقدمه بحار می‌گوید:

«محقق اردبیلی در قداست نفس و تقوی و زهد و فضل به مقام نهایی رسید، در میان متقدمین و متأخرین علماء، شخصیت بزرگی چون او را سراغ ندارم. خداوند او را با ائمه طاهرين يك جا گرد آورد. کتب او دارای بالاترین مراتب دقت نظر و تحقیق است.»

دانشمندان بزرگی مانند ملا عبد الله شوشتری، شیخ حسن صاحب معالم، سید محمد صاحب مدارک و میر علام از شاگردان وی می‌باشند. سید فاضل میرعلام -از شاگردان دانشمند معروف،

۱. نهایندی، علی اکبر، *عقیری الحسان*، ج ۲، ص ۶۱؛ تنکابنی، میرزا محمد، *قصص العلماء*، ص ۲۵۹؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، ج ۲، ص ۵۵۴.

مقدس اردبیلی بوده است - جریان تشریف مقدس اردبیلی محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین بیان می‌کند:

در یکی از شب‌ها در صحن مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بودم. در حالی که در صحن راه می‌رفتم دیدم شخصی از مقابل من به طرف حرم منور امیر المؤمنین می‌رود. وقتی نزدیک رفتم دیدم استاد بزرگوارم مولانا احمد اردبیلی (ره) است، من خود را از وی پنهان نگاه داشتم تا اینکه به طرف درب حرم آمد، در بسته بود، ولی به مجرد رسیدن او در باز شد و او داخل حرم گردید. شنیدم که سخن می‌گوید. مثل اینکه با کسی توگوشی حرف می‌زند؛ آنگاه از حرم بیرون آمد و در بسته شد من هم به دنبال او رفتم، تا از شهر نجف خارج شد و به سمت مسجد کوفه رفت. من دنبال او بودم ولی او مرا نمی‌دید.

همین که وارد مسجد کوفه گردیدم به سمت محرابی رفت که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در آنجا شهید شدند. مدتی در آنجا ایستاد سپس برگشت و از مسجد بیرون آمد و عزم نجف کرد. من همچنان پشت سر او بودم تا اینکه نزدیک مسجد حانه رسیدیم. در آنجا سرفه‌ام گرفت، بطوری که نتوانستم خودداری کنم. وقتی صدای سرفه مرا شنید برگشت نگاهی به من کرد و مرا شناخت. پرسید: تو میرعلام هستی؟ گفتم: آری. گفت: اینجا چه می‌کنی؟ گفتم: از موقعی که شما وارد صحن مطهر شدید تا کنون همه جا با شما بوده‌ام. شما را به صاحب این قبر مطهر قسم میدهم آنچه امشب بر شما گذشت از اول تا آخر به من اطلاع دهید. گفت: می‌گویم ولی با این شرط که تا من زنده‌ام، به کسی نگوئی! وقتی به وی اطمینان دادم، فرمود: در پاره‌ای از مسائل علمی فکر می‌کردم و حل آن برایم مشکل می‌نمود. به ذهنم خطور کرد که خدمت امیر المؤمنین علیه السلام شرفیاب شوم و حل آن مشکل را از آن حضرت بخواهم. موقعی که به در حرم رسیدم چنان که دیدی در بسته به رویم گشوده شد و داخل حرم گردیدم و از خداوند مسألت نمودم که شاه ولایت جواب سؤالم را بدهد. ناگهان صدائی از قبر منور شنیدم که فرمود: به مسجد کوفه برو و از قائم ما سؤال کن، زیرا او امام زمان تو است، من هم آمدم پهلوی محراب و آن حضرت را آنجا دیدم. مسأله خود را پرسیدم و حضرت جواب آن را مرحمت فرمود و اینک به منزل برمی‌گردم.

### ۳.۲.۳. هدایت امام غایب در حوزه اخلاق و رفتار الهی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود تجلی و تندیس اخلاق الهی هستند. کسانی که توفیق شرفیابی به محضر منور آن امام مهربان را داشته اند، از صفات زیبای اخلاقی ایشان سخن‌ها گفته اند و درس‌ها گرفته اند که این موضوع در جای خود بسیار مهم و ارزشمند و قابل بررسی می‌باشد. اما آنچه که ما در این مبحث می‌خواهیم به آن پردازیم هدایت‌های اخلاقی امام غائب از طریق توقیعات و دعا‌های آن حضرت می‌باشد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعات و دعا‌های خود به بیان مسائل اخلاقی بسیاری پرداختند. از جمله‌ی آنها می‌توان به ضرورت وحدت بین شیعیان، تقوا منشأ امان از فتنه، سخاوت نسبت به ارحام، اخلاص در دین، عدم پی‌گیری اموری که از ما خواسته نشده، شکر بر عافیت و نعمت، خوف از خدا علت ترس از دنیا، امید به خدا علت انس با آخرت، ضایع شدن حق رجا با ترك استغفار، ضرورت صبر در انجام کارها، بزرگ، تفویض امر خود به خداوند متعال، لزوم حسن ظن به خداوند متعال، ضرورت توبه در جوانی، مقام رضای الهی بالاتر از عفو الهی، مایوس شدن از مال مردم، استحقاق ثواب و بهشت با نیکی به والدین، امید در ناامیدی، خداوند متعال بهترین تکیه گاه، بی‌نیازی جستن در دنیا به خدا، پی‌جویی علم سودمند، پیش قدم بودن در سختی‌ها در راه اسلام، صبر در مصیبت، وفای به عهد، قناعت به روزی خداوند متعال، فرج بعد از شدت، لزوم همکاری در نصرت حق، لزوم غضبناك شدن به غضب الهی، نورانیت قلب به یقین، نورانیت دل به ایمان، نورانیت فکر به ثبات، نورانیت عزم به علم، نور قدرت در عمل صالح، نور زبان در صداقت، تکیه کردن به خدا در سختی و آسایش، عدالت و مهربانی دو وظیفه‌ی امیران، انصاف و خوشرفتاری وظیفه‌ی عمومی اشاره نمود.

اما در اینجا برای رعایت اختصار به شرح برخی از آنها می‌پردازیم:

#### ۳.۲.۳.۱. تقوا، منشأ امان از فتنه

اگرچه معروف است که تقوا را گاهی به ترس و گاهی به اجتناب ترجمه می‌کنند؛ ولی مفهوم کلمه‌ی تقوا نه اجتناب است و نه ترس؛ البته تا حدودی با این دو تلازم دارد یعنی هر جا که تقوا

باشد، خشیت الهی و اجتناب از گناهان نیز هست ولی این واژه - در اصطلاح قرآن و نهج البلاغه - نه به معنای ترس است، نه اجتناب. بنابراین تقوا، ملکه‌ای است که به روح نیرو می‌بخشد و نفس اماره و احساسات سرکش را مطیع می‌سازد و نقش ترمز نیرومندی را دارد که انسان را از سقوط در پرتگاه‌ها حفظ می‌کند.<sup>۱</sup>

از امام زمان علیه السلام نقل شده که خطاب به شیخ مفید قدس سرّه فرمود:

«أنت من اتقى ربه من اخوانك في الدين و خرج عليه بما هو مستحقه كان آمنا من الفتنة المضلة»<sup>۲</sup>؛

همانا هر کس از برادران دینی تو تقوای پروردگارش را داشته باشد و بر آن به طوری که مستحق است اقدام کند او از فتنه گمراه کننده در امان است».

هنگام وقوع فتنه که بسیاری را به کام خود فرو می‌برد تنها کسی می‌تواند از تبعات و مفسد آن در امان باشد که شیعه خداترس بوده و اهل تقوا و پرهیزکاری باشد.

برخی از اندیشمندان در بیان تقوا فرموده‌اند: تقوا برگرفته از «قوی» است که بر قدرت و توان روح دلالت دارد. «متقین» افرادی هستند که از روحی قوی و اراده‌ای پولادین بهره دارند. افرادی که از قدرت و نفوذ ظاهری برخوردار و از تقوا بی‌بهره‌اند، در واقع قدرت آنان، پوشالی و دروغ است. مقتدر راستین کسی است که بر نفس خویش، خواسته‌ها، بایدها و نبایدهای خویش کنترل داشته باشد و زمام خویش را به دست گیرد و راهوار شهوت‌ها و خواسته‌های نفسانی خویش نباشد. هر گناه در واقع ضعفی که در درون انسان است را بیان می‌کند و بنا بر توفیق آقا امام زمان علیه السلام متقین با این ویژگی مهمی که دارند در پرتگاه فتنه گمراه کننده سقوط نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

با بررسی آیات قرآن می‌توان به این نکته دست یافت که تقوا، نقشی محوری دارد و همه‌ی فضایل بدان وابسته است. در واقع تقوا کلیدواژه‌ی دستیابی به دیگر فضیلت‌هاست. برای مثال در قرآن به ما امر شده است که با صادقان همراه باشیم<sup>۴</sup>، لیکن همراهی با صادقان، جز با بهره بردن از تقوا امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر انسان‌ها برای پیوند با پروردگار باید از «وسیله»‌هایی بهره

۱. شیرازی، سیده زینب و دیگران، سلونی (سیری در اندیشه علوی)، ص ۲۴.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

۳. شیرازی، سید حسن، خواطر عن القرآن، ج ۲، ص ۶۹. بیروت: دارالعلوم، ۱۴۱۴ق.

۴. توبه/۱۱۹.

برند<sup>۱</sup>، اما تنها کسانی امکان این بهره‌برداری را دارند که به تقوا آراسته باشند. همچنین علم حقیقی تنها در سینه‌هایی جریان دارد که تقوا پیشه سازند<sup>۲</sup> و تنها گروهی سخنان‌شان استوار، منطقی و از بیهوده‌گویی به دور خواهد بود که ابتدا جان و اندرون خویش را با تقوا بیارایند.

اگرچه در نگاه آغازین، تقوا بسیار سخت به نظر می‌رسد و در وهله‌ی اول شاید انسان بیندیشد، دین قیدوبندهای زیادی را بر انسان ایجاد کرده و آزادی‌های او را سلب نموده است؛ ولی با توجه به آثار و پیامدهای تقوا درمی‌یابیم که این قیدوبندها در واقع مهم‌ترین عاملی است که امنیت روحی و روانی فرد را تأمین می‌کند و آرامش را برای انسان به ارمغان می‌آورد. (از این رو امیر مؤمنان علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

«أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ... أَلَا فَصَوْئُوهَا وَ تَصَوُّتُوهَا بِهَا»<sup>۳</sup>

شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم... هان تقوا را حفظ کنید و خود را نیز به وسیله‌ی آن نگاه دارید».

«إِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحِزْرُ وَالْجَنَّةُ وَ فِي عَدِ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ»

همانا تقوا امروز پناهگاه و سپر و فردا راهی به سوی بهشت است».<sup>۴</sup>

ناگفته پیداست که برای تأمین این امنیت روحی تکیه بر یک یا چند دستور الهی کافی نیست، بلکه انسان موظف است برای رشد خود، تمام آموزه‌های الهی را به کار برد. انسان خارج شده از مدار تقوا، مانند عنکبوتی است که با تنیدن تار به دور خویش، هرچه فعالیتش بیشتر شود اضطرابش افزون‌تر خواهد شد.

امیر مؤمنان علیه السلام به این نکته اشاره فرموده است:

«لِأَنَّ مُفَارَقَةَ الدِّينِ مُفَارَقَةَ الْأَمْنِ فَلَا يَتَّهِنُ بِحَيَاةٍ مَعَ مَخَافَةٍ»

زیرا بی‌دینی مایه‌ی ناامنی است و در زندگی بدون امنیت خوشی وجود ندارد».<sup>۵</sup>

۱. مائده/۳.

۲. بقره/۲۸۲.

۳. سیدرضی، *نهج البلاغه*، ص ۲۸۴، خطبه ۱۹۰.

۴. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۲۴۱.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۲۷.



## ۲.۳.۲.۳. پرهیز از دنیا دوستی

چرا از میان مسائل متعدد اخلاقی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقعات و دعا‌های خویش مطرح نمودند، مبحث دنیا دوستی را مطرح می‌نماییم؟ شاید بتوان گفت که دنیا دوستی یکی از مهم ترین موانعی است که در مسیر تقوا قرار دارد و دستیابی به تقوا در سایه‌ی محبت به دنیا ممکن نیست.

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

«اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، و أوحشني من الدنيا»<sup>۱</sup>

«بارخدا یا! بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از دنیا بترسان».

انسان اگر واقعا از چیزی بترسد مواظب و مراقب است که مبادا گرفتارش شود و گرنه اقدامی در برابر آن هم انجام نمی‌دهد. اگر کسی دنیا را دوست خود بداند در حالی که همانند مار خوش خط و خال است او را در بغل می‌گیرد ولی ناگهان بدون آن که ملتفت باشد او را نیش می‌زند، اما اگر از آن گریزان باشد مواظب است که از او نیش نخورد.<sup>۲</sup>

توضیح آنکه در روایات معصومین علیهم السلام دو نگرش راجع به دنیا دوستی مطرح است:

۱. نگرش موضوعی به دنیا

۲. نگرش طریقتی به دنیا (امام سجاد علیه السلام فرمودند: "الدنيا دنيا ان دنيا بلاغ و دنيا

ملعونه"<sup>۳</sup>)

نوع بینش ما جایگاه دنیا را تعیین می‌کند. اینکه "من به دنیا چگونه می‌نگرم و در زندگی آن را ابزار چه چیز قرار می‌دهم" مسئله است. بدین صورت که اگر انسان به عنوان هدف و موضوع به دنیا بنگرد و محور اندیشه، گفتار و نگرش او را امور دنیا تشکیل دهد، مورد نکوهش قرار می‌گیرد؛ چرا که ریشه و بازگشت بسیاری از گناهان وابستگی به دنیا است (امیرالمومنین علیه السلام:

۱. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، مزار کبیر، ص ۱۶۵.

۲. رضوانی، علی اصغر، دین شناسی از دیدگاه حضرت مهدی (علیه السلام)، ص: ۳۱۴...

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۰

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ<sup>۱</sup>

اگر انسان دنیا را چون ابزار و نردبانی برای رسیدن به هدفی والا و انسانیت در نظر بگیرد و تنها به دلیل مقدمه برای آخرت بخواهد، نگرش او پسندیده و مورد تایید اسلام خواهد بود.<sup>۲</sup>

امیرمومنان علیه السلام در اشاره به بهره‌ی طریقتی از دنیا می‌فرماید:

«إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَطَّ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَسْجِدُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ»<sup>۳</sup>

همانا دنیا سرای راستی برای راست‌گویان و خانه‌ی تندرستی برای دنیاشناسان و خانه‌ی بی‌نیازی برای توشه‌گیران و خانه‌ی پند، برای پندآموزان است. دنیا سجده‌گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا و جایگاه تجارتِ دوستان خداست، که در آن رحمت خدا را به دست آوردند و بهشت را سود بردند.»

و در جایی دیگر می‌فرماید:»

«مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرْتَهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ؛

آن کس که به وسیله دنیا بنگرد، او را بینا کند و هر که به آن بنگرد، او را کور گرداند.»<sup>۴</sup>

و در مقابل درباره‌ی نگرش موضوعی از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیان‌شان فرمودند که از خداوند متعال این گونه درخواست کنند:

«... و تحفظنی فی هذه الدنيا الدنیه من شرِّ سلاطینها و فجّارها و شرارها و محبّیها، و العاملين لها فیها»<sup>۵</sup>؛

«... و مرا در این دنیای پست از شرِّ سلاطین و فجّار و شرار و دوستداران دنیا و عمل‌کنندگان در دنیا برای دنیا، حفظ فرما.»

اگر به دنیا به دید استقلال‌ی نگریسته شود و مزرعه بودن آن برای آخرت ملاحظه نگردد به‌طور

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲. شیرازی، سیده زینب و دیگران، سلونی (سیری در اندیشه علوی)، صص ۳۵ و ۳۶ با اندکی تغییر.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۹۲، کلمات قصار، ۱۳۱.

۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۳۹.

۵. رضوانی، علی اصغر، دین شناسی از دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام، ص ۳۳۴.

حتم پست خواهد بود و انسان را به حضيض ذلت خواهد کشانید؛ و لذا کسی که دوستدار دنیاست و در آن فقط برای دنیا کار می‌کند شرور خواهد بود و باید از شر او به خداوند پناه برد.<sup>۱</sup>

### ۳.۳.۲.۳. نور قدرت در عمل (اصالت عمل گرایی)

از امام زمان علیه السلام نقل شده که به شیعیانشان امر می‌فرماید تا از خدا چنین بخواهند:

«و ان تملأ... قوتی نور العمل»<sup>۲</sup> «و این که قوتم را با نور عمل پر نمایی».

در توضیح این فرمایش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از شرح دو آیه‌ی قرآن کریم مدد می‌جوییم. یهودیان و مسیحیان مدینه چنان می‌انگاشتند که ملت برگزیده‌ی خداوند و بهشت جز برای آنان آفریده نشده است:

﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾؛

«و آنها گفتند: هیچ کس، جز یهودی یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی آنهاست. بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بر این موضوع بیاورید. (بقره/۱۱۱)

قرآن کریم این گونه تفکر را نقد کرده و آنان را به آوردن نشانی بر صدق ادعای خویش دعوت می‌کند. داستان در همین جا پایان نیافت، بلکه این گونه افکار و تصورات رفته رفته در میان مسلمانان نیز جا باز کرد، به گونه‌ای که هر گروه گمان کردند که ملت برگزیده‌ی خدا و نژاد برتر هستند و همین رابطه برای دور نمودن عذاب از آنان کافی است. نمونه‌ی آن بحثی است که میان مسیحیان، یهودیان و مسلمانان رخ داد:

مسلمانان به اهل کتاب گفتند: ما هدایت یافته‌تر از شما ایم و مسیحیان و یهودیان گفتند: ما

هدایت یافته‌تر از شما هستیم.<sup>۳</sup> در این هنگام آیه‌ای نازل شد:

﴿أَيُّسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْرَبْ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾؛

«به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی مرتکب شود در برابر آن کیفر می‌بیند و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی‌یابد.»

۱. رضوانی، علی اصغر، دین شناسی از دیدگاه حضرت مهدی (علیه السلام)، ص ۳۳۴.

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص ۲۲۲.

۳. طوسی، محمد بن حسن، الثبیبان، ج ۳، ص ۳۳۶.

۴. نساء/ ۱۲۳.

قرآن با صراحت این طرز تفکر را که مقدمه‌ی واپس‌گرایی مسلمانان بود، مورد نقد قرار می‌دهد و اصالت عمل‌گرایی را یادآور می‌شود. در این فراز از دعا " و ان تملأ... قوتی نور العمل " نیز امام غائب به اصالت عمل‌گرایی در اسلام اشاره می‌فرماید. پر واضح است هر کس از قوت و قدرتی برخوردار است، ولی مهم آن است که با به کار گرفتن آن قدرت در انجام عمل صالح، آن را به فعلیت برساند و ظاهر گرداند. آن امام هدایتگر با این جمله به ما می‌آموزد که از خداوند متعال استمداد جسته و بالاترین میزان عمل صالح را از درگاهش درخواست نماییم به گونه‌ای که تمام قدرت و قوت ما را نور عمل فرابگیرد.

ذیلاً روایتی را بیان می‌نماییم که به نکته‌ی لطیفی در این باره اشاره دارد. شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: حدیثی از شما روایت کرده‌اند، می‌خواهم بدانم درست است یا نادرست. آیا راست است که شما فرموده‌اید: «إِذَا عَرَفْتَ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ؛ هر وقت به معرفت (امام) دست‌یافتی، هر چه می‌خواهی عمل کن». حضرت فرمود: «بله. من این جمله را گفته‌ام». عرض کرد: «آیا معنای سخن شما این است که اگر کسی به معرفت امام دست‌یافت، هر کاری را که می‌خواهد می‌تواند انجام دهد حتی اگر زنا یا سرقت باشد؟» به محض گفتن این سخن، امام برآشفت و فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ». به خدا سوگند که انصاف را در مورد ما رعایت نمودند، آیا ما مأمور به عمل باشیم و آنان بی‌نیاز از عمل؟ مقصود من این است که وقتی امام را شناختید و معرفت به امام پیدا کردید، آنگاه هر چه دلتان می‌خواهد عمل صالح انجام دهید؛ چرا که امام را شناخته‌اید و شرط و راز قبول عمل را یافته‌اید.<sup>۱</sup>

به راستی جای تامل دارد که آیا صحیح است که ائمه‌ی معصومین مأمور به عمل باشند و ما

بی‌نیاز از عمل؟

### ۴.۳.۲.۳. توصیه به برآوردن حاجات مردم

حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

« هر کسی که به دنبال حاجت خداوند عزّ و جلّ باشد، خداوند نیز دنبال کننده و برآورنده حاجت

<sup>۱</sup> . حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۱۵.

او خواهد بود»<sup>۱</sup>

این حدیث را شیخ صدوق رحمه الله از پدرش، از سعد بن عبد الله، از ابی القاسم بن ابی حلیس (حابس)، از امام زمان علیه السلام، نقل می‌کند. حضرت در پیامی به حلیسی به خلوص او اشاره می‌کند و به صورت کلی، به این نکته اخلاقی اشاره می‌فرماید که:

«هرکس درصدد برآوردن حاجت خداوند باشد، خداوند نیز دنبال‌کننده حاجات او خواهد بود و

خواسته‌هایش را برآورده می‌کند».

هرچند مراد از حاجت خداوند در بخشی دیگر از این روایت، زیارت امام حسین علیه السلام، با نیت خالص مشخص شده است، ولی حضرت، یک اصل کلی را بیان کرده‌اند و زیارت امام حسین علیه السلام را، مصداقی از آن قرار داده‌اند؛ یعنی، اگر انسان، کاری را که ارزشش آن مقدار است که می‌تواند مصداقی از اموری باشد که اجرایش مطلوب و خواسته‌ی خداوند است، و از این رو بتوان آن را «حاجت خداوند» خواند، انجام دهد؛ خداوند نیز کارهای او را اصلاح می‌کند. «حاجت خداوند» می‌تواند زیارت یکی از معصومان علیهم السلام، یا خدمت به خلق خدا و تلاش برای رفع گرفتاری آنان یا تبلیغ دین الهی... باشد. لازم به تذکر است که خداوند، محتاج به هیچ کس نیست، بلکه این مردم‌اند که سر تا پا محتاج به قاضی الحاجات هستند.<sup>۲</sup>

تعبیر حاجت خداوند در این حدیث به این جهت است که: حاجت خداوند در حاجت خلق است. و به تعبیر دیگر: کسی که مشغول برآوردن حاجات مردم باشد گویا درصدد برآورده شدن حاجت خداوند است. احتمال دیگری که در مورد این حدیث وجود دارد این است که مقصود از «حاجت خدا»، دستورات خداوند اعم از اوامر و نواهی باشد که مورد خواست خداوند است، که اگر کسی در برابر آن دستورات مطیع باشد خداوند نیز حاجت او را برآورده می‌کند.<sup>۳</sup>

### ۴.۲.۳. هدایت به امر امام غائب (ایصال الی المطلوب)

در کنار هدایت امام زمان علیه السلام در مبانی معرفتی در ابعاد مختلف دین، از جمله وظایف

۱. «من كان في حاجة الله عزّ وجلّ كان الله في حاجته» صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۹۳.

۲. «يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» سوره فاطر، آیه ۱۵.

۳. رضوانی، علی اصغر، دین شناسی از دیدگاه حضرت مهدی (علیه السلام)، ص ۳۶۷.

ایشان، رساندن افراد به سر منزل مقصود است. یعنی ایشان مانند سایر امامان علیهم السلام علاوه بر نشان دادن مسیر کمال و سعادت، افراد را مرحله به مرحله در این مسیر همراهی می‌کند تا در نهایت، هر فردی در صورت تبعیت از اوامر الهی و در راستای آن، پیروی از فرامین امام، به کمال وجودی خود دست یابد. این نکته ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ آئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ﴾<sup>۱</sup>

مفسران در ذیل آیه تأکید داشته‌اند که در حقیقت مقام امامت، مقام تحقق بخشیدن به تمام برنامه‌های الهی است، به تعبیر دیگر ایصال به مطلوب و هدایت تشریعی و تکوینی است.<sup>۲</sup> بدین رو، هدایتی که منصب امام است نمی‌تواند معنایی غیر از رساندن به مقصد داشته باشد و این معنا يك نوع تصرف تکوینی در وجود افراد است که با آن تصرف، مسیر برای بردن دلها به سوی کمال و انتقال دادن آنها از مقطعی به مقطع بالاتر در مسیر رشد را هموار می‌کند.<sup>۳</sup>

این نکته از دید خاورشناسان منصف هانری گرین نیز پنهان نمانده است و می‌گوید:

«مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به طور مستمر، پیوستگی ولایت را زنده و پابرجا می‌دارد... تنها مذهب تشیع است که معتقد است نبوت با حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم می‌شود، ولی ولایت که همان رابطه هدایت تکمیلی است برای همیشه زنده می‌ماند.»<sup>۴</sup>

۱. «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند» سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۱۳، ص ۴۵۵.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۴، ص ۳۰۴.

۴. اسحاقی، حسین، *سپیده امید: کاوشی در مهدویت*، ص ۵۰.

## فصل چهارم :

### خلاصه و نتیجه گیری

با توجه به اینکه سؤال اصلی و سؤال‌های فرعی تحقیق در رابطه با جلوه‌های محبت و هدایت امام غائب بر امت، چیستی و چگونگی جاوه‌های محبت امام غائب بر امت (مردم عادی و بزرگان شیعه) و جلوه‌های هدایت امام غائب در حوزه دین (معارف، احکام اخلاق) بوده است، نتیجه می‌گیریم:

۱. از بررسی آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام نمایان می‌شود، محبت زیربنای دین الهی می‌باشد، بنابراین رفتار کسی که از سوی خداوند متعال به عنوان هدایتگر همه جانبه‌ی امت منصوب شده است، جز بر پایه‌ی محبت و مهربانی و شفقت با مردم نمی‌باشد.

۲. برخلاف نظر برخی از افراد جاهل یا مغرض، رابطه‌ی امام زمان علیه السلام در دوران غیبت کبری تا زمان ظهور آن حضرت در ابعاد مختلف ادامه دارد که این امر بر اساس قاعده‌ی لطف خداوند است.

۳. در این عصر، والاترین، عمیق‌ترین و وسیع‌ترین محبت بشری نسبت به امت اسلام را یگانه‌ی روزگار ما، حضرت مهدی علیه السلام دارا می‌باشد. محبتی که مجموعه‌ای از دلسوزی پدرانه، صمیمیت برادرانه، مهر مادرانه و انس دوستانه را در خود جمع نموده، بلکه فراتر رفته و به تناسب گستردگی روح امام معصوم وسعت دارد، بنابراین بی‌مانند و نظیر است.

۴. جلوه‌های محبت امام غائب بر امت بسیار فراگیر و متعدد است، می‌توان از جمله "نظر نمودن با دیده‌ی رحمت و لطف"، "یاد مداوم امام غائب" و "دادرسی ستمدیدگان"، "گره‌گشایی از مشکلات" و "دعا برای آنها" به عنوان جلوه‌های محبت امام غائب بر عموم مردم یاد کرد. "یاری رساندن" و "دعای خاص آن حضرت" نیز شامل حال بزرگان شیعه شده است.

۶. می‌توان از هدایت نمودن مردم از طریق توقیعات، ملاقات با بعضی از خواص بزرگان شیعه و انجام معجزه یا خبر دادن از غیب جهت اثبات امامت خویش، ایجاد شبکه‌ی وکالت و نمایندگان خاص، روشنگری درباره جریان‌های انحرافی، شناساندن مدعیان دروغین به مردم، موضع‌گیری



حضرت در برابر غالیان و نامه‌نگاری‌های گسترده و وسیع به عنوان جلوه‌های هدایت امام غائب بر امت در غیبت صغری اشاره کرد.

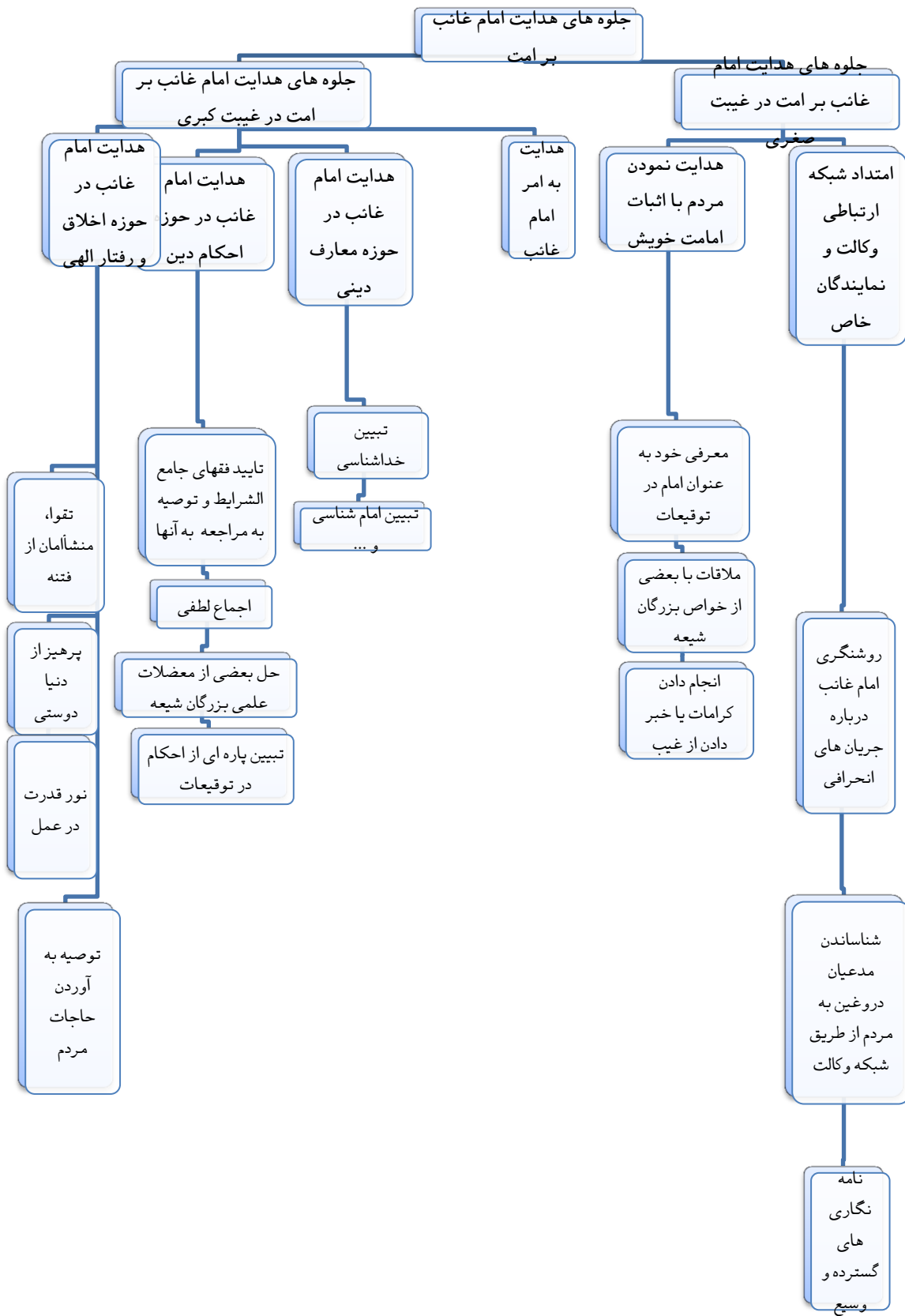
۷. هدایت حضرت مهدی علیه السلام در حوزه‌ی معارف و احکام دینی و اخلاق الهی جلوه‌هایی از هدایت ایشان در زمان غیبت کبری است.

۸. شان هدایت‌گری امام غایب تنها تبیین مبانی معرفتی در ابعاد مختلف دین، نبوده بلکه ایشان مانند سایر امامان علیهم السلام علاوه بر نشان دادن شاهراه کمال و سعادت، با تصرف تکوینی در وجود افراد مسیر را برای بردن دلها به سوی کمال و انتقال دادن آنها از مقطع بالاتر در مسیر رشد، هموار می‌کند.

باید اذعان داریم ما را ادعای آن نیست که توانسته باشیم در این پایان نامه، تمام جلوه‌های محبت و هدایت امام غائب بر امت در آیات و روایات را بررسی و بیان کرده باشیم. رعایت اسلوب پایان نامه نویسی و همچنین اتخاذ مبنای گلچین نمودن در بیان مطالب و از سوی دیگر، عجز محقق در برابر فهم و بیان اقیانوس بی‌کران محبت و هدایت حضرت مهدی علیه السلام سبب اختصار این نوشتار شد، اما به راستی بررسی و تبیین جلوه‌های محبت و هدایت امام عصر علیه السلام موسوعه‌ای مفصل می‌طلبد، امید است در آینده‌ای نزدیک، محققان به این مهم بپردازند.

## ساختار جلوه‌های محبت و هدایت امام غائب بر امت در آیات و روایات





**پیشنهاد:**

نویسنده در طی انجام این پژوهش با موضوعات جذاب و با اهمیتی رو به رو شده، از جمله "رفت و عطوفت در سیره‌ی حکومتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان الگوی سیره‌ی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام"، "نقش متقابل رفتار عاطفی امام و امت در اصلاح جامعه" که هر یک می‌تواند به عنوان موضوع یک پژوهش در دستور کار محققان گرامی قرار گیرد. امید است این تلاش‌ها مورد قبول خداوند متعال و حجت او، حضرت مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شود.

" و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین "

## پیوست

### ۱. محبت امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور

وقتی تنها برخی از جلوه‌های محبت امام زمان علیه السلام بر امت در زمان غیبت آن حضرت چنین باشد، در زمان ظهور تجلی محبت و رحمت آن امام همام بسیار بسیار فراتر از این خواهد بود. متأسفانه ذهنیت رایج مسلمانان آن است که امام زمان علیه السلام با چهره‌ای خشن ظهور می‌کند و به هیچ کس رحم نمی‌کند و با تکیه بر شمشیر و قتل و کشتار مخالفان خود، موفق به تشکیل حکومت و کسب قدرت می‌شود.

این ذهنیت ریشه در روایات دروغینی دارد که در اثر جهالت دوستان و یا غرض ورزی دشمنان به صورت گسترده‌ای در کتاب‌ها نوشته می‌شود و بر روی منبرها برای مردم بازگو می‌شود.

به موجب پاره‌ای از این روایات جعلی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهور، چنان با خشونت و درشتی با مردم رفتار می‌کنند که اکثریت آنان آرزو می‌کنند کاش هرگز او را نبینند و عده‌ی زیادی از آنان نیز در نسب او دچار تردید شده، ایشان را از آل محمد علیهم السلام نمی‌دانند.

تعداد این روایات به بیش از پنجاه مورد می‌رسد. از این تعداد، سند بیش از سی مورد از آن‌ها به شخصی به نام محمد بن علی کوفی می‌رسد که فردی بدنام و دروغ گو بوده است و تمام علمای رجال بر بی اعتباری روایات او حکم کرده اند. این شخص، در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می‌زیسته و از معاصران جناب فضل بن شاذان بوده است. فضل بن شاذان از راویان بزرگ و بنام شیعه است که در جلالت و قدر و منزلت وی جای هیچ گونه تردیدی نیست. امام حسن عسکری علیه السلام در مدح وی می‌فرماید:

«من به اهل خراسان غبطه می‌خورم که کسی چون فضل دارند.»<sup>۱</sup>

۱. کشی، محمد بن عمر، *إختیار معرفة الرجال*، ص ۵۴۲، رجال ابن داوود، ص ۱۵۱، *معالم العلماء*، ص ۹۰.

حال، فضل بن شاذان در وصف محمد بن علی کوفی می گوید: «او مردی بسیار دروغ گوست.»  
و در جایی دیگر اظهار داشته است: «نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم.»<sup>۱</sup>  
در اینجا به عنوان نمونه فقط به بیان دو روایت از این روایات که محمد بن علی کوفی آنها را به  
دروغ به امام معصوم نسبت داده، بسنده می نمایم:  
روایت اول:

«عن محمد بن علی الكوفي عن البرزطي عن العلاء عن محمد: قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: لو  
يعلم الناس ما يصنع القائم إذا خرج لأحبّ أكثرهم أن لا يروه ممّا يقتل من الناس...»  
«اگر مردم می دانستند قائم (مهدی) پس از ظهور چه می کند، بیش تر آنها دوست نداشتند او را  
ملاقات کنند؛ چرا که بسیاری از مردم را خواهد کشت...»  
در دنباله این روایت چنین آمده است که:

«حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ.»<sup>۲</sup>  
«(آن قدر کشتار می کند) تا آنجا که بسیاری از مردم می گویند: او از آل پیامبر صلی الله علیه و آله  
نیست؛ زیرا اگر از آل پیامبر بود رحم می کرد.»  
روایت دوم:

«عن محمد بن علی الكوفي عن البرزطي عن عاصم بن حميد الحناني عن أبي بصير قال أبو جعفر عليه  
السلام: ليس شأنه إلا بالسيف لا يستيب أحدا...»<sup>۳</sup>  
«سر و کار مهدی جز با شمشیر نیست و توبه احدی را هم نمی پذیرد...»  
نکته مهم این است که محمد بن علی کوفی کذاب روایات خود را نوعا به افراد ثقه نسبت  
می داده تا روایاتش صحیح جلوه کند؛ همان طور که در اینجا نام حنّاف در سلسله سند آمده که او  
از ثقات است.

صرف نظر از محمد بن علی کوفی، عده ای از راویان دیگر این روایات نیز به هیچ وجه مورد  
اعتبار نبوده و روایاتشان قابل پذیرش نیست.

۱. همان، ص ۵۶۴.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، النعیبه، ص ۲۳۳.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

گذشته از اشکالات سندی، این روایات از جهت دلالت نیز ناتمامند؛ زیرا مفاد بسیاری از آنها با ضروریات مذهب و شریعت در تعارض است و به هیچ عنوان نمی‌توان آنها را توجیه کرد. زیرا بنابر آیات قرآن کریم و روایات متواتر و صحیح‌السند امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می‌کند که عدالت را بیاورد و بساط جور و جفا و ستم را برچیند. بنابراین، امکان ندارد که حضرت بخواهد از راه ظلم به عدل برسد و یا با ایجاد بدعت، سنت جدش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را زنده کند. سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله آن بود که اصولاً توبه‌ی اشخاص گناهکار را می‌پذیرفتند ولی بر اساس آن چه محمد بن علی کوفی نقل کرده است، امام مهدی توبه‌ی احدی را نمی‌پذیرد و بسیاری از مردم را به قتل می‌رساند!!

دلیل دیگر بی‌اعتباری این گونه روایات، احادیث صحیح و معتبری است که بر مفهوم مقابل آنها دلالت دارد و صراحتاً گویای این مطلبند که روش حکومتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همانند همان روش حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام است.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت حجت علیه السلام فرموده‌اند:

«نهمین آنها قیام‌کننده‌ی اهل بیت من و مهدی امت من است که در شمائل و اقوال و افعالش از همه کس به من شبیه‌تر است.»<sup>۲</sup>

نمونه‌ای از رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مخالفان خود را بیان می‌داریم تا قدری از رفت آن حضرت را بشناسیم و پس از آن به رفت و عطف امام زمان علیه السلام شناخت بیشتری پیدا کنیم:

زمانی که مسلمانان در جنگ احد، پیامبر را تنها گذاشتند و به دنبال جمع آوری غنائم رفتند، مشرکان فرصت را غنیمت شمرده، پیامبر را محاصره کردند و با شمشیر و نیزه و سنگ و چوب،

۱. حسینی شیرازی، سید صادق، شمیم رحمت، صص ۲۸، ۳۰، ۱۵ با تلخیص.

۲. «التَّاسِعُ مِنْهُمْ {من اولاد الحسين عليه السلام} قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِيٌّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي سَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ» صدوق،

محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام‌الوری باعلام‌الهدی، ج ۲، ص ۱۸۳؛ اربلی،

علی بن عیسی، کشف‌الغمة فی معرفة‌الائمة، ج ۲، ص ۵۱۰.

سر و دندان و شانه‌ی مبارک آن حضرت را شکسته و زخمی کردند و اگر یاری‌های امیرالمومنین در آن جنگ نبود، بی تردید پیامبر را کشته بودند.

وقتی پیامبر از چنگال مشرکان نجات یافت، به درگاه الهی عرضه داشت:

«خدایا قوم مرا هدایت فرما که نادانند.»<sup>۱</sup>

علاوه بر تاریخ و روایات، مهمترین سندی که درباره‌ی سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در دست است، قرآن کریم می‌باشد. تابلویی که قرآن کریم از چهره و شخصیت رسول خدا ترسیم می‌کند، چنین است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله در اداره‌ی اموری‌اش از هر چیز از رحمت و محبت بهره می‌گرفتند. ارتباط نزدیک پیامبر با مردم بر اساس همان محبتی بود که بر آن ماموریت یافته بود. با توجه به آیه‌ی فوق گویی پاره‌ای از جان و روح مردم در شکل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظاهر شده بود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همانند جد گرانقدر خود نسبت به تمام مومنان، رافت و عطوفت دارد.

علامه مجلسی حدود یک صفحه از سخنان شیخ طبرسی در اعلام الوری را ذیل این روایت آورده است که قسمتی از آن چنین است:

«اگر درباره چگونگی حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام سؤال شود که چگونه است؟ آیا با شدت و عنف، خواهد بود؟ باید گفت: «فان كان ورد بذلك خبر فهو غير مقطوع به.» هرگز حکومت آن حضرت با شدت و عنف نخواهد بود و حتی اگر روایتی در این مورد [اعمال خشونت در حکومت حضرت] پیدا شد، صحیح نیست، و روایت صحیحی وجود ندارد که آن حضرت با شدت و عنف رفتار خواهند کرد.

شیخ طبرسی از حدیث شناسان معروف و خبره بوده است، ایشان تمام روایاتی که در این باب وارد شده است را با این جمله «ان كان...» زیر سؤال برده و می‌گوید اگر روایتی در این زمینه پیدا شود، نه مدلولش معتبر است و نه حجیت دارد. از سوی دیگر مضمون روایات صحیحی که درباره

۱. اللهم اهد قومی فانهم لا یعلمون» مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۲۱.

۲. توبه/۱۲۸.



ظهور امام زمان علیه السلام وارد شده است کاملاً مخالف آن روایات جعلی است. در حدیث معتبری وارد شده است خداوند تبارک و تعالی انوار اهل بیت علیهم السلام را به حضرت آدم نشان داد، آخرین نور از آن انوار پاك که در میان آنها مانند ستاره صبح می‌درخشید نور وجود مقدس حضرت بقیه الله علیه السلام بود، آن‌گاه خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«توسط این بنده سعادت‌مندم غل‌ها و زنجیرها را از پای بندگانم باز می‌کنم، و بارهای سنگین بدبختی را از دوش ایشان برمی‌دارم، و زمین را از مهر و محبت و رافت و عدالت پر می‌کنم، همانگونه که پیش از آن از سنگدلی و شقاوت و ستم پر شده باشد.»<sup>۱</sup>

بنابراین حقیقت آنچه امام عطوفت و رافت، حضرت مهدی علیه السلام در زمان ظهور انجام می‌دهند از غالب مردم جامعه مخفی مانده است و اکثر جوانان از ظهور امام زمان علیه السلام ترسی به دل دارند. غافل از اینکه از امامی که سیره‌ی رحمانی اش نبوی و علویست، جز رافت و مهربانی و عدالت انتظار نمی‌رود.

## ۲. هدایت امام زمان علیه السلام به هنگام ظهور

کارنامه‌ی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان دهنده‌ی هدایت همه جانبه‌ی ایشان نسبت به بشریت است. توضیح آنکه هر آنچه در این فصل از هدایت‌های حضرت ذکر شد مربوط به هدایت‌های خصوصی آن بزرگوار می‌باشد و هدایت عمومی و جهان شمول ایشان، پس از ظهور نمایان می‌شود. به همین جهت، مشهورترین لقب آن حضرت - که در روایات متواتر آمده - "مهدی" است. هر چند همه‌ی امامان ما، "مهدی" هستند، همان طور که همه‌ی آنان، سجاد و صادق و رضا و تقی و هستند، ولی این صفت، به صورت ویژه، در خصوص امام دوازدهم "موعود منتظر" اطلاق شده است. چه بسا حکمت اختصاص این لقب به امام زمان علیه السلام آن است که علاوه بر علوم و انواری که خداوند به همه‌ی ائمه علیهم السلام عنایت فرموده، الطاف و هدایت‌های ویژه‌ای به آن حضرت دارد که پس از ظهور، مردم جهان را با همه‌ی تنوع فکری و تفاوت نژادی و فرهنگی، تحت فرمان خدای متعال رهبری می‌کند و راه سعادت را به همگان نشان خواهند داد.

۱. «و یَعْبُدِي هَذَا السَّعِيدُ أَفْلَكُ عَنْ عِبَادِي الْأَعْلَالِ وَ أَصْعُ عَنْهُمْ الْأَصَارَ وَ أَمْلَأُ أَرْضِي بِه حَنَانًا وَ رَأْفَةً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ مِنْ قَبْلِهِ قَسْوَةً وَ

شَفْوَةً وَ جَوْرًا» مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۱۱.

از جهت لغت «مهدی» اسم مفعول است و به معنای هدایت یافته می‌باشد، روایت جابر از امام محمد باقر علیه السلام این معنا را تأیید می‌کند. ۱ ولی گاهی اسم مفعول، به جهت مبالغه، به معنای اسم فاعل می‌آید، مانند «محضّن» به معنای «شخصی عقیف و خویشتن دار». در این جا نیز «مهدی» به معنای «هادی» است.

البته ناگفته پیداست کسی که از هر جهت هدایت شده باشد؛ هادی همه جانبه نیز خواهد بود و اینکه چرا این مفهوم را که برای هادی است در مهدی معنا می‌کنند، با توجه به آیه قرآن ﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُبَيِّحَ أَمْنًا لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾<sup>۲</sup> کسی می‌تواند هادی باشد که خودش هدایت شده (مهدی) باشد و کسی که خودش هدایت نیافته، نمی‌تواند هادی و امام باشد. او، هدایت یافته‌ی کامل و هدایت کننده‌ی تمام عیار بشر از جانب پروردگار جهان است<sup>۳</sup>

امام زمان علیه السلام نه تنها هدایتگر مؤمنان و مسلمانان است، بلکه برای همه امت‌ها و ملت‌ها، برای همه مکتب‌ها و مذهب‌ها و برای همه عصرها و نسل‌ها و ... مهدی است، لذا همه پیروان ادیان و فرقه‌ها در انتظارش می‌باشند اگرچه هر کدام او را به نامی می‌خوانند. این است که در زیارت آن جناب می‌خوانیم:

«سلام بر آن آقایی که هدایت‌کننده و مهدی همه امت‌هاست، و گردآورنده‌ی همه کلمه‌ها براساس کلمه توحید و وحدت‌بخش همه صف‌هاست<sup>۴</sup>».

وقتی رهبری بشریت را شخصیتی با این خصوصیات بر عهده گیرد جز خیر و صفا و برکت و فور نعمت در جامعه‌ی جهانی به بار نمی‌نشیند. ، و این گشایش تحقق همان اصل قرآنی است که بین ایمان و تقوای مردمان سرزمین‌ها و برکات آسمان و زمین، رابطه برقرار می‌کند:

۱. «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ» نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، ص ۲۳۷.

۲. بگو: «آیا هیچ‌یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می‌کنند؟! بگو: تنها خدا به حق هدایت می‌کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!» سوره یونس، آیه ۳۵.

۳ «و صلّ علی الخلف الهادی المهدی امام المؤمنین»؛ مفاتیح الجنان دعای روز جمعه

۴. «السلام علی مهدی الأمم و جامع الکلم» مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۹۹، ص ۱۰۱.

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup>

از این رو تمام روایات شریفی که روزگار ظهور را ترسیم نموده اند، رعایت اخلاق و آزادگی را در سطح جهانی نشان می دهد که ذیلا به بعضی از آنها اشاره می شود:

## ۱.۲. رشد عقلانی و اخلاقی توده ها توسط حضرت

برای دگرگون ساختن و متحول نمودن هر اجتماعی نخست باید اصول تربیتی آن جامعه را دگرگون ساخت. این است که حضرت مهدی علیه السلام با روش تربیتی نوین و انسانی - اسلامی خود، اذهان آحاد بشریت را بینش جدیدی می بخشند و اینگونه تابش جلوه های هدایت را بر رفتار و عملکرد مردم نمایان می سازند. امام باقر علیه السلام در این زمینه فرموده اند:

«هنگامی که قائم ما قیام نماید، دستش را بر سرهای بندگان می کشد، پس به این وسیله نیروهای عقلانی توده ها را تمرکز دهد و و اخلاق مردم را به کمال رساند.»<sup>۲</sup>

## ۲.۲. تعمیم دانش

امام باقر علیه السلام در این زمینه فرموده اند:

«در زمان مهدی، به همه ی شما حکمت و علم پیاموندا تا آنجا که زنان، در خانه ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قضاوت کنند.»<sup>۳</sup>

## ۳.۲. یگانگی، نه بیگانگی

گروهی از شیعیان به حضرت باقر علیه السلام گفتند: یاران و دوستان ما در کوفه گروه بسیاری هستند، اگر تو فرمان دهی، همه فرمان برند و پشت سر تو بیایند. حضرت فرمودند: آیا چنین است که یکی از این گروه بیاید و آنچه نیاز دارد از جیب دیگری بردارد؟ گفتند: "نه" فرمودند: "پس این گروه (که در راه دادن مال به یکدیگر این گونه بخل ورزند) برای دادن خون خویش (در راه

۱. «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم.» (اعراف: ۹۶)  
 ۲. «اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رووس العباد، فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم.» مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.  
 ۳. «..... و توتون الحکمه فی زمانه حتی ان المراه لتقضى فی بیتها بکتاب الله - تعالی - و سنه رسول الله .» مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

اصلاح جامعه و احقاق حق دیگران) بخیل تر خواهند بود.!) آنگاه فرمودند: مردم هم اکنون آسوده اند - که در حال توقف حرکت تربیتی اسلام به سر می‌برند - از مردم همسر می‌گیریم و به آنان همسر می‌دهیم. از یکدیگر ارث می‌بریم. حدود را اقامه می‌کنیم. امانت را باز می‌گردانیم (یعنی زندگی مردم در همین حد است و نه کاملاً اسلامی)، لیکن به هنگام رستاخیز قائم، آنچه هست، همترازی (مزامله) و مساوات و یگانگی است، تا آنجا که هر کس، هر چه نیاز دارد، از جیب آن دیگری بر می‌دارد بدون هیچ ممانعتی.<sup>۱</sup>

## ۴.۲. امنیت راه‌ها و از بین رفتن کینه‌ها

امیرالمومنین علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند:

«اگر قائم، قیام کند، آسمان - چنانکه باید - باران بارد و زمین گیاه رویاند. کینه‌ها از سینه‌ها بیرون رود. حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن، با همه زیب و زیور خویش، از عراق در آید و تا شام برود، نه جایی زمینی بی سبزه بیند و نه درنده ای او را نگران سازد.»<sup>۲</sup>

نظامی که حضرت مهدی علیه السلام در آن زمان در عالم فراهم می‌کنند و نوع تربیتی که مردم آن روزگار می‌شوند به گونه‌ای است که هدایت در تمام جنبه‌های مادی و معنوی و اخلاقی به صورت عینی و عملی متجلی می‌شود. پس در آن زمان، دیگر ملل قوی و ضعیف، جوامع عقب افتاده و پیشرفته، مفهومی ندارد. سود و سودپرستی - که عامل ایجاد طبقات و هر گونه استثماری است - از میان می‌رود. کار به صورت یک خدمت اجتماعی در می‌آید. هر کس برای اجتماع و بر اصل تعاون و تکافل کار می‌کند. در داد و ستد، کسی از کسی سود نمی‌گیرد. ریشه پول و پول پرستی از بن کنده می‌شود. حکومت اشیا بر بشر نابود می‌گردد و بشر بر اشیا حکومت می‌کند. گرمی داشتن شخصیت بشر، جایگزین پرستش پول می‌شود. طرز فکرها تغییر می‌کند. انسان با موازین تربیت صحیح انسانی تربیت می‌شود. مقیاس‌ها دگرگون می‌گردد و ارزش‌ها اوج می‌گیرد. روش اندیشه و تفکر آدمی بر اساس قانون آسمانی قرآن پایه گذاری می‌شود. نوع دوستی و محبت

۱. مفید، محمد بن محمد، *الاختصاص*، ص ۲۴.

۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

به کمال خود می‌رسد و به قلمروی مدنی کشیده می‌شود.<sup>۱</sup>

این است که خدای متعال در قرآن کریم به آن روزگار طلایی قسم یاد می‌کند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»

مفضل بن عمر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای - عَزَّ وَ جَلَّ «وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» پرسیدم. آن حضرت فرمود:

«وَ الْعَصْرِ»، عصر خروج حضرت قائم علیه السلام است. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» یعنی، دشمنان ما در زیان هستند)، «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» (یعنی آنان که) به آیات ما (ایمان آوردند). «وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یعنی، برابری و یک‌رنگی با برادران دینی، «وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» یعنی، به امامت، «وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» یعنی، در دوران فترت<sup>۲</sup>.

آن دوران همان روزگار زرّین تاریخ بشریت است، که اندیشمندان جهان به پندار خویش نام‌های گوناگونی چون شهر خدا، مدینه‌ی فاضله و سرزمین‌الدورادو به آن داده‌اند.<sup>۳</sup> سخن آخر اینکه جهان معاصر خود را نیازمند یک نظام عدالت‌مند جهانی می‌داند. به تعبیر دیگر، یک ویژگی اساسی که در شرایط نوین زندگی و روابط تازه‌ی اجتماعی قرن حاضر و پیشین به چشم می‌خورد؛ احساس کشش و گرایش عملی همگانی، به پیوستگی، هماهنگی و یکپارچگی، در تمام شئون انسانی می‌باشد. احساس اخیر، در اذهان برخی متفکران تیزبین، چنان جدی و شدید بود که حدود پنجاه سال پیش، از دنیای کنونی با تعبیر "دهکده‌ی جهانی"<sup>۴</sup> یاد می‌کردند و جالب است بشنوید

۱. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، صص ۴۶، ۴۷، ۵۰ با تلخیص.

۲. مراد زمان غیبت است که باورها سست می‌شود.

۳ «الْعَصْرِ عصر خروج القائم علیه السلام، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ یعنی اعداءنا، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا [یعنی] بآیاتنا، وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ یعنی بمواساة الإخوان، وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ یعنی بالإمامة، وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ یعنی في الفترة.» صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۶.

۴. «شهر خدا تعبیر سن آگوستین، مدینه‌ی فاضله تعبیر ابونصر فارابی و سرزمین‌الدورادو تعبیر فرانسوا ولتر است.» تاجری، غلامحسین، انتظار مهدی بدر انقلاب جهانی، ص ۳۶.

۵. نخستین بار در غرب، مارشال مک لوهان، استاد دانشگاه کانادا، با نگارش کتاب "جنگ و صلح در دهکده‌ی جهانی" (۱۹۶۸م)، این تعبیر را در وصف وضع کنونی زمین به کار برد.

که اکنون، سخن از رسیدن جامعه‌ی انسانی به آستانه‌ی دوران "ذهنیت جهانی" <sup>۱</sup> به میان می‌آورند. <sup>۲</sup>

---

۱. تاجری، غلامحسین، رساله دکتری "مهدویت در کتاب و سنت از دیدگاه امامیه و اهل سنت"، استاد راهنما: دکتر سید محمد باقر حجتی، استاد مشاور: دکتر علی مهدی زاده، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۶، به نقل از دریک ذکیرکو، مقاله‌ی "از دهکده‌ی جهانی تا ذهنیت جهانی"، مجله‌ی پیام یونسکو، سال ۲۶ شماره ۲۹۷ ص ۱۶.

۲. همان. صص ۱۵۵ و ۱۵۶. با اندکی تغییر.

## فهرست منابع

قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغه، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.

### الف) منابع فارسی

۱. اسحاقی، حسین، سپیده امید: کاوشی در مهدویت، چاپ چهارم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ش.
۲. اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم (علیه السلام)، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، چاپ هفتم، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷ش.
۳. رضوانی، علی اصغر، دین شناسی از دیدگاه حضرت مهدی (علیه السلام)، چاپ اول، دلیل ما، قم، ۱۳۸۸ش.
۴. \_\_\_\_\_، نظریه پردازی درباره آینده جهان، چاپ سوم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶.
۵. اکبرنژاد، مهدی، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، چاپ سوم، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۸.
۶. بحرینی، سید مجتبی، حدیث نامه‌ها، چاپ اول، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، ۱۳۸۵ش.
۷. بنی هاشمی، سید محمد، آفتاب در غربت، چاپ اول، انتشارات منیر، تهران، ۱۳۹۱ش.
۸. \_\_\_\_\_، سلوک منتظران، چاپ ششم، انتشارات منیر، تهران، ۱۳۹۰ش.
۹. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، چاپ دوم، زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۰. حسینی شیرازی، سید صادق، شمیم رحمت، چاپ چهارم، انتشارات یاس زهرا، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۱. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، چاپ سوم، علامه طباطبایی، مشهد،

- ۱۴۲۶ش.
۱۲. حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام (پژوهشی در انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام)، چاپ دوم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ش.
۱۳. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، الحیاة، ترجمه: احمد آرام، بی‌چا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۴. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، چاپ بیست و یکم، انتشارات آفاق، بی‌جا، ۱۳۷۸ش.
۱۵. سبحانی، جعفر، راهنمای حقیقت، چاپ پنجم، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۷ش.
۱۶. شیرازی، سید حسن، کلمة الامام المهدی علیه السلام، ترجمه: دکتر سید حسن فخارزاده سبزواری، تکمیل: حسن تاجری، چاپ اول، نشر آفاق، بی‌جا، ۱۴۰۷ق.
۱۷. شیرازی، سیده زینب و دیگران، سلونی (سیری در اندیشه علوی وصیت شماره ۴۷ نهج البلاغه)، چاپ اول، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۹۵ش.
۱۸. عراقی، محمود بن جعفر، دار السلام در احوالات حضرت مهدی (علیه السلام)، تحقیق: جمعی از نویسندگان، چاپ دوم، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۹. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و سید محمد حسینی، چاپ هشتم، انتشارات الهادی، قم، ۱۳۸۷ش.
۲۰. طالقانی، سید هدایت الله، شرح زیارت ناحیه مقدسه، چاپ سوم، نشر سابقون، قم، ۱۳۸۷ش.
۲۱. کارگر، رحیم، مهدویت پیش از ظهور، چاپ سوم، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۸ش.
۲۲. کریمی، حسین، آئینه اسرار، چاپ چهارم، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴ش.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ اول، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۲۴. همدانی، صدرالاسلام علی اکبر، پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الانام فی غیبه الامام علیه السلام)، چاپ دوم، انتشارات مکیال، تهران، ۱۳۹۱ق.
۲۵. نوری، حسین بن محمد تقی، نجم ثاقب در احوال امام غایب (علیه السلام)، تحقیق: صادق برزگر، چاپ دهم، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴ش.



۲۶. غلامحسین، تاجری، انتظار مهدی بذر انقلاب جهانی، چاپ اول، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۹۲ش.

### ب) منابع عربی

۲۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۸. ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، تحقیق: ابوطالب کرمانی، محمد حسن محرر، چاپ اول، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۹. \_\_\_\_\_، إقبال الأعمال، چاپ دوم، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۹ق.
۳۰. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۹ق.
۳۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۳۳. امین، محسن، اعیان الشیعه، بی‌جا، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۴. آل یاسین، محمد حسن، أصول الدین، چاپ اول، مؤسسه آل یاسین، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۵. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، چاپ اول، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.
۳۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: غلام رضا مولانا بروجردی، چاپ اول، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
۳۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، تصحیح: سید مهدی رجائی، دار الکتب الإسلامیه، قم، ۱۴۱۰ق.
۳۸. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، بی‌جا، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۳۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.

۴۰. حکیم، سید محمد باقر، الإمامة و أهل البيت (عليهم السلام) النظرية و الإستدلال، چاپ اول، مرکز الإسلامي المعاصر، قم، ۱۴۲۴ق.
۴۱. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، چاپ چهارم، مؤسسه النشر الإسلامي، قم، ۱۴۱۳ق.
۴۲. حلی، حسن بن علی بن داود، رجال، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲ش.
۴۳. خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الإلهیه في شرح عقائد الإمامیه، چاپ چهارم، مؤسسه النشر الإسلامي، قم، ۱۴۱۷ق.
۴۴. دلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، چاپ اول، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ق.
۴۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، دار القلم - الدار الشامیه، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ق.
۴۶. سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، چاپ سوم، مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة، قم، ۱۴۱۲ق.
۴۷. شعرانی، عبدالوهاب بن احمد، لواقح الانوار القدسیة فی بیان العهود المحمدیة، تحقیق: محمد عبدالسلام ابراهیم، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۴۸. شیرازی، حسن، موسوعة الكلمة، چاپ اول، نشر هیئة محمد امین، کویت، ۱۴۲۸ق.
۴۹. شیرازی، سید حسن، خواطری عن القرآن، چاپ اول، دارالعلوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، چاپ اول، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۵۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، چاپ اول، مؤسسه السیده المعصومه (سلام الله علیها)، قم، ۱۴۱۹ق.
۵۲. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الکافی، تصحیح: محمد خواجهوی، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۵۳. صدوق، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحیرة، تصحیح: مدرسہ امام مهدی علیه

- السلام، چاپ اول، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، ۱۴۰۴ق.
۵۴. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا(علیه السلام)، تحقیق: مهدی لاجوردی، چاپ اول، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۵۵. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
۵۶. \_\_\_\_\_، الأمالی، چاپ ششم، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش.
۵۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(علیهم السلام)، تصحیح: محسن کوجه باغی، چاپ دوم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۵۸. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: محمد باقر خراسان، چاپ اول، انتشارات مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۵۹. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری باعلام الهدی، ترجمه: عزیز الله عطاردی قوچانی، چاپ اول، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
۶۰. \_\_\_\_\_، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۶۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۶۲. \_\_\_\_\_، الغیبة، تصحیح: عباد الله تهرانی، علی احمد ناصح، چاپ اول، دار المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ق.
۶۳. \_\_\_\_\_، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، چاپ اول، مؤسسه فقه الشیعة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۶۴. طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ش.
۶۵. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین و الدرع الحصین، چاپ اول، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۶۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
۶۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، انتشارات دارالکتاب، قم، ۱۳۶۳ش.
۶۸. کورانی عاملی، علی، مفردات الراغب الاصفهانی مع ملاحظات العاملی، چاپ اول، انتشارات دارالمعروف، بی جا، بی تا.
۶۹. کشی، محمد بن عمر، إختیار معرفة الرجال، تصحیح: محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، چاپ اول، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۴۰۹ق.
۷۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۷۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ق.
۷۲. \_\_\_\_\_، بحار الأنوار، تصحیح: جمعی از محققان، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۷۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۷۴. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، شرح: سید عبدالله اصغری، چاپ اول، بی نا، قم، ۱۳۸۶ش.
۷۵. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، چاپ اول، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۷۶. \_\_\_\_\_، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۷۷. \_\_\_\_\_، تصحیح اعتقادات الإمامیه، چاپ اول، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۷۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ اول، انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.

۷۹. نوری، حسین بن محمد تقی، جنة المآوی فی ذکر من فاز بلقائ الحجة، تحقیق: مرکز الدراسات التخصصية في الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، چاپ اول، مؤسسة السيدة المعصومة (عليها السلام)، قم، ۱۴۲۷ق.
۸۰. \_\_\_\_\_، كشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار، چاپ دوم، مكتبة نينوى الحديثة، تهران، ۱۴۰۰ق.
۸۱. نهاوندی، علی اکبر، عبقری الحسان، تحقیق و تصحیح: حسین احمدی قمی، صادق برزگر، چاپ اول، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.
۸۲. یزدی حایری، علی، إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف، تحقیق: علی عاشور، چاپ اول، مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۸۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تصحیح جلال الدین محدث، چاپ دوم، دار الکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ق.
۸۴. غروی، محمد اسماعیل، المختار من کلمات الامام المهدي عليه السلام، چاپ اول، دارالمجتبی، قم، ۱۴۱۴ق.

## ج) مقاله

۸۵. موسوی، سید حسن، «بحثی اجمالی درباره سفرای دروغین غیبت صغری»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، ۱۳۷۷ش، شماره ۱۲، ص ۱۹۶.

## د) پایان نامه

۸۶. آل بوغییش، فاطمه، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد «جایگاه امام زمان در نظام تکوین با تاکید بر حدیث امان»، استاد راهنما محمد تقی دیاری بیدگلی، ۱۳۹۲ش.
۸۷. تاجری، غلامحسین، رساله دکتری «مهدویت در کتاب و سنت از دیدگاه امامیه و اهل سنت»، استاد راهنما: دکتر سید محمد باقر حجّتی، استاد مشاور: دکتر علی مهدی زاده، ۱۳۷۶ش.

## ه) منابع نرم افزاری

۱. نرم افزار جامع التفاسیر نور
۲. نرم افزار جامع الاحادیث نور
۳. نرم افزار کتابخانه مهدویت نور

## و) منابع مجازی

1. [www.noormags.ir](http://www.noormags.ir) (پایگاه مجلات تخصصی نور)

2. [www.noorlib.ir](http://www.noorlib.ir) (کتابخانه دیجیتال نور)

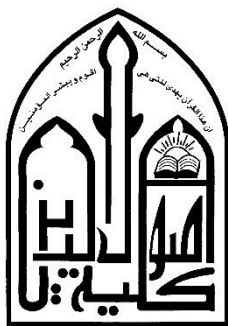
## Abstract

The present thesis is about 'the aspects of leadership and amour of Emam-E-Ghayeb for people in Quran and narratives'. The main goal of this study is to reviewing the aspects of leadership and amour of Emam-E-Ghayeb for Muslims, wrong believes like the angriness of the majesty or lack of leadership for Islamic nation in the absence era of his majesty and the increase of the attitudes of Muslims to waiting and amour to Emam-e-Asr.

This study is organized in four chapters, based on laboratory and software references, which are: the title of first chapter is "generals", and includes the structure and methods of the research and the concept plan and keywords. In second chapter, by the title of 'the aspects of Emam-e-Ghayeb's amour to the nation', is trying to discover the quality and the samples of Emam-e-Ghayeb's amour to the nation. In the third chapter, under the title of 'the aspects of Emam-e-Ghayeb's leadership for the nation', after analyzing the leadership role of his majesty in Short- Term-Absence, the leadership of Hazrat Mahdi in education, religion rules and divine ethics in Long- Term-Absence, are discussed. The summery and conclusions are presented in fourth chapter.

Based on this study, the relationship of Emam-e-Zaman with Islamic Nation in the absence era is based on the ethereal of the God until the apparition of his majesty and will be continued in different aspects and is based on the kindness, benignity, and leadership and have different aspects including 'guidance of people based on blessings', 'having miracles or announcement of Absence for proving his leadership' 'having a special agency' 'disclosure of perverted movements' 'recognizing wrong complainants to people' and 'widespread writings' in Short-Term-Absence and some aspects including 'approving Faqihs and recommending for respecting them' 'general kindness' 'resolving some of the most important problems of Shia' 'guidance based on the rules of Emam-e-Ghayeb' and etc. in Long-Term-Absence. The references of this work includes the explanations of Quran, Narrative books and hermeneutic and historical books.

Keywords: leadership, amour, Emam-e-Zaman, Quran, narratives.



**Usul al-Din College-Qom**

**Department of the Quranic Sciences and Hadith**

**M.A**

**The Aspects of leadership and Amour of  
Emam-E-Ghayeb for People in Quran and  
Narratives**

**Supervisor**

**Dr. Gholama Hossein Tajery Nasab**

**Prepared By**

**Zeinab Al-Sadat Navabi**

**Summer 2016**